

گیریش

"زمانی که دولت بودجه سالیانه را ارائه داد نمایندگان آذربایجان [به عنوان اعتراض] از کمیسیون امور مالی بیرون رفتند. زیرا با اینکه جمعیت استان های آذربایجان سه برابر جمعیت تهران بود، بودجه تخصیص داده شده برای تهران بیست برابر بودجه کل آذربایجان در نظر گرفته شده بود. یکی از نمایندگان تبریز در اعتراض چنین گفت:

"... هر وقت صحبتی می شود می گویند آذربایجانی ها تورکی حرف می زنند، باید آنها را مجبور کنیم فارسی حرف بزنند... بنده می گویم آقا چون از آذربایجان می گیرید، مالیات می گیرید، به آنجا هم بدهید."^۱

آنچه که امروز از تاراج اموال عمومی ملت تورک آذربایجان جنوبی گفته می شود، موضوعی است که تنها سخن یکی دو سال اخیر نیست. آنچه که گفته شد، از حوادث مربوط به بهمن ۱۳۲۳ در مجلس چهاردهم مشروطیت است. حوادث ده، پانزده سال اولیه مشروطیت، روندی را در سیاست و فرهنگ پدید آورد که باعث شد تفکرات نژادپرستانه فارس محور بر نخبگان سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی این کشور حاکم گردد. تئوری پردازان فکری و مجریان سیاسی، فارغ از اینکه به کدامین جریان سیاسی و فکری وابسته باشند، علم دشمنی با ملل غیر فارس را برافراشتند. چپ و راست، رادیکال و محافظه کار همه یکصدا و یکدست به مخالفت و دشمنی با ملل غیر فارس بویژه ملت آذربایجان جنوبی پرداختند. در همین ارتباط می توان به سخنان فوق الذکر اشاره کرد که در جریان مذاکرات بودجه در مجلس چهاردهم مشروطیت مطرح گردیده است. این مجلس که در فضای بعد از شهریور ۲۰ شکل گرفته بود، یکی از مجالسی بود که دقیقا در نکته مقابل شاه قرار داشت^۲ و اکثریت در این مجلس مخالف شاه و سیاستهای وی بودند. مشاهده می

شود که نمی توان گفت عقب ماندگی آذربایجان، در دوران پهلوی کاملاً مربوط به یک جریان خاصی مربوط می شود، بلکه این امر نشان میدهد که در مجلس چهاردهم که تقریباً همه جریانها در آن نماینده داشتند وضعیت آذربایجان، در بودجه سالیانه مطلوب نبوده است.

در همه ادوار گذشته یکصد ساله اخیر، فارغ از اینکه کدام جریان در رأس قدرت حضور داشته باشد، وضعیت آذربایجان، در تمامی حوزه ها، بالاخص از لحاظ اقتصادی مطلوب نبوده است. این در حالی است که وضعیت اجتماعی-اقتصادی آذربایجان، در اوایل قرن در مقایسه با سایر نقاط ایران بهتر بود و هر چه که از آن دوران دورتر و به امروز نزدیکتر می شویم وضعیت وخیم تر و غیر قابل تحمل تر می شود.

آذربایجان در آن دوره ها، یکی از مناطق "پیشرفته بود قبایل خانه به دوش اندک، ولی شمار چشمگیری کارمند، متخصص و کارگر شهری داشت. شمار شهرهایی با بیش از ۱۰۰۰۰ نفر در آذربایجان دوازده، در اصفهان پنج، در فارس چهار، در کرمان سه و در سیستان بلوچستان دو بود، آذربایجان نخستین منطقه ای بود که رشد جمعیتی چشمگیری داشت. تا سال ۱۲۹۶ شمسی، جمعیت اضافی آذربایجان به شهرهای باکو، تفلیس و استراخان کوچ می کردند. ولی پس از این تاریخ به مراکز صنعتی در تهران، رشت، قائم شهر، بهشهر، مشهد، اهواز و آبادان می رفتند. بنا بر این در دهه ۱۳۲۰ کارگران، دستفروشان، صنعتگران و کارگران صنعتی آذربایجان در سراسر ایران پراکنده بودند."^۳

در نتیجه، این وضع اقتصادی نسبتاً مناسب باعث شده بود تا آذربایجان از بعد سیاسی و اجتماعی تاثیر گذار گردد. بگونه ای که مهمترین گروهها و احزاب سیاسی از آذربایجان برخاسته و مهم ترین پایگاهشان در آذربایجان باشد. نمونه بارز این امر اکثر احزاب و گروههای سیاسی در ایران است.

این در حالیست که سایر نقاط، بدلیل فقدان این شرایط در وضعیتی کاملاً متفاوت با آذربایجان بسر می بردند. در آن دوران وضعیت وخیم و بد اقتصادی در آن مناطق، عملاً امکان هرگونه تفکر واندیشه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را نیز در بین مردم آنجا از بین برده بود. حیدر خان عمو اوغلی، مهندس برق تحصیلکرده باکو و اهل آذربایجان بود. وی در خاطرات خود می نویسد که برای عضو گیری حزب سوسیال دموکرات به مشهد رفته ولی از آنجا که مشهدی ها "نارس" بودند ناچار به تهران آمده و "انجمن آذربایجانی ها" را تشکیل داد.^۴

با مقایسه اوضاع اقتصادی آذربایجان در دو دوران مشروطیت و امروز، می توان به این نتیجه رسید که آذربایجان روزگاری در منطقه به عنوان قطب مطرح اقتصادی بود ولی اینک به عنوان منطقه ای عقب مانده مطرح است.

در سال ۱۳۰۴ کمتر از بیست کارخانه صنعتی جدید در ایران وجود داشت. در بین این کارخانه ها فقط پنج کارخانه بزرگ وجود داشت که هر کدام بیش از پنجاه کارگر داشتند: کارخانه مهمات سازی در تهران، تصفیه خانه شکر در حومه تهران، کبریت سازی خوی و دو کارخانه نساجی در تبریز.^۵

این وضعیت را مقایسه کنید با پایان دوران رضا شاه یعنی حدود ۱۶ سال بعد از آن؛ اصفهان که به لحاظ صنعتی به منچستر ایران معروف شده بود ۱۱۰۰۰ کارگر را تنها در ۹ کارخانه نساجی بزرگ جای داده بود.^۶ بر اساس نخستین سرشماری ملی در سال ۱۳۳۵، ۲۳ درصد از مهاجران ساکن تهران از آذربایجان، ۹ درصد از اصفهان، ۶ درصد از خراسان و ۲ درصد از فارس بودند.^۷ جمعیت تهران از ۱۹۶،۲۵۵ نفر در سال ۱۳۰۰ به ۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۳۲۰ رسید.^۸ بخش اعظمی از این افزایش جمعیت بی شک مربوط به مهاجرت قابل توجه آذربایجانیها به تهران است. ریچارد کاتم وقتی که خدمات فرقه دموکرات آذربایجان را در یکساله ۱۳۲۴-۱۳۲۵ بیان می کند می نویسد: مخالفان فرقه هم به ناچار پذیرفتند که در عرض این یکسال خدمات

و کارهایی بیشتر از دوران بیست ساله رضا شاه انجام گرفته است.^۹ در دوران پس از مشروطیت بالاخص در دوران بیست ساله حکومت رضا شاه کمترین خدمات نیز به آذربایجان صورت نگرفت. تا اینکه حکومت ملی آذربایجان در سال ۲۴ توانست همه آن دوران سیاه را جبران نماید. کنسول انگلیس در تبریز در اینبار می نویسد: با یک سفر کوتاه به آذربایجان متوجه شدم که این حکومت محلی هوشیارتر، کارآمدتر و قویتر از حکومت پیشین فارسها ظاهر شده است... در پشت... شعارهای آنان، وجود اشتیاق و میهن پرستی محلی راستین را احساس میکنم که شاید حتی بدون تشویق روسیه، در برابر هیچ تلاشی برای بازگرداندن اوضاع پیشین فروکش نکند.^{۱۰}

این جملات کنسول انگلیس در تبریز نشان می دهد که آذربایجان به غیر از حکومت یکساله فرزندان خویش، در دوران چهل ساله پس از مشروطیت تا آن روزگار همراه تحت ظلم و ستم بوده است. متأسفانه این یکسال سرشار از هوشیاری و کارآمدی و خدمت نیز به دست همانانی که در چهل سال قبل از آن آذربایجان را استعمار کرده و میدان غارت و چپاول خود قرار داده بودند، به پایان رسید. حکومت یکساله فرقه دموکرات آذربایجان بهانه مناسبی شد تا استعمار گران آریایی آذربایجان را بیش از پیش تاراج نمایند.

آذربایجان در مشروطیت و قبل از آن بدلیل گوناگونی از جمله همسایگی با امپراطوری های بزرگ عثمانی و روسیه، دروازه اروپا به شرق، آب و هوای مناسب، نیروی انسانی شهر نشین و... از لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از مناطق پیشرفته به حساب می آمد. آذربایجانیها نسبت به سایر ساکنان ایران پیشرفته و شهرنشین بودند.^{۱۱} در دوران پس از مشروطه ابتدا سیاست بستن مدارس و انتشاراتی ها و روزنامه ها و در کل تحدید زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی آغاز شد.^{۱۲} سپس تحت عنوان اقتصاد ملی، اقتصاد آذربایجان را فلج نموده و از بین بردند. کنسول انگلیس در تبریز در گزارش خود می نویسد: آذربایجانیها معتقدند که... بهتر

می توانند موفقیت و خوشبختی خود را فراهم کنند. اهالی شمال احساس می کنند جنوبیها گول عقاید فریبنده را می خورند و این کار هم آنها و هم شمالیها را به فقر و بدبختی دچار خواهد کرد.^{۱۳} و در نهایت هر چه زمان به جلوتر می رفت، رژیم سیاسی، برای مهار مخالفتهای ملل غیر فارس، هر چه بیشتر به خشونت متوسل می شد و ملل ساکن در ایران بویژه ملت آذربایجان سرکوب می شدند.^{۱۴}

همانگونه که پیش از این نیز ذکر آن رفت، پس از آنکه حکومت ملی سید جعفر پیشه وری در آذربایجان جنوبی توسط سربازان آریایی در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ سقوط کرد، موج خشونت و سرکوب سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به اوج خود رسید و در نتیجه آن یکی از بزرگترین جنایتهای تاریخ بشری در آذربایجان با قتل عام پنجاه هزار نفری ملت بیگناه آذربایجان، توسط ارتش آریایی به وقوع پیوست.

بیش از پنجاه هزار انسان بیدفاع در شهرها و روستاهای آذربایجان قتل عام شدند و میلیونها انسان خانه و دیار خود را تورک نموده و به سرزمینهای دیگر تبعید شدند. تبعات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این جنایت شوم به همین جا ختم نگردید و سالها پس از آن نیز ادامه یافت، بگونه ای که امروزه عدم سرمایه گذاری اقتصادی در آذربایجان، فقر فرهنگی در حوزه های متعدد فرهنگی اعم از کتاب، مطبوعات و رسانه ها، تلویزیون، سینما، تئاتر و...، همچنین سرکوب سیاسی در آذربایجان و سایر، نتیجه این نوع نگرش در طی سالیان پس از این واقعه شوم است. قیام ۲۹ بهمن ۵۶ در تبریز که از اولین قیامهای مرتبط با انقلاب بهمن بر علیه شاه می باشد و قیامهای بعدی در سایر شهرهای آذربایجان، محصول خشم و عصبانیت چندین دهه ملت آذربایجان از حاکمان نژاد پرست پهلوی بود. پس از انقلاب ۵۷ نیز متأسفانه همین نگرش ادامه یافت.

سرکوب سیاسی در آذربایجان از همان سالهای اولیه پس از انقلاب و پس از سلسله حرکتهای ملت در جریان حوادث مربوط به آیت الله شریعتمداری آغاز شد. در طی

این سالیان بسیاری از نشریات آذربایجانی تعطیل گردیدند و هرگز نتوانستند دوباره مجوز نشر بگیرند. حتی پس از دوم خرداد ۷۶ نیز که فضای نسبتاً بازی ایجاد شده بود، نشریات آذربایجانی مشمول این آزادی‌ها نگردیدند و حتی برخی از نشریات آذربایجان همچون شمس تبریز و نوید آذربایجان و اختر در این سالها توقیف شدند.

عدم سرمایه‌گذاری اقتصادی و حتی بدتر از آن، انتقال منابع ملی آذربایجان به مناطق فارس نشین در سالهای پس از انقلاب شدیدتر نیز گردید، بگونه‌ای که نتیجه این تبعیض سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مهاجرت بیش از پیش ملت آذربایجان جنوبی در اثر فقر و تنگدستی به مناطق فارس زبان جهت اشتغال و رهایی از بیکاری فزاینده بود. امروزه مناطق فارس زبان پذیرای نیروی انسانی مهاجر از آذربایجان هستند که به شوق کار در مراکز صنعتی کویر، به آنجا آمده‌اند و در بدترین شرایط ممکن در آنجا روزگار می‌گذرانند.

شهریار و اسلامشهر در حاشیه تهران، تا ریگزارهای کویر شاهد انسانهایی است که به صورت ابتدایی زندگی میکنند. جاده‌های اطراف اسلامشهر که به سمت کویر امتداد می‌یابد خاکی است و بوی شدید فاضلاب به مشام میرسد. خانه‌های گلی کهنه‌ای که برخی نه برق دارند و نه آب لوله‌کشی. و در هفته یک روز تانکر محتوی آب، نیاز ساکنان آذربایجانی به شوق کار به اینجا پناه آورده را تأمین می‌کند.

بر اساس آمارهای اعلام شده، استان آذربایجان شرقی با ۸۸ هزار و ۴۵۸ نفر در صدر مناطق مهاجرفرست قرار دارد. پس از آن استان آذربایجان همدان با ۴۴ هزار و ۳۵۶ نفر و استان آذربایجان اردبیل با ۳۹ هزار و ۵۵۶ نفر پس از دو استان کرمانشاه و لرستان در رده‌های چهارم و پنجم قرار دارند.^{۱۵} نکته قابل توجه اینکه استان آذربایجان غربی در این فهرست با یک هزار و ۳۹۷ نفر کمترین تعداد مهاجر فرستی را در بین استانها به خود اختصاص داده است. در این ارتباط باید توجه داشت که دلیل این امر که استان آذربایجان غربی در پایین‌ترین سطح مهاجر فرستی قرار

گرفته است نه به دلیل وضعیت مناسب اقتصادی در این استان بلکه به لحاظ سیاستهای توسعه طلبانه ارضی کردها در این استان است که هر روز بیش از پیش سعی در افزایش جمعیت کردها در این استان نموده و با این کار می خواهند این بخش از خاک زیبای آذربایجان را به عنوان کردستان معرفی نمایند. در مقابل استان قم با ۶/۹۸ درصد، سمنان با ۳/۸۵ درصد، تهران با ۳/۵۲ درصد، اصفهان ۱/۹۷، خوزستان ۱/۹۱ و یزد با ۱/۸۳ درصد مهاجر پذیرترین استانهای ایران هستند.^{۱۶} توجه و دقت در نام استانهای فوق به خوبی بیانگر دلیل مهاجر پذیری این استانهاست. طبیعی است استانهایی که بیشترین مقدار تمرکز امکانات را در اختیار دارند، بیشترین بیشترین تعداد مهاجر پذیری را نیز دارند و استانهایی که کمترین امکانات نصیب آنها شده، بیشترین تعداد مهاجر فرستی را نیز به خود اختصاص داده اند.

از نکات جالبی که در سالیان گذشته در ارائه این آمارها مشاهده می شود این است که بعضا استانهای آذربایجانی را به عنوان استانهای با تعداد کمتر بیکاری نشان میدهند. بعنوان نمونه در یکی از این آمارها آمده است که استان آذربایجان شرقی با ۵/۶ درصد، کمترین نرخ بیکاری را در بین استانها به خود اختصاص داده است.^{۱۷} طبیعی است که بخش اعظمی از جمعیت فعال این استان به استانهای فارس نشین من جمله استان تهران مهاجرت کرده اند که اگر در خود این استان باقی می ماندند، در آن موقع میزان واقعی بیکاری این استان مشخص می گردید.

در حالی که استان آذربایجان شرقی با ۳/۷، آذربایجان غربی با ۱/۵، اردبیل با ۰/۹، زنجان با ۰/۸، قزوین با ۱/۳، همدان با ۱/۴ درصد جزء استانهایی هستند که کمترین سهم را در تولید ناخالص داخلی بر عهده دارند^{۱۸} چگونه می توان انتظار داشت تا جوانان بیکار این سرزمین در دیار آبا و اجدادی خود بیکار بمانند و به مناطق فارس نشین منجمله به استان تهران که ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی را به خود

اختصاص داده است، کوچ ننمایند؟! در این آمار استانهای خوزستان با ۱۵ درصد، اصفهان با ۶/۵ درصد، خراسان رضوی با ۵ درصد و فارس با ۴/۵ درصد بیشترین سهم را در تولید ناخالص داخلی ایران بر عهده دارند.^{۱۹}

بر اساس همین آمار سهم استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، قزوین و همدان از ارزش افزوده در بخش صنعت و معدن به ترتیب ۳ درصد، ۰/۵ درصد، ۰/۲ درصد، ۰/۴ درصد، ۱ درصد و ۰/۵ درصد است، این در حالیست که استان های خوزستان با ۳۲/۳ درصد، تهران با ۱۱ درصد، اصفهان با ۷/۲ درصد و بوشهر با ۶/۷ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده اند.^{۲۰} دلیل این امر را می توان با مراجعه به صفحات روزنامه ها به خوبی متوجه شد. به عنوان نمونه می توان به یک آگهی که در یکی از روزنامه های استان آذربایجان شرقی به چاپ رسیده است اشاره کرد. در این آگهی شرکت ملی صنایع مس ایران، اعلام نمود که در نظر دارد بارگیری، حمل و تخلیه ۱۲۰ هزار تن کنسانتره از مجتمع مس سونگون به مجتمع مس سرچشمه را از طریق مناقصه واگذار نماید.^{۲۱} در چنین شرایطی طبیعی است که بسیاری از هموطنان آذربایجانی مان به مناطق کویری فارس روی آورده و مهاجرت نمایند و روز به روز از تعداد جمعیت آذربایجان کاسته شود.

شاید بسیار تکان دهنده باشد اگر به پاره ای از آمارها در ارتباط با جمعیت شهرهای مختلف از منابع تاریخی رجوع کنیم و وضعیت دردناک آذربایجان را در شرایط فعلی لمس کنیم. جمعیت شهری ایران در ۱۹۱۰ یعنی یکصد سال پیش حداقل ۲/۵ میلیون نفر بوده است. بزرگترین مراکز شهری، تهران (به نظر شوستر و سوبوتسینسکی ۳۵۰۰۰۰ نفر و به نظر گیلبار ۲۸۰۰۰۰ نفر)، تبریز (به نظر سوبوتسینسکی ۳۰۰۰۰۰ نفر و به نظر گیلبار ۲۰۰۰۰۰ نفر) و اصفهان (به نظر گیلبار ۱۰۰۰۰۰ نفر و به نظر سوبوتسینسکی ۸۰۰۰۰ نفر) بوده اند. علاوه بر اینها مشهد (به نظر سوبوتسینسکی ۷۰۰۰۰ نفر و به نظر گیلبار ۸۰۰۰۰ نفر)،

کرمان (سوبوتسینسکی ۵۰۰۰۰ نفر و گیلبار ۶۰۰۰۰ نفر)، یزد (سوبوتسینسکی ۵۰۰۰۰ نفر و گیلبار ۵۰۰۰۰ نفر) بوده اند.^{۲۲} فارغ از این تفاوت در نظرها آنچه که در این آمارها به وضوح قابل مشاهده و عیان است، اینست که جمعیت شهر تبریز بیشتر از دو برابر جمعیت شهرهایی همچون اصفهان، مشهد، کرمان و یزد ... است. جمعیت تهران نیز در این فاصله کم بعد از مشروطیت، کمتر از یک ششم جمعیت تبریز افزایش یافته است ولی همین مقدار افزایش جمعیت تهران نیز در این دوره نشان می دهد که موج مهاجرت به تهران از آذربایجان سریع بوده است چرا که جمعیت تبریز در مشروطه بیش از جمعیت تهران بوده است.^{۲۳} از نکات قابل توجه اینکه در سالهای ۱۹۱۰ جمعیت شهر همدان (به نظر سوبوتسینسکی ۵۰۰۰۰ نفر و به نظر داناهو ۷۰۰۰۰) و شهر قزوین (سوبوتسینسکی ۴۰۰۰۰ نفر و به نظر دنسترویل ۵۰۰۰۰ نفر) بودند.^{۲۴} این تعداد جمعیت (که در آن سالها بر خلاف امروز که در اثر سیاستهای شونیستی فارسها، بخشی از جمعیت این شهرها آسیمیله شده و فارس گردیده اند، همگی تورک زبان بودند) و با جمعیت شهرهایی همچون شیراز، مشهد، کرمان، یزد و رشت برابری می کرد و یا حتی از آنها زیاد بودند. در این آمار جمعیت شهر خوی (به نظر سوبوتینسکی ۳۰۰۰۰ نفر) بود که با جمعیت شیراز (به نظر سوبوتینسکی ۳۰۰۰۰ نفر) برابری می کند.^{۲۵}

بررسی آمار جمعیت شهرها در سالهای بعد و مقایسه آمار جمعیت این شهرها با وضعیت امروز، بسیار دردناکتر خواهد بود. به عنوان نمونه جمعیت چند شهر آذربایجان را در مقایسه با برخی از شهرهای مناطق فارس در سرشماری های دهه های گذشته، در ذیل می آوریم:

جمعیت شهرستان خوی در سرشماری آبان سال ۱۳۳۵، ۳۴ هزار و ۴۹۱ نفر بود. در این سرشماری جمعیت شهرهای مراغه، ۳۶،۵۵۱ نفر، مرند ۱۳،۸۲۲ نفر و قوشاچای (میان دو آب) ۱۴،۷۹۶ نفر، بودند. در همین سرشماری جمعیت شهرستان کرج

۱۴،۵۲۶ نفر بود. با مراجعه به آمار جمعیت این شهرها در آبان سال ۱۳۸۵ تفاوت فاحشی بین جمعیت شهرهای آذربایجان با کرج مشاهده خواهیم کرد. در سرشماری سال ۸۵ جمعیت خوی ۱۸۱،۴۶۵ نفر، مراغه ۱۴۹،۹۲۹ نفر، مرند ۱۱۴،۸۴۱، قوشاچای (میاندوآب) ۱۱۴،۱۵۳ نفر و کرج ۱،۳۸۶،۰۳۰ نفر می باشد. از نکات جالب اینکه، در سرشماری آبان ۳۵، نسیم شهر کرج به عنوان یک روستای کوچک، تنها ۶۷ نفر جمعیت داشت ولی جمعیت همین روستای کوچک در سال ۸۵ به ۱۳۵،۸۴۶ نفر رسیده است.

در سرشماری آبان ۳۵، تبریز با جمعیت ۲۸۹،۹۹۶ نفری خود دومین شهر پرجمعیت بود و اصفهان با ۲۵۴،۷۰۸ نفر سومین و مشهد با ۲۴۱،۹۸۹ نفر چهارمین شهر پر جمعیت بودند. در آبان ۸۵، مشهد با ۲،۴۲۷،۳۱۶ نفر دومین، اصفهان با ۱،۶۰۲،۱۱۰ سومین و تبریز با ۱،۳۹۸،۰۶۰ نفر چهارمین شهر جمعیت بودند.^{۲۶} طبیعی است که بخش اعظمی از این تغییر در ترکیب جمعیتی، نتیجه مهاجرت انسانهای در جستجوی کار از آذربایجان جنوبی به شهرهای فارس نشین است. این وضعیت، که در مقایسه جمعیت شهرها در مقاطع مختلف زمانی مشاهده می گردد، با توجه به تخریب و غارت اقتصاد آذربایجان بی شک طبیعی است. زمانی که از حساب ذخیره ارزی، ده استان محروم، فقط به اندازه نصف تهران، استفاده می کنند و استان اصفهان به اندازه ده استان محروم از حساب مذکور ارز برداشت می کند^{۲۷}، طبیعی است که روز به روز بر تعداد مهاجران از آذربایجان به مناطق فارس زبان افزوده شود. از ابتدای حساب یاد شده تا زمان انتشار این گزارش در ۸ اردیبهشت سال ۱۳۸۴ در روزنامه جهان صنعت، در مجموع ۵۱۵ طرح به مبلغ ۱۷۶۵ میلیون دلار راه اندازی شده بود. بر اساس این گزارش استان تهران به تنهایی دو برابر ۱۰ استان محروم از حساب ذخیره ارزی استفاده کرده بود. این استان با ۱۸۹ طرح ۹۴۲ میلیون دلار از حساب ذخیره ارزی برداشت کرده بود که تا تاریخ انتشار این گزارش ۱۵۳ طرح به مبلغ ۷۷۸ میلیون دلار گشایش اعتبار شده بود. به واحدهای صنعتی

استان اصفهان که خود یک قطب صنعتی است نیز به تنهایی به اندازه ده برابر ده استان محروم ارز تخصیص یافته بود. این استان ۹۲ طرح پیشنهادی داشته که ۴۶۶ میلیون دلار آن تا آن تاریخ گشایش اعتبار شده بود. استان خراسان با ۴۷ طرح به مبلغ ۳۴۰ میلیون دلار، یزد با ۴۱ طرح به مبلغ ۲۴۴ میلیون دلار، استان کرمان با ۲۴ طرح به مبلغ ۳۰۲ میلیون دلار و استان خوزستان با ۲۲ طرح ۲۵۰ میلیون دلار از حساب ذخیره ارزی برداشت نمودند. بر اساس این گزارش استان محروم اردبیل تنها هفت طرح آن به مبلغ ۶۲ میلیون دلار گشایش اعتبار شده بود. در این گزارش متأسفانه از سایر استان های آذربایجان نام برده نشده بود ولی بنظر می رسد همین مقدار سهم بری استان اصفهان بیانگر بخشی از حقایق باشد و واقع بینان را کفایت نماید.

همانطور که پیش از این نیز بارها گفته شد، این آمار و ارقام تنها مربوط به یک دوره خاص از هشتاد ساله اخیر و مربوط به یک دولت و حکومت نیست. این روند فاجعه بار تقریباً در هشتاد ساله اخیر به طور نسبتاً یکسانی در آذربایجان تکرار گردیده است. به عنوان مثال هماره تولید ملی آذربایجان کمتر از میزان متوسط کشور بوده است. به طوری که در سال ۱۳۴۵ تولید ملی آذربایجان ۶۰ درصد متوسط تولید ملی کشور بود، در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به ترتیب ۶۵ درصد و ۹۵ درصد از متوسط تولید کشور می باشد. اگر جهانی بحث و شود و درآمد ملی آذربایجان به صورت مستقل با کشورهای دیگر مقایسه شود در طبقه بندی میزان درآمد سرانه، آذربایجان در ردیف کشورهای آفریقایی قرار می گیرد.^{۲۸} این در حالیست که استانهای تهران، اصفهان، کرمان، یزد، خراسان، فارس و مازندران اغلب جزء استان های ردیف اول توسعه هستند.^{۲۹}

همانگونه که در کل این کتاب مشاهده خواهد شد این روند استعمار آذربایجان از سویی و تبعیض در تقسیم منابع بودجه از سویی دیگر در تمامی حوزه های اقتصادی اعم از راههای ارتباطی، آب، برق، تلفن، فرهنگ، سواد و... اعمال می گردد.

به عنوان نمونه آمار نشر که در سال ۸۰ در چهار استان آذربایجانی آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان و اردبیل مورد بررسی قرار گرفته است بیانگر وضعیت وخیم عرصه نشر و فرهنگ در آذربایجان است. این استانها به ترتیب با ۴۶، ۸، ۷، ۴ ناشر در سال ۸۰ بادرصد ۳، ۳، ۳/۰ و ۱/۰ درصد در مقابل ۱۸۹۶ ناشر فعال تهران با ۷۵ درصد فعالیت ناشران را داراست.^{۳۰}

از این آمارها فراوان است، کافی است که روزانه به روزنامه های کشوری و استانی نگاهی بیندازیم تا اوضاع فاجعه بار آذربایجان در حوزه های مختلف اقتصادی از زبان رسانه ها و مسئولین شاهد باشیم. اقتصاد آذربایجان بی رحمانه تخریب می شود و آثار سوء سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را با خود می آورد. در ذیل تیتراها و خبرهای مختلفی از روزنامه ها و نشریات منتشره در ایران را مرور می کنیم. قضاوت بر عهده مخاطب و خواننده عزیز میباشد. نیازی به توضیحات اجمالی نیست. بخشهایی از واقعیت از ورای همین خبرها به وضوح دیده می شود:

✓ مدیر کل راه و ترابری استان اصفهان: یک چهارم آزاد راهها و بزرگراههای کشور در اصفهان قرار دارد.^{۳۱}

✓ بیشترین سهم مازاد درآمد فروش نفت به استانهای تهران (با ۱۸۶ طرح به مبلغ ۹۲۸/۸ میلیون دلار)، اصفهان (۹۰ طرح به مبلغ ۵۸۵/۵ میلیون دلار) و خراسان (با ۶۱ طرح به مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار) تعلق گرفته است.^{۳۲}

✓ تهران، اصفهان، یزد و سمنان جشن ریشه کنی بیسوادی را گرفتند. آذربایجان شرقی در بی سوادی و کم سوادی استان اول ایران است.^{۳۳}

- ✓ مدیر کل تربیت بدنی استان آذربایجان شرقی: پروژه سالن شش هزار نفری تختی باید در دو سال به اتمام می رسید ولی ۱۲ سال است که بلاتکلیف مانده است.^{۳۴}
- ✓ معاون مرمت و احیاء سازمان میراث فرهنگی استان: نزدیک به ۵۵۰ اثر تاریخی در محدوده بافت تاریخی تبریز وجود دارد، در حالیکه اعتبار ما در این خصوص در بیشترین حالت خود بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون تومان است. لذا به هر کدام از آنها، تنها یک میلیون اعتبار میرسد در حالیکه احیای هر بنای تاریخی به طور متوسط به صد میلیون تومان هزینه محتاج است.^{۳۵}
- ✓ معمار زاده استاندار: تنها ۲/۸ درصد منابع بانکی کشور متعلق به استان آذربایجان شرقی است.^{۳۶}
- ✓ درب باغمیشه، زورخانه گیو و بازار سماور سازان توسط شهرداری تخریب شدند.^{۳۷}
- ✓ سرپرست سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی: بیش از ۵۰۰ خانه قدیمی وجود دارد که تنها ۱۵ خانه به تملک در آمده است که با بودجه فعلی می توان سالانه ۳ خانه خریداری کرد و در نتیجه صد سال زمان لازم است تا این خانه ها به تملک در آمده و مرمت شوند.^{۳۸}
- ✓ احیای آرامگاه دو کمال نیازمند ۹۰۰ میلیون تومان است. امسال تنها ۳۰ میلیون تومان به این امر اختصاص یافته که اگر نرخ تورم را در سالهای آتی، صفر در نظر بگیریم ۳۰ سال طول می کشد تا آنجا را احیا نماییم.^{۳۹}
- ✓ زنی با سه فرزندش در پارک ائل گولی تبریز زندگی می کند.^{۴۰}
- ✓ سازمان جهانی شهرداریهای جهان در گزارش خود از ۲۰۰ شهر جهان که تا سال ۲۰۲۰ سرعت بیشتری در توسعه و رشد خواهند داشت

- اعلام کرد که در این گزارش کرج در رتبه ۸۳، اصفهان در رتبه ۱۲۸ و تبریز در رتبه ۱۵۵ قرار دارند.^{۴۱}
- ✓ ۱۱ واحد کارخانه های روغن کشی اردبیل و مغان به دلیل عدم توان خرید دانه های روغنی غیر فعالند.^{۴۲}
- ✓ نماینده کلیبر: جان ساکنان ۳۵۰ روستای قره داغ در هنگام بیماری، زایمان و تصادفات رانندگی به دلیل نبود راه در خطر است.^{۴۳}
- ✓ مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز: کلانشهرهای شیراز، اصفهان و مشهد به ترتیب ۷۰۰، ۹۰۰ و ۱۴۰۰ دستگاه اتوبوس دارند ولی تبریز تنها ۵۵۰ دستگاه.^{۴۴}
- ✓ بازگشایی بزرگترین سینمای روباز جهان در سنندج با گنجایش ۱۰۰۰۰ نفر.^{۴۵}
- ✓ در جلسه مشترک فرمانداری تبریز با مدیران ارشد استانداری: پروژه هایی داریم که از احداث تا افتتاح نزدیک ۲۵ سال طول میکشد. - در پروژه بزرگ فرهنگی مقبره الشعراء عملاً پیشرفت محسوسی مشاهده نمی شود.^{۴۶}
- ✓ شهردار تبریز: تبریز با دارا بودن ۲۵۰۰ هکتار بافت فرسوده، یکی از فرسوده ترین شهرهای کشور است.^{۴۷}
- ✓ مدیر کل تربیت بدنی استان: تبریز از نظر اماکن ورزشی جزو کلانشهرهای فقیر کشور است.^{۴۸}
- ✓ قدیمیترین سنگ نوشته ایران در شهرستان ورزقان با قدمت ده هزار ساله، به حال خود رها شده است.^{۴۹}
- ✓ ۵۰ درصد از صادرات صنایع دستی کشور متعلق به اصفهان است.^{۵۰}
- ✓ معمارزاده استاندار آذربایجان شرقی: سهم تبریز از سهم گردشگری به میزان یک ششم اصفهان است.^{۵۱}

- ✓ جنگل های فندقلو در معرض نابودی است.^{۵۲}
- ✓ شاخص مرگ و میر مادران ماکو ۱/۵ برابر میانگین کشور است.^{۵۳}
- ✓ سازمان مدیریت و برنامه ریزی: بیشترین تعداد مهاجرین به تهران طی ده سال گذشته، از استان آذربایجان غربی بوده است.^{۵۴}
- ✓ در دوره هشت ساله سازندگی (دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی بین سالهای ۱۳۷۶-۱۳۶۸) در استان کرمان ۳۲۰ برابر استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان در بخش معدن و فلزات سرمایه گذاری شده است: طرحهای بخش معدن و فلزات در دوران هشت ساله سازندگی در استان کرمان ۱۸۳ میلیارد و ۵۲۰ میلیون ریال و ۲۱۸/۱۵۱ میلیون دلار سرمایه گذاری شده است. در همان زمان در چهار استان آذربایجان شرقی، غربی، زنجان و اردبیل فقط ۵۴۹/۱ میلیون ریال و ۷۱۲ هزار دلار در همین زمینه سرمایه گذاری شده است. یعنی در کرمان ۳۰۶ برابر در دلار و ۳۲۵ برابر در ریال و بطور متوسط ۳۲۰ برابر بیشتر از چهار استان آذربایجان سرمایه گذاری شده است.^{۵۵}
- ✓ رشد اعتبارات عمرانی آذربایجان شرقی در سال ۷۹، ۵۳ درصد بوده است و این در حالی است که همین شاخص برای کل کشور ۸۳ درصد بوده است.^{۵۶}
- ✓ در سال گذشته (۱۳۷۹) نیمی از سرمایه گذاری بخش ساختمان در سه استان تهران، اصفهان و خراسان انجام گرفته است.^{۵۷}
- ✓ سهم استانهای کشور از در آمد ارزی در سال ۱۳۷۸ (۱۰ میلیارد دلار): سهم استان خراسان ۱۰۴ میلیارد ریال، استان تهران ۱۲۰ میلیارد ریال، استان اصفهان ۹۰ میلیارد ریال، استان کرمانشاه ۱۱۰ میلیارد ریال، استان لرستان ۱۰۰ میلیارد ریال، استان فارس ۱۰۰ میلیارد ریال و گیلان ۹۶ میلیارد ریال است. همچنین استان سیستان و بلوچستان اعتبار ۷۸ میلیارد ریال و هرمزگان ۵۸ میلیارد ریال و مازندران ۸۰ میلیارد ریال سهم می برند. بنابراین گزارش بیشترین میزان اعتبار از

- این وجوه با ۱۲۴ میلیارد ریال به استان خوزستان اختصاص می یابد. (در این گزارش، خبری از استان آذربایجان نیست).^{۵۸}
- ✓ استاندار آذربایجان شرقی: تا سال ۱۳۸۰ استان آذربایجان شرقی و شهر تبریز به عنوان استان و شهر نمونه در کشور در خواهد آمد. (؟؟!!)^{۵۹}
- ✓ میرتاج الدینی نماینده تبریز: سهم تبریز در تامین قطعات خودروسازی زیر ۱۰ درصد است. حدود ۵۰ الی ۶۰ درصد ظرفیت کارخانجات قطعه سازی در تبریز تعطیل یا نیمه فعال است.^{۶۰}
- ✓ استاندار آذربایجان شرقی: اغلب بیمارستان های آذربایجان شرقی فرسوده است. ساخت یک بیمارستان در تبریز پس از ۱۲ سال از آغاز ساخت همچنان نیمه تمام است. در آذربایجان شرقی که بیمارستان های آن به بیماران چهار استان دیگر نیز خدمات ارائه می دهند، تنها ۴۸ پزشک متخصص قلب و عروق وجود دارد.^{۶۱}
- ✓ پل رو گذر، آثار پیش از تاریخ اردبیل را تخریب کرد.^{۶۲}
- ✓ پس از تخریب ارگ علیشاه، بر اثر ساخت مصلاهی تبریز و تهدید برجهای دو قلو مراغه توسط یک برج تجاری، برج ۱۲ طبقه دیگری با حمایت شهرداری تبریز روی بزرگترین و وسیعترین بازار تاریخی جهان (بازار تبریز) سایه انداخت.^{۶۳}
- ✓ رئیس خانه صنعت و معدن استان زنجان: سرانه سرمایه گذاری دولتی در بخش صنعت استان زنجان نزدیک به صفر است.
- ✓ هیچگونه صنعت سنگین (صنعت مادر) در استان زنجان وجود ندارد.^{۶۴}
- ✓ مدیرکل آب و فاضلاب روستایی استان همدان: میزان دسترسی به آب آشامیدنی سالم در روستاهای همدان ۴۸/۲ درصد است. استان همدان در زمینه آب آشامیدنی روستاها ۱۶ درصد از میانگین کشوری عقبتر است.^{۶۵}
- اینها تنها بخش ناچیزی از تخریب وحشتناک اقتصاد ملی آذربایجان است. اقتصادی که در طول تاریخ گذشته پایه های آن در خود آذربایجان بود و علاوه بر آنکه

فرهنگ، اجتماع و سیاست آذربایجان را قوی تر از سایر نقاط منطقه کرده بود، دیگر سرزمینهای همسایه را نیز متاثر ساخته بود. فاجعه ملی از بین بردن اقتصاد آذربایجان و فراتر از آن وابستگی شدید آذربایجان به سایر نقاط ایران در اثر سیاست های استعماری و شوونیستی، عمیق تر از آن است که بتوان در یک مقاله و یا کتاب بدان پرداخت. صحبت از شهر یا افراد بخصوص نیست، بلکه آنچه آذربایجان را به این وضعیت اسفناک دچار ساخته است، سیاستهای استعماری و شوونیستی فارس می باشد. متأسفانه همین جریان نژاد پرست در طی سالیان گذشته سعی نموده تا عقب ماندگی آذربایجان را در یکصد ساله اخیر به گردن خود ملت آذربایجان انداخته و وانمود کند که این گونه عقب ماندگی نتیجه بد عمل نمودن مسئولان تورک زبان و یا استانی است که در اثر کم کاری و بی عرضگی نتوانسته اند اقتصاد آذربایجان را وسعت بخشند و در نتیجه مسئول بدبختی و عقب ماندگی ملت آذربایجان عده ای از مسئولین تورک زبان می باشند. در حالی که همین مسئولین تورک زبان و یا استانی خود، در طی یکصد ساله گذشته از بین خود فروختگان راست و چپی انتخاب شده اند که اگر نبود خود فروختگی آنان بی شک، این افراد هرگز نمی توانستند در چنین پستها و مقام هایی حاضر شوند. در طول تاریخ یکصد ساله گذشته چه بسیار مقامات مسئول اعم از رئیس جمهور، رئیس مجلس، نخست وزیر، وزیر، استاندار و بسیاری دیگر از مسئولین مملکتی از بین تورک زبانان انتخاب شده اند. اما همین افراد به اندازه بسیار اندکی نسبت به اصفهان و خراسان و یزد و کرمان و شیراز، برای آذربایجان کار نکرده اند. دلیل این امر نه کم کاری یا بی عرضگی این افراد است که اگر این گونه بود و این افراد بی عرضه و نا لایق بودند، هرگز چنین پستهای بزرگی را نمی توانستند تصاحب کنند، بلکه به خاطر سیاستهای کلان تبعیض آمیز، شوونیستی و استعماری است که از بالا به پائین در کشور در جریان است.

اگر اصفهان و شیراز، مشهد و قم، یزد و کرمان مورد توجه سیاستمداران و برنامه ریزان ایرانی است و تبریز و ارومیه، زنجان و اردبیل، همدان و قزوین مورد بی مهری قرار گرفته است، از دیدگاه برنامه ریزان سیاستهای کلان تبعیض آمیز و شوونیستی و نیز دارندگان این نوع تفکر امری طبیعی است. امروزه اگر بخواهیم به عنوان نمونه از پنج کلان شهر عمده ایران نام ببریم، شاید بتوان پنج شهر تهران، اصفهان، شیراز، یزد و تبریز را اسم برد. با دقت در این نام ها می توان به راحتی متوجه شد که تبریز در این پنج شهر، با هویت زبانی متفاوت، خودنمایی می کند. تبریز با این هویت غیرش، همچون یک برادر ناتنی در این میان است. بر این اساس تبریز و ارومیه، زنجان و اردبیل، همدان و قزوین تا زمانیکه خود نیز شبیه آن دیگران نشوند، نمی توانند مشمول عنایت دوستان فارس قرار گیرند. هر چند که وزیران و مسئولان فراوانی از این شهرها و استانها در رأس حکومت باشند. نکته جالب اینکه همین مسئولان و وزیران نیز تا زمانی که خود، هم رنگ این جریان شوونیستی نشوند، بی شک، نمی توانند در جمع آنها حضور یافته و صاحب موقعیت گردند. به عنوان مثال در دوران هشت ساله معروف به سازندگی به رغم اینکه وزارتخانه های مهم و تأثیر گذار صنایع، کشاورزی، صنایع سنگین، معادن و فلزات و نفت، از بین آذربایجانی ها بودند. اما همین افراد در این مدت، کمترین سرمایه گذاری را در آذربایجان در حوزه مربوطه خود نمودند. همانگونه که پیش از این اشاره گردید در این دوره، در استان کرمان ۳۲۰ برابر استانهای آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و زنجان در بخش معدن و فلزات سرمایه گذاری شده است.^{۶۶} این در حالی است که آذربایجان از نظر معادن و فلزات، استعداد سرمایه گذاری بالایی داشته و جزو غنی ترین مناطق ایران است. معادنی همچون مس سونگون (که ذخیره آن دو برابر مس سرچشمه کرمان است) و یا معادن سرب و روی انگوران زنجان، طلای تکاب، نفلین-سینیت سراب، نفلین-سینیت کلیبر، سیلیس خوی، سنگهای ساختمانی و تزئینی ارومیه، هوراند، خوی، آذر شهر و...، مس مزرعه اهر، مس انجرد اهر (انگت)، مس سیه رود، طلای خاروانا،

بور زنجان، کئولین مرند، دیاترمیت ممقان، مارون (سنگ اولیه سیمان) اورمیه و صوفیان، زغال سنگ مراغه، نفلین-سینیت بوزقوش و... و بسیاری از معادن دیگر که فرصت ذکر نام آنها در اینجا وجود ندارد.

شاید در ادامه همین مبحث بجا باشد که اشاره ای به وضعیت اقتصادی استان آذربایجانی قزوین بنماییم. در طی سالیان گذشته، شوونیسیم فارس تلاشهای فراوانی نموده تا این استان را که در همسایگی مناطق فارس قرار دارد، علاوه بر اینکه به عنوان منطقه ای فارس نشین معرفی نماید، به عنوان یکی از قطبهای صنعتی ایران نیز معرفی نماید. این در حالی است که همانگونه که در متن کتاب هم نشان داده شده است، این استان آذربایجانی نیز، در کنار سایر استانهای آذربایجان، جزئی از اهداف سیاستهای استعماری شوونیزم فارس قرار دارد. باید توجه داشت که محدود سرمایه گذاری هایی که در این استان شده است، در خود شهر قزوین صورت گرفته است که دلیل این امر هم به خاطر موفقیتهایی است که شوونیسیم فارس در این شهر، از بابت فارسیزه نمودن این شهر داشته است. همانگونه که در بالا نیز عنوان شد آذربایجانیان تنها زمانی مورد محبت شوونیزم فارس قرار می گیرند که خود، بخشی از آنان قرار گیرند. اگر کمی دقت داشته باشیم متوجه خواهیم شد که اولاً سایر شهر های این استان که به زبان تورکی در آن صحبت می شود از الطاف شوونیسیم فارس بی بهره مانده اند. و ثانیاً این مقدار سرمایه گذاری در استان قزوین نیز در مقایسه با سایر استانهای آذربایجانی است که به نظر بیشتر می آید. در حالیکه در مقایسه با سایر استانهای فارس نشین تهران، اصفهان، خراسان، یزد، فارس و حتی استانهای به ظاهر محروم، همین استان بظاهر صنعتی آذربایجان همچنان عقب مانده است.

آذربایجان در تمامی شهرها و استانهای خود در این یکصد ساله اخیر و در همه ادوار سیاسی- اقتصادی، فارغ از نوع نگرش سیاستمداران تهران نشین و همچنین فارغ از

زبان مادری آنها (که حتی بسیاری تورک زبان نیز بودند) مورد تبعیض نهان و آشکار، و نیز استعمار و استثمار قرار گرفته است.

صنعت، فرهنگ، توریسم، آموزش عالی، راه و ترابری، کشاورزی، بهداشت و همه حوزه ها ی دیگر مشمول این سیاستهای تبعیض آمیز و استعماری قرار گرفته اند. گشت و گذاری ساده در شهرهای مختلف آذربایجان و مقایسه حتی ظاهری آنها با شهرهای فارس بخوبی وضعیت اسفناک آذربایجان را بیان می کند. کافی است که مسیر اتوبان تهران- قم را طی کنیم، براحتی شهرک های متعدد تخصصی فناوری اطلاعات، چاپ و نشر و... را می توانیم مشاهده کنیم. یا با مقایسه پروژه های عمرانی شهری در استانهای فارس و آذربایجان به سادگی می توان سطح تبعیض ها را مشاهده نمود. تفاوت غیر قابل کتمان در اجرای این پروژه ها، موضوعی نیست که بتوان آن را انکار نمود و این تبعیض ها روز بروز بیشتر می شود. نگاهی اجمالی به پروژه اصفهان سیتی سنتر که در کنار بزرگراه اصفهان - شیراز به عنوان بزرگترین مجتمع گردشگری، تجاری و تفریحی با همکاری ایران، امارات و سوئیس در حال ساخت است و مقایسه آن با بسیاری از طرحهای خدماتی (و نه حتی عمرانی) نیمه تمام در آذربایجان، میزان و اندازه تبعیض و استعمار را بخوبی بیان می کند.

پروژه اصفهان سیتی سنتر که طبق گفته مسئولین در آینده ای نزدیک ساخته و به بهره برداری خواهد رسید، کلیه امکانات یک شهر مدرن را خواهد داشت.

این پروژه شامل هتل بین المللی ۵ ستاره با استانداردهای هتل ۷ ستاره، هایپرمارکت و مجتمع تجاری بی نظیر، مجموعه سینمایی با آخرین تکنولوژی روز سینما (IMAX) و شش سالن سینما بصورت ۳ و ۴ بعدی (تورکیب تاثیرات حاصل از سند لی ها، وزش باد، پاشیدن آب، وسیله های تکان دهنده پاها و عوامل محیطی از جمله: مه ساختگی، باران، رعد و برق، حباب های هوا و بوهای خاص به فیلم های چهار بعدی را امروزه تئاتر چهار بعدی می گویند. تماشاگران در این تئاتر از هر دو

تجربه دیداری و حسی که سفر به اقیانوس های خاص و منحصر به فرد تا فضا را برای آنها به تصویر می کشد، برخوردار می شوند.)، بزرگترین شهر بازی سرپوشیده خاورمیانه به متراژ ۳۴۵۰۰ متر مربع و با بیش از ۷۵۰ فروشگاه مارک دار و معروف ایران و دنیا، باجه های بانک، فودکورت، رستورانهای ملل با غذاهای ملل مختلف دنیا، نمازخانه مجهز به مهرهای امین و دستگاه های صلوات شمار، سالن های نمایش و آمفی تئاتر، گالری های هنری و نمایشگاهی (جهت آشنایی با محصولات و فن آوری های روز دنیا، و همچنین محلی برای عرضه محصولات فرهنگی، اقتصادی و...) و غیره می باشد که بوسیله یک پل شیشه ای که خود برگرفته از طراحی سنتی بازارهای ایران می باشد به برجهای مشهور دیگر مجموعه شامل مرکز مبادلات مالی بین المللی گیت وی (IFC) که هدف آن انجام کلیه مبادلات مالی در کوتاهترین زمان ممکن است، برج اداری و هتل آپارتمان به یکدیگر متصل خواهد شد. مجموعه سیتی سنتر اصفهان که زیربنای آن، در شش میلیون و پانصد هزار فوت مربع ساخته می شود، پس از تکمیل به خاطر جاذبه های توریستی خود، پیش بینی می شود که اصفهان را در زمره پر درآمدترین شهرهای توریستی ایران و جهان قرار دهد.^{۶۷}

اصفهان که به قول سید محمد حسین شهریار که خطاب به فارس ها می گوید در بیابان شما نصف جهان ساخته ایم، روزگاری در قلب کویر، همچون بیابانی بزرگ بود، امروز در سایه پول و سرمایه ملل ساکن در ایران، به ویژه ملت آذربایجان جنوبی می خواهد سری در میان شهرهای معروف جهان در آورد و پرآوازه گردد. و شاید در همین راستاست که اصفهان هم اینک خواهر خوانده ۱۷ شهر جهان است ولی تبریز با ۶ شهر جهان خواهر خواندگی دارد.

البته در این رقابت نیز اصفهان تنها نیست. شیراز هم ۱۸ خواهر خوانده دارد و تهران ۱۲، نیشابور ۴، کاشان ۳ و مشهد ۳ خواهر خوانده. در حالیکه شهرهای آذربایجانی

همدان و زنجان هرکدام یک خواهر خوانده داشته و سایر شهر ها و کلا نشهرهای آذربایجان اعم از اورمیه، اردبیل و قزوین حتی یک مورد نیز خواهر خوانده ندارند.^{۶۸}

نمونه های فراوانی از این آمار و ارقام می توان برشمرد که هر چه بیشتر عمق این فاجعه را بیان کند. افسوس که فرصت بیان آنها در این مقال کوچک وجود ندارد. به عنوان آخرین نمونه در اینجا به وضعیت مناطق آزاد کشور از زبان مدیران عامل آنها، برگرفته از ارگان خبری مناطق آزاد می پردازیم.

ماهنامه آغاز در آخرین شماره سال ۱۳۸۷ خود در مصاحبه هایی که با مدیران عامل مناطق آزاد کشور داشته، عملکرد آنها را در این سال بررسی نموده است. این نشریه از مدیران عامل مناطق آزاد کشور سوال نموده که "عملکرد منطقه آزاد مطبوع خود را در سال ۱۳۸۷ چگونه ارزیابی می کنید و چه دستاوردهایی داشته اید؟" در پاسخ مدیر عامل منطقه آزاد ارس (جلفا) گفته در سال ۱۳۸۷ برای حدود ۹۵ طرح، با مبلغ ۲۷ میلیارد تومان قراردادهایی منعقد کرده ایم و در حال پیگیری و انجام کارها هستیم.^{۶۹}

در حالی که این مقام مسئول "در حال پیگیری و انجام کارهای این ۹۵ طرح با مبلغ ۲۷ میلیارد تومان" است در همین حال مدیر عامل منطقه آزاد قشم در پاسخ به این سوال بیان می کند: ادامه خصوصی سازی و واگذاری فعالیت های اقتصادی در چارچوب اصل ۴۴، شامل واگذاری حق بهره برداری از هتل ها و اماکن سیاحتی، حمایت از شرکت های خدمات مهندسی و مشاوره ای بخش خصوصی و ارجاع کار به آنها، شروع طرح های بزرگ در سطح شهر قشم، تاکید بر اجرای طرح های نیمه تمام و گسترش تاسیسات زیربنایی در مسیر توسعه جزیره از جمله شهرک های صنعتی، احداث و توسعه اسکله لافت و پهل، توسعه اسکله های ذاکری و بهمن، احداث فاز ۲ اتوبان خلیج فارس و توسعه زیرساخت های فرودگاه بین المللی قشم را از مهمترین اقدامات سال ۸۷ در جزیره قشم عنوان کرد.

مدیر عامل قشم پس از برشمردن تعداد زیادی از طرح ها در این منطقه در پایان عنوان کرده که: رشد ۸۵ درصدی فعالیت های عمرانی، نسبت به سال پیش، رشد ۵۳ درصدی در تعداد شرکت های ثبت شده و رشد ۲۵ درصدی مسافران ورودی به جزیره از دیگر افتخارات ما در سال ۱۳۸۷ است.^{۷۰}

اما وضعیت جزیره کیش شاید فراتر از باور باشد. عملکرد منطقه آزاد کیش در سال ۸۷ از زبان مدیر عامل آن شنیدنی است: ما در سال ۱۳۸۷ موفق به تعریف طرح های زیادی شدیم، حدود ۸۶۷ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان طرح های زیرساختی با بازده زمانی سه ساله، برای جزیره تعریف کردیم که قراردادهای آنها یکی پس از دیگری منعقد شده و با سرعت خوبی در حال اجراست.^{۷۱}

آنچه در این مقال کوتاه گفته شد تنها بخشی از تبعیضات اعمال شده در راستای سیاست های استعماری ۸۰ ساله اخیر شوونیزم فارس علیه ملت آذربایجان است.

در ادامه و در متن کتاب با ارائه آمارها و نمودارها در حوزه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به وضوح و آشکار خواهیم دید که آذربایجان، نه تنها در بدترین وضعیت نسبت به مناطق فارس قرار دارد بلکه آنچه که دردناک و دردآور است اینکه بر طبق آمارهای اعلامی نهادها و سازمان های رسمی و قانونی ایران (که به احتمال قوی در همین آمارها نیز به دلایل متعددی می توان تشکیک نمود که به نفع سیاست ها و فرهنگ ملت حاکم فارس دست برده شده است) وضعیت آذربایجان از برخی استان های محروم نیز عقب افتاده و عقب مانده است. یکی از بهانه هایی که همیشه از طرف نخبگان پوزسیون و اپوزسیون فارس جهت تبعیضات اعمال شده بر ملت آذربایجان، همچنین سرکوب و فراموشی حقوق ملت آذربایجان مطرح می شود، (به قول این افراد و اشخاص) وضعیت بهتر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آذربایجان نسبت به مناطقی همچون کردستان، بلوچستان، ایلام و غیره است. در حالی که در این گزارش به خوبی نشان داده شده است که عملاً این ادعا به هیچ

عنوان صحیح نمی باشد. وضعیت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در آذربایجان براساس این آمارها در بدترین شرایط می باشد.

آنچه که در شرایط فعلی در آذربایجان بظاهر، بهتر از مناطقی همچون کردستان و سیستان و بلوچستان و ایلام و... دیده می شود از دو عامل ناشی می شود:

۱- مهاجرت بیش از اندازه ملت آذربایجان به مناطق فارس و غیر آذربایجانی در اثر سیاست های شوونیستی.

آنچه که در این گزارش عنوان شده تنها به جمعیت آذربایجانی های ساکن در آذربایجان اشاره می کند که در اسناد و منابع منتشره از سوی نهاد های قانونی و رسمی ارائه شده است. اگر آذربایجانیان ساکن در تهران، کرج، اصفهان، یزد، شیراز، عسلویه، خراسان و... در ۸۰ سال گذشته در اثر فقر و نداری و بیکاری به این مناطق کوچ نموده اند را به جمعیت آذربایجان فعلی اضافه نماییم، بی شک این آمار و وضعیت فعلی وحشتناک خواهد بود.

۲- عامل دوم در اینکه وضعیت آذربایجان بهتر از دیگر مناطق دیده می شود، به زحمات و دسترنج غیورمردان و شیرزنان آذربایجانی برمی گردد. فرهنگ و تاریخ ملت آذربایجان از این افراد و انسانها، مردان و زنانی بار آورده که این افراد لحظه ای از کار و تلاش برای کسب نان حلال دریغ نمی نمایند. اگر نبود زحمت مستقیم مردم و با کمترین حمایت های مالی از سوی دولت، ملت آذربایجان بی شک امروز وضعیتی بدتر از این داشتند. و این، محصول و ماحصل فرهنگ و تاریخ ۷ هزار ساله ملت آذربایجان است. آنچه که در این ۸۰ سال بر آذربایجان اعمال گردیده، آن را امروز در شرایطی قرار داده است که در طول تاریخ هرگز سابقه نداشته است وگرنه آذربایجان پیش از آن، همیشه موقعیتهای مناسب و منحصر بفردی را در منطقه دارا بوده است. آذربایجان در دوره های مختلف تاریخ اعم از اتابکان، ایلخانان، آل جلایر،

آق قویونلوها، قره قویونلوها، صفویان و قاجاریان، همیشه در رأس و تاثیر گذار بود. صحبت از تاریخ و فرهنگ آذربایجان، همیشه و در هر مقامی، مایه افتخار آذربایجانیان بوده است. و آذربایجانیان، گذشته پر افتخار خود را همیشه بیاد دارند و همین تاریخ پر افتخار است که امروزه این ملت را، سرافراز و افتخار آفرین نموده است. شاعران، نویسندگان، روشنفکران و نخبگان بزرگ آذربایجان در طول تاریخ باعث سربلندی آذربایجان در منطقه و جهان بوده اند. اقتصاد آذربایجان در منطقه و خاورمیانه زبانزد همگان بود. آذربایجان به مرکزیت تبریز به لحاظ دارا بودن شرایط خاص استراتژیکی و جغرافیایی، دروازه اروپا به منطقه بوده و همواره در علم، فرهنگ، هنر، سیاست و اقتصاد در دوران مدرن پیشتاز بوده است. تمامی عناصر و نماد های فرهنگی در دوران مدرن اولین بار در منطقه، در آذربایجان به وجود آمده است. نخستین روزنامه و چاپخانه، نخستین کتابخانه، نخستین مدارس به سبک جدید، نخستین کودکانستان، نخستین مدرسه کرو لال ها، نخستین مدرسه نابینایان، نخستین ترجمه کتب خارجی، نخستین رمان، اولین های ادبیات کودکان، نخستین دایره المعارف، اولین سینما، اولین نمایشنامه و تئاتر، اولین عکاسی، فرش نوین، ورزش نوین، پزشکی مدرن، پرستاری و مامایی، کشاورزی مکانیزه، نخستین خلبان و هوانورد، تجارت نوین، نخستین کارخانه ها، انتشار اسکناس، نخستین شهرداری، اولین پلیس مردمی و... همه در آذربایجان به مرکزیت تبریز بوده است.^{۷۲}

پیش از این نیز در دوره های قبل تاریخی هم آذربایجان مهد علم، فرهنگ و هنر بوده است. آذربایجان در حدود ۷۰۰ سال پیش یگانه شهر دانشگاهی خاورمیانه بوده است. ربع رشیدی، بزرگترین شهرک علمی و دانشگاهی که دارای خانه، دکان، کاروانسرا، بیمارستان کارخانه کاغذ سازی و کتابخانه ای که بیش از ۶۰ هزار جلد کتاب داشت. در این کتابخانه آثار علمی و هنری به زبانهای مختلف وجود داشت. هنرمندان و پیشه وران ملل مختلف در این محل گرد می آمدند. و بیش از شش تا

هفت هزار طلبه و عده زیادی استاد در این محل زندگی می کردند. از نقاط مختلف دنیا برای کسب علم و دانش به ربع رشیدی می آمدند.

وضعیت اقتصادی آذربایجان نیز اگر چه امروزه، در این شرایط وحشتناک قرار دارد و صنعت آذربایجان چشم به مناطق فارس دوخته است، روزگاری همین آذربایجان کانون اقتصاد و صنعت منطقه بود. عباس میرزا نخستین بار، کارخانه اسلحه سازی را در تبریز ایجاد نمود. عباس میرزا نائب السلطنه برای لباس نظام و قشون در خوی، بنای ماهوت سازی را نهاد.

در دوره قاجاریه کارخانه های چینی سازی حاج عباس علی، حاج رضا علی مسیو، کارخانه برق تبریز، کارخانه ریسمان بافی، پشم ریزی، کارخانه های نخ ریزی حاج یوسف قزوینی، حاج محمد علی خویی، جورابچی، همچنین کارخانه های پشمینه فیروز، ظفر، اطلس باف، نجم و کارخانه های متعدد کبریت سازی در تبریز، خوی، مشگین شهر (خیابو) به وجود آمدند.^{۷۳}

در سال ۱۳۰۴ فقط ۵ کارخانه بزرگ صنعتی وجود داشت که سه مورد آن در آذربایجان و دو مورد در تهران آن روزگار بود.^{۷۴}

اما متأسفانه پس از این سالها که سیاستهای شوونیستی آغاز می گردد هرچه به این طرف می آییم، اقتصاد آذربایجان شکل منفی به خود می گیرد. بر اساس نخستین سرشماری در سال ۱۳۳۵، ۱۴ درصد از مهاجران ساکن تهران از روستاهای اطراف، ۲۳ درصد از آذربایجان، ۱۹ درصد از گیلان، ۹ درصد از اصفهان، ۶ درصد از خراسان و ۲ درصد از فارس بودند.^{۷۵} جالب اینکه بر اساس همین آمار، مهاجرت از همان دوران، از آذربایجان به جنوبی ترین نقاط ایران وجود داشته است. این آمار نشان می دهد که در این سال ۲ درصد مهاجران ساکن آبادان از آذربایجان بوده اند.

همگان می دانند آنچه که گفته شد تنها بخشی از تاریخ، فرهنگ، علم و اقتصاد آذربایجان بود. این ها همه در حالی بود که در بخش دیگری از این منطقه یعنی مناطق فارس، فرهنگ و علم و هنر، اقتصاد و سیاست به گونه ای دیگر در جریان بود. بر خلاف آنچه که امروزه آذربایجان به مراتب پایین تر از مناطق فارس قرار دارد، در طول تاریخ این روند شکل معکوس برای خود داشت. مناطق کویری فارس در تهران و اصفهان، شیراز و یزد، مشهد و سمنان، که امروزه نامی در بین نامها یافته اند، پیش از این در تاریخ، جزو گمنامان و یا حتی بدنامان بودند. شاید نگاه برخی از جهانگردان، نویسندگان و مورخان دیگر کشورها، نسبت به این قوم، بیانگر بخشی از این واقعیت باشد. واقعیتی که اگر کمی عمیق تر باشیم و به این حقیقت توجه بیشتر داشته باشیم که ما، به عنوان ملتی که روزگاری مهد علم و تمدن بودیم، امروز توسط این قوم کویری، استعمار می شویم، شاید بسیار تلخ و شکننده باشد.

انگلبرت کمپفر، سیاح و جهانگرد آلمانی، که در سالهای ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵ در اصفهان اقامت گزیده، در وصف مردم این منطقه، سخنهایی را به قلم آورده که، حقیقتاً بیانگر روحیات مردم سرزمینی است که به وصف شهریار، حکایت بیابان و نصف جهان است. بخشی از سفر نامه کمپفر را در اینجا می آوریم: "چیزی که نزد پارسیان بیش از همه موجب ملامت و نفرت است، تمایل به حسادت و عیب جویی کردن است. آنها حسد و خرده گیری را در لفافی از چاپلوسی ها و چرب زبانیهای متصنع و خوش ظاهر می پوشانند و از انظار مستور می دارند. زیرا اینها در هنر انکار و همچنین فریبکاری از تورکان یا هر قوم و ملت دیگری در روی زمین، تردست و کارآمدترند. آنها با کینه شدید به مقابله با کسی می پردازند که همچون خودشان بدنبال جاه و مقام باشد. تنها با دادن هدایای سرشار می توان گریبان خود را از چنگ طمع آنها رها ساخت. حتی وقتی که دشمن خوار و خفیف و منکوب شده است، باز، دست بردار نیستند، بلکه کاری می کنند که به کلی نابود و مضمحل شود. عموماً تمایلی غیر انسانی دارند... و همچنین برخورداری از لذات جنسی و شهوی را پیشنهاد خود

قرار داه اند. میگزساری، شکم پرستی و روابط نامشروع جنسی به شرم آورترین صورتهای خود، کاری است که تا سالهای پیری از آن دست بردار نیستند... این حقایق مرا بر آن داشت که تورکان شکرگزار و حق شناس را بر اینان ترجیح دهم. باید حرف مرا باور داشت که بر بزرگان و اعیانشان هم اعتماد جایز نیست و وفاداری، حق شناسی و دوستی نزد آنان حرف مفت محسوب می شود.^{۷۶}

ژان شاردن جهانگرد مشهور فرانسوی که در سال ۱۰۷۶ به ایران آمده، در توصیف این جماعت اینگونه مینویسد: "استفاده از حال را مد نظر دارند. از هرچه که می توانند تمتع می گیرند و هرگز غم فردا را نخورند... این قوم زندگی و تنعم را مافوق همه چیز می داند و خصال جنگی خود را از دست داده است، غرق لذت و شهوت گشته است، و عقیده ندارد که در نهضتهای عظیم و اقدامات سخت و خطیر سودی نصیب آدمی می شود. خراجترین مردم جهان اند و در فکر فردای خود نیستند، هر قدر پول بدست می آورند قادر به نگهداری آن نیستند و همه را در اندک مدتی خرج می کنند. بطور مداوم و متوالی ذکر فضایل و کمالات الهی را می کنند... مدام از دهانشان جملات حمد و سپاس و ادعیه و اذکار جاری می باشد از قبیل؛ الله اکبر، الحمدلله، یا رحمن یا رحیم، یارب العالمین و... ولی در عین حال از همان دهانهایی که ادعیه و اذکار الهی مدام جاری است، هزاران فحش رکیک و قبیح همچون سیل جریان دارد."^{۷۷}

یا درجایی دیگر درباره زنان اصفهان می نویسد: "زنان اصفهان موهوم پرست ترین زنان دنیا هستند."^{۷۸}

ناصر پورپیرار در جواب کسانی که مدعی اند که در دوران باستان، اینان مردمی صاحب فرهنگ و تمدن بوده و آثار علمی و ادبی متعددی از خود برجای گذاشته اند که در حمله اسکندر در آتش سوخته است، بدرستی از اینان سوال می کند که اگر چنین حقیقتی وجود داشته است، در زبان فارسی به کتاب (که کلمه ای عربی است)

چه گفته می شد؟ بقول ظریفی می گفت کتاب پیش کش! پارسیان که اینگونه صاحب کمالات و علم و ادب و فرهنگ و هنر هستند، به آقا و خانم (هر دو کلمه، تورکی هستند) که از زمان آدم و حوا بوده اند و در بیان مودبانه به مرد و زن گفته می شود، چه می گفتند؟!

شاردن در جلد ۴ خود این وضعیت را در اوایل قرن ۱۱ اینگونه بیان می کند: "...و حتی از جغرافیا نیز به هیچ وجه آگاهی ندارند و هیچ گونه نقشه جغرافیایی در دسترس خویش ندارند، و این موضوع ناشی از آن است که علاقه ای به دیدار ممالک دیگر ندارند و لذا احتیاجی به معرفت فواصل طریق احساس نمی کنند. در میانشان نه کتب سفرنامه در ممالک بیگانه موجود است و نه روزنامه و نه مجله و نه دفاتر نشانی- حتی اغلب ایشان از احوال فرنگیان بسیار غافلند، چنان که آنجا را جزیره کوچکی در دریاها می دانند."^{۷۹}

ژان باپتیست تاورنیه جهانگرد معروف فرانسوی، که بسیاری معتقدند وی روایتی شرافتمندانه و دقیق کرده و سفرنامه وی آزموده ترین راهنمای ممکن برای مسافران به شرق و شرق دوستان است^{۸۰}، در یکی از سفر نامه های خود که مربوط به ایران است و متعلق به سالهای ۱۶۳۲ تا ۱۶۶۸، از عنوان "وحشیها"^{۸۱} برای توصیف این قوم استفاده می کند و در خلق و خوی این ها می نویسد: "پارسیان در الفاظ رکیک و فحشهای فجیع مهارت کاملی دارند و در این خصوص گنجینه بی بهایی هستند. وقتی که دو نفر باهم نزاع می کنند، عوض اینکه با ضرب مشت باهم بجنگند، با ضرب زبان جنگیده به یکدیگر دشنام می دهند و نفرین رد و بدل می نمایند... طبعاً متملق و صاحب کتمان هستند و تمام وسایل را برای جلب احترام بکار می برند؛ زیرا حرص احترام فراوانی دارند... حقه بازی هم در بینشان معمول است و حقه بازهای آنان خیلی چابک تر و تردست از حقه بازهای فرنگ هستند... در هر خانه حوض آب دارند که اغلب فاسد و متعفن و پر از کرم و کثافت می شود؛ زیرا آنجا آب فراوان

نیست. سر را در حوض فرو کرده، دهانشان را با آن می شویند و به صورت خود با آن آب زده دست می مالند...^{۸۲} "زنان همیشه در خانه نشسته اند، بدون اینکه به هیچ کار حتی امور خانه داری مداخله کنند، و همین قدر که کسی از خارج وارد خانه شود، دیگر، زنها با شوهرشان در یک سفره غذا نمی خورند و همه کارها بر عهده شوهر است و ترتیب امور را او باید بدهد. زنها خانم خانه نیستند، بلکه بنده اند و بیشتر وقت خود را به استعمال تنباکو می گذرانند و تمام دلخوشی شان این است که در روز حمام لباسهای قشنگ خود را نشان بدهند و عصرانه و مأكولات مفصل به حمام ببرند. آنهایی که قوه نگهداشتن کنیز دارند، وقت خواب باید کنیز پاها و بازوهایشان را مشت و مال کند تا خوابشان ببرد. بنابراین همه زندگی آنها منحصر به شهوت رانی است و در زندان خانه جز این مشغولیت و مایه تفریحی ندارند"^{۸۳}

اوژن فلاندن هم در خاطرات سال ۱۸۴۰ و ۱۸۴۱ خود درباره شان می نویسد: "بسیار مکار، رباخوار، بی رحم، متقلب اند و بویژه دروغ زیاد می گویند... عموماً عیاش، قمارباز، فاسق، رباخوار و مشروب خوارند... اغلب از هم وام گرفته که بعد پرداخت کنند و سرموعد که شده خود را مفلس نشان داده، قروض خود را پایمال کرده اند... رشوه هایی به هر نحو حتی با بی شرمی می گیرند، ابتدا که احتیاج به چیزی داشتیم با تحقیر به ما می دادند بعداً که در مقابل خرید پولش را می دیدند به حیرت افتاده در باره ما احساساتی کاملاً مخالف با آنچه در اول می داشتند نمودار می ساختند."^{۸۴}

بسیار می توان از اینگونه روایتها از فرهنگ، تمدن، علم، هنر و تاریخ ملتی که امروز آذربایجان را مورد تبعیض و استعمار خود قرار می دهد، در کتابها و سفرنامه های گذشتگان یافت و بروشنی دریافت که امروز تهران و اصفهان و شیراز و یزد و مشهد و سمنان و کرمانی که می بینیم، نه آنانی بودند که هستند و نه آنانی هستند که بودند. آنچه که امروز می بینیم نتیجه و محصول چپاول و استعمار یک قرن، از

مشروطیت تا به امروز ملل ساکن در ایران و بویژه ملت آذربایجان جنوبی است. کافی است وضعیتی را که جیمز بیلی فریزر در سفرنامه خود از تهران در زمان حکومت فتحعلیشاه قاجار توصیف می کند با وضعیت امروز این شهر مقایسه کنیم. چه بسیار واقعیت‌هایی که از میان این سطور آشکار می گردد: "شاید هیچ یک از شهرهای ایران مانند تهران، هنگامی که از طرف قزوین به آن نزدیک شوند، بد منظره نباشد. هیچ گنبدی و مناری نیست که آن را مشخص سازد و بر خلاف بسیاری دیگر از شهرها با باغ و بیشه محصور نیست. آنچه به چشم مسافر می خورد، خطی از دیوارها و باروهای گلی است، محصور در خرابه های بسیار، در وسط دشت پر سنگریزه ای فراخ که محدود است به کوههای بلند دندانه دار..."^{۸۵} و در جایی دیگر می نویسد: "تهران دارای هیچ جنبه جاذب و مشخصی نیست"^{۸۶} و یا لرد جرج. ن. کرزن که در بین سالهای ۱۸۷۷ تا ۱۸۹۴ تهران را دیده است از "کوچه های تنگ و کثیف با جدول های سرباز در وسط کوچه ها" ی "شهری آلوده و مایه دلگیری"^{۸۷} یاد می کند. آکیو کازاما، نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران که در ۱۹ آذر سال ۱۳۰۸ به تهران آمده، هم در حق تهران می نویسد: "تهران با نما و بناهای محقر خود به ریگزاری می ماند که کلبه هایی در آن ردیف شده باشند"^{۸۸}

اوژن فلاندن نیز درباره تهران عهد قاجار می گوید: "در اولین وهله، منظره تهران، جز دیواری طولانی از آجرهای زرد رنگ که از رویش چند گنبد مسجد و کلاه فرنگی های قصر شاه مشاهده میشود، چیز دیگری ندارد. شش هفت مسجد، سه چهار مدرسه، یک صد حمام و قریب یک صد کاروانسرا دارد که هیچیک قابل توجه نیستند. بازارها بد هیئت و کثیف و ساختمانهایشان بسیار بد است."^{۸۹}

دکتر فوریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه نیز، تهران را چنین تصویر کرده است: "کوچه ها و محلات، تنگ و پرپیچ و خم است و جمعیتی که چندان تمیز هم نیستند در هر قدم، در رفت و آمدند. کثافت آنها بی نهایت است. مخصوصا پایین بازار و در

کوچه هایی که راه میدان قاپوق و میدان مال فروشها و محله یهودی هاست، ممکن نیست که انسان از آنها بگذرد و دایم با بوی عفونت لاشه مردار همراه نباشد...^{۹۰}

و در نهایت اینکه هوگو گروته می گوید: "در ۱۹۰۷ شهر تهران، مشخصه اش نداشتن ساختمانهای مرتفع و گنبد و مناره های بلند است."^{۹۱}

و اینک پس از صد سال، برج ۴۳۵ متری میلاد، در این شهر بی گنبد و مناره و ساختمانهای مرتفع با هزینه ۲۶۶ میلیارد تومانی از دورترین نقاط خود نمایی می کند. و اینگونه یک شهر بی هویت صاحب هویت می شود. و از سوی دیگر، آذربایجان و تبریز، در همین یکصد سال گذشته، بسیاری از آثار تاریخی و هویتی خود را از دست می دهد. عمارتهایی همچون ناصریه و شمس العماره، اعتضادیه، عالی قاپو، کلاه فرنگی، ارک و تالار ارک و بسیاری دیگر از آثار تاریخی و هویتی تبریز در طی همین صد سال اخیر ویران شده و جای خود را به استانداری، بانک ملی، استادیوم ورزشی، مصلا و... داده است.

از این سو، شاید جالب باشد توصیف تعدادی از همین سیاحان از تبریز، در همان ایام نشان میدهد که چه تفاوتهایی بین این دو مرکز وجود داشته است. در اینجا به بخشی از این توصیفات نظری بیاندازیم:

تاورنیه درباره تبریز می نویسد: "تبریز عدد کثیری تجار و مقدار وافری مال التجاره در آنجا هست خصوصا ابریشم که از گیلان و نقاط دیگر به آنجا حمل میشود تجارت عمده اسب های خوب و ارزان در آنجا رواج دارد و شراب و عرق و کلیه ارزاق، گران نیست و پول در آنجا بیش از سایر نقاط آسیا در گردش و جریان است... شهر تبریز بواسطه تجارت بزرگ یکی از معروفترین شهرهای آسیا با عثمانی و اعراب و گرجها و منگولی ها و ایران و هندوستان و دولت مسکوی و تاتارها دایما تجارت دارد و بازارهای آن که تمام سرپوشیده است همیشه پر است. از امتعه نفیسه و برای ارباب

صنایع بازارهای علیحده مخصوص دارد، صنعت گران آن اغلب آهنگر هستند که بعضی اره و بعضی طبر و سوهان و بعضی چقماق می سازند برای آتش زدن و بجهت گرفتن تنباکو و توتون بعضی ها هم قفل ساز هستند یعنی فقط از آهن آلات که بکار در و پنجره میاید قفل میسازند زیرا که مشرق زمینی ها برای شب بند (کلون) در چوب استعمال می کنند. بعضی دوره گردها هم هستند که در همه جا چرخ ریسمان ریزی و گهواره و امثال آن می سازند و جمعی زرگر هم دارد که غیر از انگشتریهای بد تورکیب نقره چیزی نمی توانند بسازند اما عده کثیری عمده جات ابریشم باف دارد که خیلی ماهر هستند و پارچه های قشنگ خوب میبافند...^{۹۲}

جهانگرد فرانسوی ژان شاردن هم در باره تبریز می نویسد:

"... تبریز شهر مستعد و بزرگی است. از نظر وسعت و استعداد دومین شهر ایران محسوب می شود. این شهر دارای ۱۵۰۰۰ خانه، ۱۵۰۰۰ دکان و مغازه، ۲۵۰ مسجد، ۳۰۰ کاروانسرا، ۵۵۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. در تبریز عمارات و قصور عالی ندیدیم، لکن بهترین و با شکوه ترین بازارهای آسیا را در این شهر یافتیم. دکان ها و حجره ها از هم مجزا بوده و در کوچه های دالان مانند پهن و بلند و سرپوشیده به بلندی ۵ پا واقع شده اند که مجموعه آنها بازار را تشکیل می دهند و فوق العاده زیبا، خوش منظر و تماشایی است. این بازار قلب شهر را تشکیل می دهد، منازل و خانه ها در خارج بازار ساخته شده اند. انبوه جمعیت و اجناس بازرگانی که در بازار انباشته شده اند بسیار جالب و دیدنی بوده، به طور حیرت آوری ابهت و جلال بازار را نمودار می سازند"^{۹۳} شاردن در جای دیگر می نویسد: "تبریز قریب پانزده هزار دکان دارد. در ایران دکانها جدا از خانه ها، در کوچه های دراز و عریضی که مسقف است ساخته شده اند، این کوچه ها که غالبا در مرکز شهر بنا شده اند بازار نامیده می شوند. خانه ها بیرون بازار ساخته شده اند، و تقریبا همه دارای باغچه می باشند. تبریز خانه های باشکوه و مجلل زیاد ندارد، اما آبادترین و بهترین بازارهای آسیا در

این شهر می باشد. طول و وسعت بازارهای تبریز، زیبایی و ظرافت و عظمت گنبدهایی که روی بازارها را پوشانده، جمعیت کثیری که در این بازارها رفت و آمد می کنند، دکانهایی که انباشته از کالاهای متنوع است بیانگر آبادانی و شکوه شهر می باشند. قشنگ ترین و خوش نما ترین بازارهای تبریز بازاربست که جایگاه خرید و فروخت مصنوعات گرانبها و انواع جواهر می باشد. این بازار قیصریه نام دارد که به معنی بازار شاهی است. این بازار که هشت گوشه و بسیار وسیع است حدود سال هشتصد و پنجاه هجری به فرمان ازون حسن که پایتختش تبریز بوده، ساخته شده است. عمارات عمومی دیگر تبریز از نظر شکوه و عظمت و کثرت جمعیت و زیادی رفت و آمد کمتر از بازار نیست، در این شهر سیصد کاروانسرا وجود دارد که بعضی از آنها چندان وسیع هستند که سیصد نفر می توانند در آن سکونت اختیار کنند. قهوه خانه هایی که در آن چای می نوشند و قلیان می کشند، اماکنی که مخصوص نوشیدن نوعی مشروب است که از شیر خشخاش می گیرند، گرمابه ها و مسجدهای عظیمی که متناسب با دیگر بناهای با شکوه ساخته شده اند در این شهر فراوان است. تبریز دویست و پنجاه مسجد بزرگ دارد... تبریز سه بیمارستان دارد که به خوبی از آنها نگهداری می شود و همه پاکیزه و تمیزند. در آنها کسی را نمی خوابانند اما به هر کس که آنجا بیاید دو نوبت غذا می دهند. به این بیمارستانها آش داکن، می گویند، یعنی جایی که اطعام می کنند... شهر غرق وفور نعمت است، و مردم به هرچه نیازمندند دسترسی دارند، و همه چیز ارزان است...^{۹۴}

و اینک، شاهد دو وضعیت متفاوت، از دو نقطه متفاوت هستیم. هیچیک از ما وقتی به تاریخ نگاه می کنیم باور هم نمی کنیم که روزگاری اسباب غبطه و حسرت دیگران در منطقه و حتی آسیا بودیم و امروز بسیاری از هموطنان آذربایجانی ما از اقرار به وجود، هستی و هویت خود، شرم می کنند. با کودکان خود به زبان دیگر حرف می زنند و به آسانی هویت خود را انکار می کنند.

و بدینگونه ما از بین می رویم تا هویت جدیدی پیدا کنیم. هویتی که اگر قدری در آن تأمل کنیم، چندان علاقه ای بدان نخواهیم یافت. انگلس دوست و همراه مارکس، در دوره هایی از زندگی خود، جهت آشنایی با جهان شرق و منابع شرقی، به سراغ زبان عربی رفت. او شروع به یادگیری عربی کرد اما در مواجهه با "چهار هزار ریشه لغات آن" وحشت زده شد. به زبان فارسی رجوع کرد و در مقایسه، زبان فارسی را بازی کودکانه توصیف کرد. در حدود چندین هفته مشغول خواندن ادبیات کلاسیک فارسی شد. انگلس می نویسد که صرف نظر از دشواری الفبای زبان عربی، شخص می تواند دستور زبان فارسی را در عرض چهل و هشت ساعت فرا گیرد. انگلس در یکی از نامه هایش نوشت که او از شعر فارسی بخصوص تصویرهای عاشقانه آن لذت میبرد، اما نثر فارسی را متنی مرده و بی محتوا می یابد.^{۹۵} این چنین زبانی، امروزه متأسفانه، ابزار استعمار ما گردیده است.

آری! ما امروز از بین می رویم. آرام و بی صدا! اینگونه و توسط اینان! ما؛ یعنی هویت ما، تاریخ ما، فرهنگ ما، اقتصاد ما و زبان ما.

مسئله روش

روش علمی در تحقیق، مراحل جمع‌آوری سیستماتیک اطلاعات و نحوه تجزیه و تحلیل منطقی آنها برای یک هدف معین است. آمار عبارت از مجموعه‌ای از فنون یا روشهای ریاضی است برای جمع‌آوری، تنظیم، تحلیل، تعبیر و تفسیر داده‌های عددی. چون در پژوهش (حاضر) با چنین داده‌های کمی سرو کار داریم بنابراین آمار ابزار اساسی اندازه‌گیری، ارزشیابی و تحقیق است.^۱

در این نوشته توجه ما در استفاده از آمار تنها به محاسبه داده‌ها محدود نشده است. یکی از اساسی‌ترین هدفهای روش‌های آماری، توصیف و تحلیل و بدست آوردن نتایج معتبر از تحقیق است. در تحقیق حاضر به نکات زیر توجه شده است.

۱- هر نوع اطلاعات آماری نمی‌تواند در کارهای تحقیقی مورد استفاده قرار گیرد.

^۱ - جان بست، روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی، ونگس طالقانی، تهران وزارت

۲- در این تحقیق صرفاً از اطلاعات آماری منابع دولتی که به صورت عمومی انتشار یافته اند استفاده شده است.

۳- بسیاری از منابعی که در دسترس گروه تحقیق بوده است به دلیل عدم انتشار عمومی توسط نهادهای دولتی مورد استفاده قرار نگرفته است.

۴- اطلاعات آماری همیشه دقیق نیست، چنانکه جمعیت کشورها دائماً در حال تغییر است. در این تحقیق سعی شده است به صورت نسبی با استفاده از منابع جدید بر این نقیصه توجه شود.

عدم استفاده از سرشماری جمعیت در سال ۱۳۸۵ به دلیل عدم ارائه نتایج تفصیلی این سرشماری تا شروع مرحله آغازین این تحقیق بوده است. در این تحقیق جمعیت بر مبنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ محاسبه گردیده است.

۵- در بسیاری از منابع موجود رسمی، اطلاعات آماری در مورد استانهای آذربایجان جنوبی متناقض و متضاد با آمارهای نهادهای دیگر و در اصل غیر واقعی بوده است. در این تحقیق در حد امکان به آمارهای متضاد استناد نشده است. برای مثال نیروی کار صنعتی در استان آذربایجان شرقی در اکثر آمارهای دولتی ۲۶/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ بوده است. این رقم در منابع آماری منتشره در دولت احمدی نژاد تقریباً دو برابر یعنی ۴۷، ۴۸ و ۴۹/۵ درصد ذکر گردیده است. رشد ۱۰۰ درصدی در حوزه صنعت و نیروی کار صنعتی در استان آذربایجان شرقی با توجه به عدم سرمایه گذاری در این بخش در سالهای اخیر غیر واقعی و تبلیغاتی برآورد شده و طبعا مورد استناد گروه تحقیق قرار نگرفته است.

۶- گاهی اوقات اطلاعات آماری را عیناً مورد استفاده قرار می دهیم. بدیهی است که این امر همیشه امکان پذیر نیست.^۲ آمارهای مأخوذه از منابع رسمی در این تحقیق

۲- ابولقاسم طاهری، روش تحقیق در علوم سیاسی، تهران، قومس ۱۳۸۴ ص ۱۶۹

بدون دخل و تصرف در اصل آن در گروه استانهای تهران، آذربایجان جنوبی، فارس نشین و به ظاهر محروم^۳ جمع بندی، محاسبه و مقایسه شده است. این گروه استانها به لحاظ جمعیت تقریباً برابرند.

۷- برای اخذ نتیجه بهتر از تحقیق شایسته بود به موازات اطلاعات کمی (آماري) از اطلاعات کیفی مربوط نیز استفاده شود. تلفیق این دو روش نتایج بهتری را عاید تحقیق ساخت.

۸- در سراسر این تحقیق همزمان با ارائه آمارها به تجزیه و تحلیل این آمارها با استفاده از دو روش تجزیه و تحلیل مقایسه ای و تجزیه و تحلیل علیت پرداخته شده است. در تجزیه و تحلیل علیت روابط علت و معلول بین متغیرهای مستقل و وابسته مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. اساس فکر در زمینه مقایسه نیز این است که در سایه آن، موارد مختلف در کنار هم قرار گرفته و حقایق در سایه این عمل بدست آیند.^۴

در این تحقیق سعی شده است بر مبنای اطلاعات آماری به تجزیه و تحلیل این اطلاعات در راستای اثبات و یا رد فرضیه موجود پرداخته شود.

سوال اصلی این پژوهش این چنین طرح شده است:

آیا بین شش استان آذربایجان جنوبی^۵ (همدان، زنجان، قزوین، اردبیل، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی) و مناطق مختلف در جغرافیایی موسوم به ایران که در این

۳- استانهایی که در ادبیات اقتصادی ایران محروم نامیده میشوند به دلیل دارا بودن وضعیت بهتر در شاخص های مطروحه نسبت به استانهای آذربایجان جنوبی، در این تحقیق به ظاهر محروم نامیده شده اند.

۴- علی دلاور، روش های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، پیام نور، ۱۳۷۱ ص ۳۷۵

۵- ذکر این نکته در اینجا ضروری است که امکان برآورد و مقایسه شاخص های مطروحه در این تحقیق در بسیاری از شهر های آذربایجان جنوبی من جمله قروه، بیجار، آستارا، ساوه و... که خارج از این شش استانند خارج از توان گروه تحقیق بوده است. مرکز مطالعات سیاسی آذربایجان جنوبی مشغول جمع آوری منابع موجود در این زمینه است و تحقیق مجزایی را در این مورد در دست تهیه دارد.

تحقیق در گروه استانهای سه گانه طبقه بندی شده است، تفاوتی از لحاظ شاخص های متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وجود دارد؟

فرضیه: بلی. تفاوت بین مناطق سه گانه متد تحقیق و آذربایجان جنوبی در شاخص های مطروحه آشکار و معنی دار است. در بسیاری از موارد شاخص های استانهای آذربایجان جنوبی از استانهای به ظاهر محروم نیز پائین تر است.

مقدمه

اندیشه دولت مرکزی قدرتمند با شکل گیری دولت شبه مدرن در ایران بعد از مشروطه و به قدرت رسیدن رضاخان به مرحله اجرا در آمد. اگر چه بن مایه های معرفت شناختی اندیشه ایرانگرایی قبل از ظهور وی توسط روشنفکران عمدتاً آذربایجانی پی ریزی شده بود، اما شکل گیری دولت مطلقه رضا خانی در جغرافیای موسوم به ایران بر مبنای زبان فارسی خبر از تحولات جدی و جدیدی بر علیه ملت تورک آذربایجان جنوبی به صورت عملی را می داد.

تلاشهای عملی در بعد اقتصادی در جهت استعمار اقتصادی مناطق غیر فارس علی الخصوص استانهای آذربایجان جنوبی در جهت ایجاد رابطه شدید مرکز-پیرامون

بصورت مدون از سال ۱۳۲۸ و تدوین برنامه های عمرانی ملی آغاز شد. اولین دوره این برنامه به صورت هفت ساله و از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۴ اجرا گردید.

نکته جالب در برنامه های طراحی شده از این دوره تا امروز تأکید ظاهری برنامه ریزان بر رسیدگی به مناطق محروم و کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته در همه این برنامه های توسعه است. به عنوان مثال هدف عمده و محوری برنامه های اول تا پنجم ۵۶-۱۳۲۸ تجهیز نیروها وامکانات در جهت نوسازی زیربنای اقتصادی در مناطق مختلف کشور موسوم به ایران و توسعه همه مناطق در قالب تئوری قطب رشد عنوان گردیده بود.

در چارچوب برنامه های توسعه در این دوره چهار نوع قطب توسعه در برنامه چهارم در نظر گرفته شد.

الف) قطبهای کشاورزی

ب) قطبهای صنعتی

ج) قطبهای توریستی

د) قطبهای ارتباطی

استانهای آذربایجان جنوبی در این استراتژی در حالی که به لحاظ نیروی کار انسانی، موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی غنی و... میتوانست در هر چهار قطب قرار گیرد فقط در قالب قطب کشاورزی در نظر گرفته شدند. استانهای فارس نشین اما کما بیش در هر چهار قطب سهم سرمایه گذاری بسزایی را به خود اختصاص دادند.

در مجموع دولت ملت راسیست فارس از ابتدای برنامه های اول تا پنجم بر سه محور تأکید نمود.

الف) تمرکز سرمایه گذاری در مناطقی که از جهت طبیعی و انسانی قابلیت توسعه بالقوه داشتند به منظور تحصیل حداکثر بازدهی اقتصادی

ب) توجه به مناطق نسبتاً محروم و عقب مانده و یا مناطق حساس از جهت سیاسی

ج) سعی در جلب مشارکت مردم در فعالیت ها و امور عمرانی از طریق اجرای اصل عدم تمرکز اداری^۶

در لایحه بودجه سال ۵۵ و ۵۶ کل کشور، تبصره ۱۳ بند الف، به صورت ویژه و نمادین بر اصل عدم تمرکز و پتانسیل های ناحیه ای استانها در تعیین سطح اعتبارات و عدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید می شود.

نکته جالب توجه در برنامه ریزی های اقتصادی دوره پهلوی دوم تأکید برنامه ریزان در جای جای این برنامه ها به اصل عدم تمرکز استفاده از قابلیت های توسعه در مناطق مختلف، توجه به مناطق محروم و عقب مانده، عدالت اقتصادی و... است.

با وقوع انقلاب اسلامی دولت^۷ مدعی بود با تأکید بر قانون اساسی کشور به تعیین خطوط اساسی الگویی برنامه های عمرانی ملی خواهد پرداخت.

قانون اساسی با تأکید بر استقلال اقتصادی و نیز توجه به تأمین نیازهای فردی و اجتماعی انسانها در جهت رشد و تکامل آنها و نیز محوریت قسط و عدالت اقتصادی بر مناسبات تولید و توزیع کالاها و خدمات و نیز نفی تمرکز و تکثر و درآمد، مبنای

۶- توسعه ایرانی، سازمان برنامه و بودجه، بی سال ص ۱۱۲

^۷ - خواننده محترم باید توجه داشته باشد که منظور از دولت در این کتاب همان دولت - ملت سیستم فارس می باشد که تحت هر عنوانی از اقتدار - چه پادشاهی چه اسلامی چه جمهوری و ... - کاملاً در جهت تأمین منافع ملت فارس و استعمار ملت های تحت سلطه خودش عمل می کند . اطلاق لفظ ایران به این جغرافیا تحت کنترل ، تنها پوششی است در جهت مخفی سازی سلطه استعماری ملت آذربایجان جنوبی.

تدوین برنامه های دولت گردید.^۸ این اصول و برخی اصول دیگر قانون اساسی مبنای تدوین برنامه های دولت قرار گرفت و در راستای عملیاتی کردن اهداف آن در سال ۱۳۶۱ "شناسایی مناطق محروم" به عنوان یک طرح مطالعاتی ملی در وزارت برنامه و بودجه آغاز شد.^۹

بین سالهای ۶۲-۶۶ از طریق دفاتر برنامه ریزی منطقه ای و کمیته های برنامه ریزی استان سازمان برنامه و بودجه طرح پایه آمایش سرزمینی و طرح مطالعات جامع توسعه استانی به تدریج آماده شد تا مقدمات برنامه های بعدی قرار گیرد.

شناسایی تنگناها و نقاط قوت توسعه در هر استانی به منظور سرمایه گذاری برنامه ریزی شده در نقاط مختلف هدف این برنامه بود.

در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی بین سالهای ۶۸-۱۳۷۴ یکی از اهداف کلان ده گانه برنامه سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت متناسب با مزیت های نسبی هر منطقه (مگر در مواردی که ملاحظات سیاسی و پدافند ملی ایجاب نماید) اعلام شد.

همچنین براساس تبصره ۵ قانون برنامه اول توسعه پیش بینی های زیر به عمل آمد: توزیع سالانه اعتبارات سرمایه گذاری های ثابت بین استانهای مختلف در طول برنامه باید به گونه ای صورت پذیرد که در انتهای برنامه برخورداری بخش های محروم از امکانات آموزشی-بهداشتی و راه مناسب روستایی، اشتغال و برق رسانی بر مبنای

^۸ - حسین عظیمی، پیشنهاد خطوط اساسی الگویی برنامه ریزی در ایران براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سازمان برنامه و بودجه ص ۱

^۹ - گزارش اجمالی شناسایی مناطق محروم کشور مرحله ششم، سازمان برنامه و بودجه تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۷

گزارش اجمالی شناسایی بخش های محروم سازمان برنامه و بودجه حداقل مطابق برخورداری بخش های غیر محروم در سال ۶۸ باشد.^{۱۰}

دومین برنامه عمرانی توسعه کشور برای سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ طرح ریزی شده یکی از اهداف اساسی این برنامه جلوگیری از تمرکز از طریق تفکیک دقیق دولت و ایجاد سه رده مدیریت مرکزی، مدیریت استانی و شهرستانی و مدیریت محلی به منظور انتقال وظایف که موضوعیت مردمی داشت به سازمانهای محلی بود.

برنامه سوم توسعه اقتصادی دولت نیز برای سالهای ۸۳-۱۳۷۹ طراحی گردید. در این برنامه اهداف محوری دولت همچنان عدم تمرکز اداری و اقتصادی و نیز تحقق عدالت اجتماعی، اشتغال، کاهش بیکاری در مناطق مختلف کشور و سرمایه گذاری در مناطق محروم به منظور اجرای عدالت اعلام شد.

در برنامه چهارم توسعه نیز وضع به همین منوال بود و همچنین بر عدم تمرکز اقتصادی، رفع تبعیض اقتصادی از مناطق محروم و اجرای عدالت اقتصادی تأکید شده است.

چنانچه در قسمت های مختلف این قسمت آمده در جای جای برنامه تدوین شده در دوره پهلوی اول و دوم و جمهوری اسلامی (دولت میر حسین موسوی، هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد) بر مفاهیم و واژه هایی چون عدم تمرکز، عدالت اقتصادی، رسیدگی به مناطق محروم، نوسازی زیربنای اقتصادی در مناطق مختلف کشور و... تأکید شده است.

سوالاتی که در این میان وجود دارد این است که :

۱۰-قانون برنامه اول توسعه، ۷۲-۱۳۶۸

- چرا با وجود تأکید مؤکد (و احتمالاً ظاهری) برنامه ریزان اقتصادی، در دولت های مختلف در ۸۰ سال اخیر مناطق غیر فارس علی الخصوص استانهای آذربایجان جنوبی هر روز وضعیت اسفبارتری از لحاظ اقتصادی پیدا می کنند؟
- علل توسعه سریع مناطق کویری فارس نشین در حالی که به لحاظ شرایط اقلیمی، نیروی انسانی، منابع طبیعی و... در وضعیت کاملاً غیر برخوردار قرار دارند، چیست؟
- چرا "همه" استانهای فارس نشین در شاخص مهاجرت جزو استانهای مهاجر پذیرند و "همه" استانهای آذربایجان جنوبی^{۱۱} در صف اول استانهای مهاجر فرست قرار دارند؟
- آذربایجان جنوبی با رتبه اول اقتصادی در سالهای قبل از مشروطه^{۱۲} چرا بعد از به حکومت رسیدن حکومتی با علایق شدید نژاد پرستانه فارس محور سال به سال از لحاظ شاخص های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و... دچار افت می شود؟

^{۱۱} - در اکثر منابع آماری، استان آذربایجان غربی به دلیل مهاجرت برنامه ریزی شده افراد جزو استانهای مهاجر پذیر محاسبه گردیده است. این در حالی است قسمت عظیمی از هموطنانمان در این استان در اثر سیاستهای راسیستی مجبور به مهاجرت شده اند.

^{۱۲} - آذربایجان جنوبی تا سال ۱۳۰۰ شمسی از ۵ کارخانه صنعتی بزرگ در جغرافیایی موسوم به ایران ۳ مورد را به خود اختصاص داده بود. تبریز با جمعیت ۴۰۰ هزار نفری مرکز بلامنازع اقتصادی در ممالک محروسه قاجار بوده است. گستردگی بازار، تعداد مساجد، حمام ها و کاروانسراها نشان گوید این امر است. به لحاظ فرهنگی دروازه ورود مدرنیته آذربایجان جنوبی بوده است. به لحاظ اندیشگی و تبلیغ باورهای مدرن، نقد مذهب، سنت و... آذربایجانیان پیشگام پروژه مدرنیته در این دیار بوده اند. اما به واقع چه اتفاقی می افتد چنین جامعه ای با این اوصاف با رتبه اول اقتصادی، با بارقه های فرهنگی مدرن و با اجتماعی در آستانه مدنی شدن، بورژوازی قوی در آستانه مشروطه و... امروز بعد از ۸۰ سال با جامعه ای توده ای و از هم گسیخته، وضعیتی فلاکت بار به لحاظ اقتصادی و با بورژوازی ویران شده و آینده ای نامعلوم مواجه است.

- چه نسبتی بین استعمار اقتصادی، ممنوع کردن تحصیل به زبان مادری و جایگزینی زبان تحمیلی فارسی به جای آن، تحقیر فرهنگی و... وجود دارد؟

در این کتاب بعد از ارائه و تحلیل آمارهای موجود در بخش اول در قسمت دوم به تحلیل علل تبعیضات و پاسخ به سوالات مطروحه در باب ارتباط حوزه اقتصاد، فرهنگ، سیاست به عنوان سیستم یکپارچه ای برای ادامه پروسه آسیملاسیون اشاره ای گذرا خواهد گردید.

ک کشاورزی

بخش کشاورزی به دلیل نحیف بودن بخش صنعت در آذربایجان جنوبی جایگاه بسیار حیاتی را برای معیشت ملت آذربایجان جنوبی داراست. نعمات خدادادی همچون خاک و آب تنها دارایی ملت آذربایجان جنوبی در شرایطی است که تمام منابع معدنی، زیر و رو زمینی، نیروی انسانی ماهر و خلاق و... به تاراج می رود.

آمارهای موجود نشان می دهد که سرزمین آذربایجان جنوبی با دارا بودن ۳۰ درصد از کل زمینهای قابل کشت کشور مستعدترین منطقه برای کشاورزی مدرن و مکانیزه است.

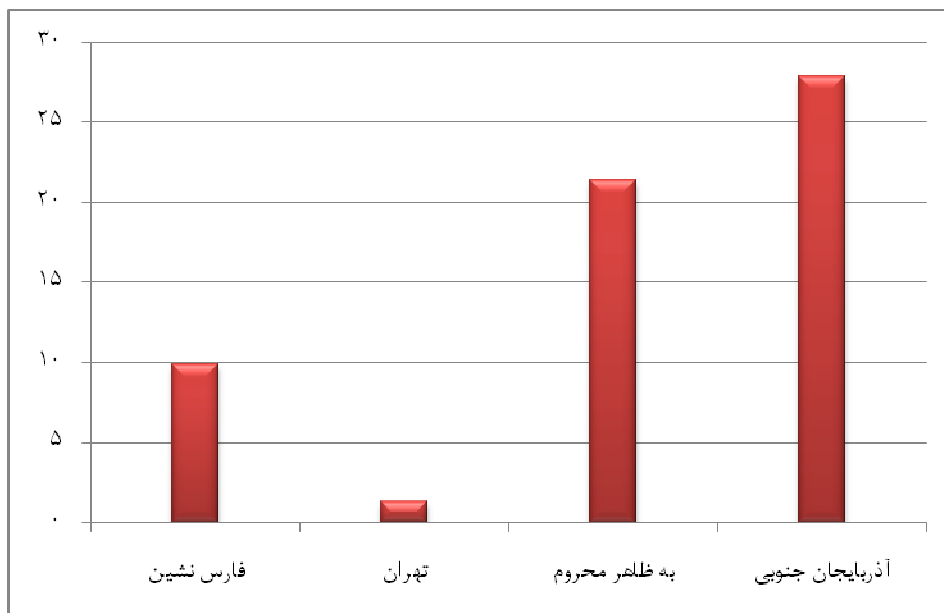
در این قسمت می خواهیم به این مسئله بپردازیم که اگر قرار است به دلایل متعدد هیچ طرح صنعتی قابل توجهی در استانهای آذربایجان جنوبی اجرا نشود آیا این مسئله با سرمایه گذاری در بخش کشاورزی توسط دولت جبران می شود؟

مجموع ۶ استان آذربایجان جنوبی حدوداً ۱۵۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد. آذربایجان جنوبی بیشترین وسعت زمین با امکان کشاورزی را در خود جای داده است. وفور نعمت آب نیز یکی از دلایل امکان کشاورزی بهینه در سرزمینمان است.

مقایسه این مورد با چهار استان فارس نشین اصفهان، خراسان رضوی، یزد و سمنان نشان دهنده مرغوبیت فوق العاده زمین در آذربایجان جنوبی نسبت به این چهار استان است. چهار استان کویری فوق مجموعاً ۴۸۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارند. این استانها با اینکه بیش از ۳ برابر استانهای آذربایجان جنوبی وسعت دارند زمینهای قابل کشتشان یک سوم ۶ استان آذربایجان جنوبی است.

گروه استان تهران		گروه استانهای آذربایجان جنوبی		گروه استانهای فارس نشین		گروه استانهای به ظاهر محروم	
نام استان	درصد از کل	نام استان	درصد از کل	نام استان	درصد از کل	نام استان	درصد از کل
تهران	۱/۳	آذربایجان شرقی	۷/۵	اصفهان	۲/۴	ایلام	۱/۸
		آذربایجان غربی	۵	خراسان رضوی	۵/۹	بوشهر	۲
		اردبیل	۴/۱	یزد	۰/۷	چهارمحال و بختیاری	۱/۱
		زنجان	۴/۲	سمنان	۰/۹	سیستان و بلوچستان	۵/۳
		قزوین	۲/۳			کردستان	۱/۴
		همدان	۴/۸			کرمان	۳/۸
						کهگیلویه و بویراحمد	۰/۹
						لرستان	۴/۴
						هرمزگان	۰/۷
مجموع	۱/۳	مجموع	۲۷/۹	مجموع	۹/۹	مجموع	۲۱/۴

مساحت اراضی کشاورزی بهره برداری با زمین ۱۳۸۲



نمودار مقایسه ای وسعت مساحت اراضی کشاورزی در گروه -استانها

چنانچه دیده می شود استانهای آذربایجان جنوبی با ۲۷/۹ درصد کل اراضی کشاورزی بیشترین درصد را در مجموعه استانهای مورد تحقیق به خود اختصاص داده است. ۴ استان فارس نشین فقط ۹/۹ درصد از این اراضی را دارا هستند. استانهای گروه به ظاهر محروم نیز با اینکه ۹ استان با وسعت ۵۶۰ هزار کیلومترمربع یعنی چهار برابر استانهای آذربایجان جنوبی اند تنها ۲۱/۴ درصد اراضی قابل کشاورزی کشور را دارا هستند.

مجموع این داده ها ما را به این نتیجه رهنمون می کند:

دولت به دلیل وجود پتانسیلهای موجود در بخش کشاورزی باید بیشترین سرمایه گذاری را در این حوزه در استانهای آذربایجان جنوبی انجام دهد.

آمارهایی که در این بخش ارائه خواهد گردید نشان خواهد داد که نه تنها چنین امری به هیچ وجه تحقق نیافته، بلکه برعکس رژیم فارس سیاستهایی با هدف

نابودسازی این بخش در آذربایجان جنوبی را دنبال می کند. سرمایه گذاریهای کلانی در بخش کویرزدایی، زه کشی، انجام طرحهای آبرسانی از دامنه های غربی زاگرس با حفر تونلهای عظیم به طرف استانهای یزد، اصفهان و کرمان نیز از طرف دیگر نشان دهنده روی دیگر این سیاست یعنی سرمایه گذاری روزافزون در این مناطق است. به واقع با دقت در این بخش می توان فهمید چگونه اندیشه دولت ملی فارس حتی نعمات خدادادی را برای انجام سیاستهای استعماری خود از بین ببرد و در مقابل با صرف هزینه های فراوان نباتات را مجبور به رشد در شوره زارهای کویری استانهای فارس نشین کند!

سهم نیروی کار در استانهای آذربایجان جنوبی در بخش کشاورزی به دلیل عدم سرمایه گذاری در بخش صنعت بالاتر از استانهای فارس نشین و حتی گروه استانهای به ظاهر محروم است.

استانهای آذربایجان جنوبی با ۳۲/۰۸ درصد نیروی کار در بخش کشاورزی بیشترین سهم را در این بخش در کشور داراست. استان تهران با ۳ درصد کمترین، گروه استانهای فارس نشین ۱۹/۲۵ و گروه استانهای به ظاهر محروم ۲۶/۳۶ نیروی کار را در بخش کشاورزی به خود اختصاص داده اند^{۱۳}.

بر اساس اطلاعات مأخوذه از هفته نامه برنامه ارگان معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری^{۱۴} در حوزه تجهیز و نوسازی اراضی کشاورزی تا پایان سال ۱۳۸۶ در استانهای آذربایجان جنوبی به طور میانگین فقط ۳/۸۳ درصد کل طرحهای مصوب دولت به مرحله اجرا رسیده اند. این رقم در استانهای فارس نشین به طور میانگین ۸۰/۲۵ درصد یعنی ۲۴ برابر استانهای آذربایجان جنوبی است.

^{۱۳} - اطلس گیتی شناسی استانهای ایران، سعید بختیاری، هامون، تهران، ۱۳۸۵

^{۱۴} - برنامه، سال هفتم، شماره ۲۷۱، ص ۱۸

نام استان	اجرا شده (هکتار)	اجرا نشده (هکتار)	درصد اجرا شده
آذربایجان شرقی	۱۷۵۰۱	۱۹۷۸۰۲	٪۸
آذربایجان غربی	۱۰۶۵۰	۳۲۲۷۲۲	٪۳
اردبیل	۰	۲۲۷۴۲۷	۰
زنجان	۰	۴۳۲۰۰	۰
قزوین	۱۰۶۲۰	۷۹۳۸۰	٪۱۲
همدان	۰	۱۶۰۰	۰

آذربایجان جنوبی

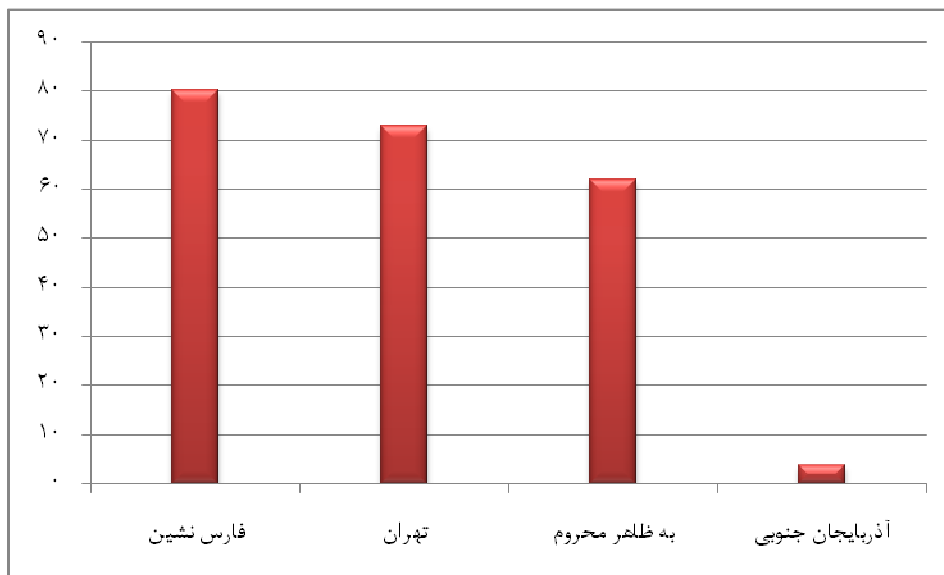
میزان سرمایه گذاری در حوزه تجهیز و نوسازی اراضی کشاورزی تا پایان سال ۱۳۸۶ در استانهای
آذربایجان جنوبی

نام استان	اجرا شده (هکتار)	اجرا نشده (هکتار)	درصد اجرا شده
اصفهان	۲۱۶۷۷۰	۱۲۸۸۰	٪۹۴
خراسان رضوی	۱۶۹۷۵	۲۹۸۴	٪۸۵
یزد	۵۷۰۰	۷۵۰	٪۸۸
سمنان	۱۶۱۰۷	۱۳۶۳۶	٪۵۴

میزان سرمایه گذاری در حوزه تجهیز و نوسازی اراضی کشاورزی تا پایان سال ۱۳۸۶ در استانهای
فارس نشین

چنانچه مشخص است مجموع طرحهای انجام شده در استانهای آذربایجان جنوبی ۳۸۷۷۱ هکتار است. این رقم در استانهای فارس نشین ۲۵۵۵۵۲ هکتار یعنی حدود ۷ برابر است. در مجموع از کل طرحهای تجهیز و نوسازی اراضی کشاورزی به طور

میانگین در استانهای آذربایجان جنوبی ۳/۸۳ درصد اجرا شده در حالی که این رقم در استانهای فارس نشین به طور متوسط ۸۰/۲۵ درصد است. این درصد در استان تهران ۷۳٪ و در استانهای به ظاهر محروم ۶۲٪ است.



نمودار مقایسه ای میزان سرمایه گذاری در تجهیز و نوسازی اراضی کشاورزی به تفکیک گروه استانها

شبکه های اصلی آبیاری و زه کشی اراضی پایاب سدها

شبکه های آبیاری در حقیقت نقش شریان اصلی آبیاری زمینهای کشاورزی را در ارتباط بین منابع آب و زمینهای کشاورزی دارد. در این قسمت نیز دیده می شود چگونه طرحهای بالادست در بخش کشاورزی در آذربایجان جنوبی اجرا نمی شود.

نام استان		اجرا شده (هکتار)	در دست اجرا (هکتار)	اجرا نشده (هکتار)	درصد اجرا شده
آذربایجان جنوبی	آذربایجان شرقی	۱۰۰۱۳۸	۱۹۰۰۰	۹۶۱۶۵	٪۴۶
	آذربایجان غربی	۹۵۴۲۰	۶۷۱۲	۲۳۱۲۴۰	٪۲۸
	اردبیل	۷۲۰۰	۷۳۰۰	۲۱۲۹۲۷	٪۳
	زنجان	۱۲۰۰	۰	۴۲۰۰۰	٪۳
	قزوین	۳۵۰۰۰	۰	۵۵۰۰۰	٪۳۹
	همدان	۰		۱۶۰۰	۰

شبکه های اصلی آبیاری و زه کشی اراضی پایاب سدها در استانهای آذربایجان جنوبی

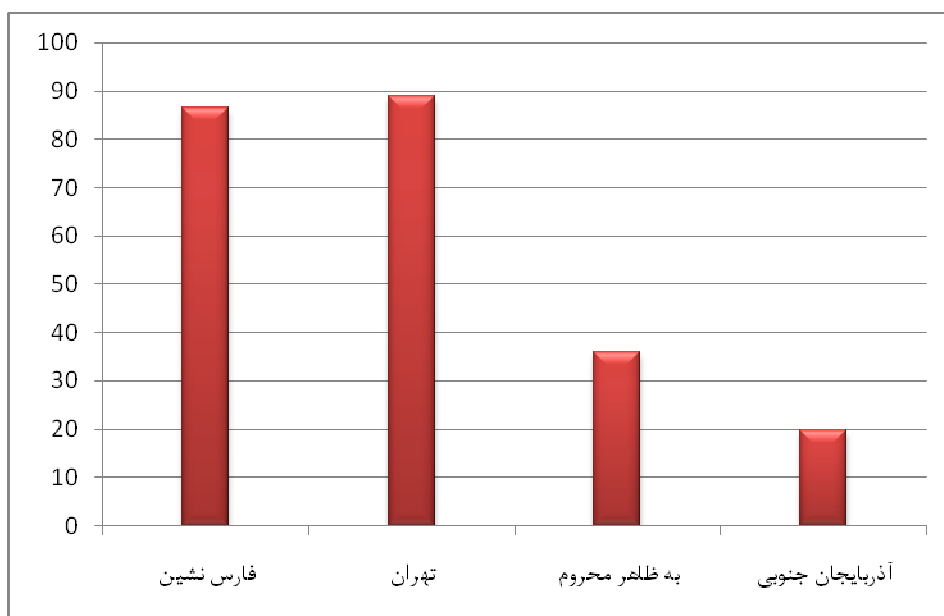
مجموع طرحهای اجرا شده در استانهای آذربایجان جنوبی به صورت میانگین ۱۹/۸۳ است.

نام استان	اجرا شده (هکتار)	در دست اجرا (هکتار)	اجرا نشده (هکتار)	درصد اجرا شده
اصفهان	۱۹۷۰۰۰	۱۴۹۵۰	۱۷۷۰۰	٪۸۶
خراسان رضوی	۲۹۷۳۵	۰	۱۰۸۸۵	٪۷۳
یزد	۶۴۵	۰	۰	٪۱۰۰
سمنان	۲۳۰۰۰	۰	۶۷۴۳	٪۷۷

شبکه های اصلی آبیاری و زه کشی اراضی پایاب سدها در استانهای فارس نشین

مجموع طرحهای اجرا شده در استانهای فارس نشین به صورت میانگین ۸۶/۵ است که این رقم ۴/۵ برابر مجموع طرحهای اجرا شده در استانهای آذربایجان جنوبی میباشد. با در نظر گرفتن اینکه استانهای آذربایجان جنوبی ۳ برابر استانهای فارس نشین زمین قابل کشت دارند، این رقم گویای تبعیضی ۱۶ برابری است.

در ۹ استان به ظاهر محروم نیز به صورت میانگین ۳۶٪ کل طرح ها به مرحله اجرا رسیده اند. به عنوان مثال می توان به کرمان ۵۱٪، سیستان و بلوچستان ۸۷٪، هرمزگان ۷۲٪ و کهگیلویه و بویراحمد ۳۰٪ اشاره کرد.

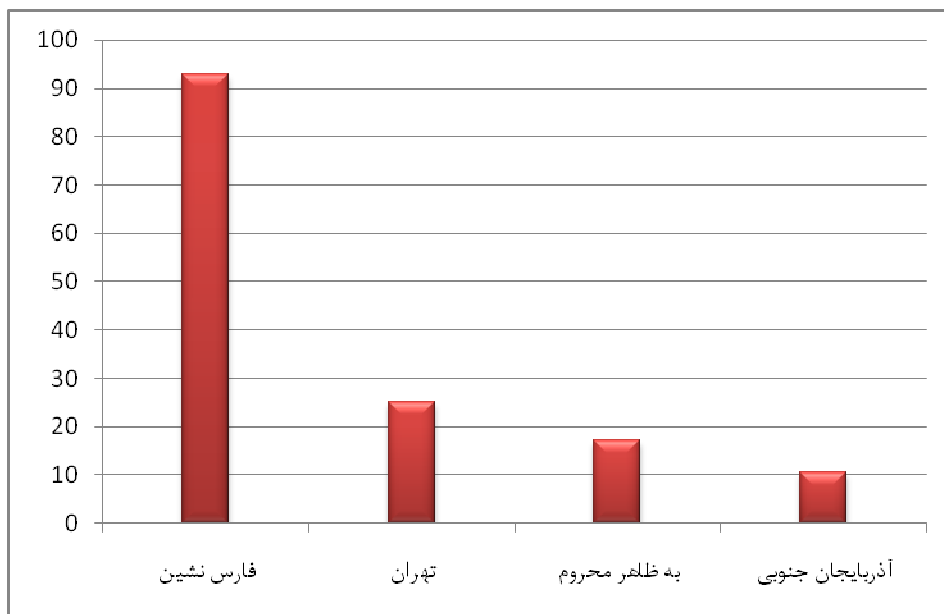


نمودار مقایسه ای میزان سرمایه گذاری در بخش شبکه های اصلی آبیاری گروه- استانها

در حوزه شبکه های فرعی آبیاری و زه کشی در استان آذربایجان شرقی ۲۵٪، آذربایجان غربی ۱۰٪، اردبیل ۱۵٪، زنجان ۱٪، قزوین ۲۸٪ و همدان ۰٪ و به صورت میانگین ۱۰/۶۹٪ طرحها اجرا شده است. این رقم در استانهای فارس نشین به

صورت میانگین ۹۲/۵٪ است: اصفهان ۹۹٪، خراسان رضوی ۹۴٪، یزد ۱۰۰٪ و سمنان ۷۷٪.

در ۹ استان به ظاهر محروم نیز به صورت میانگین ۱۷٪ کل طرحها به مرحله اجرا رسیده اند.

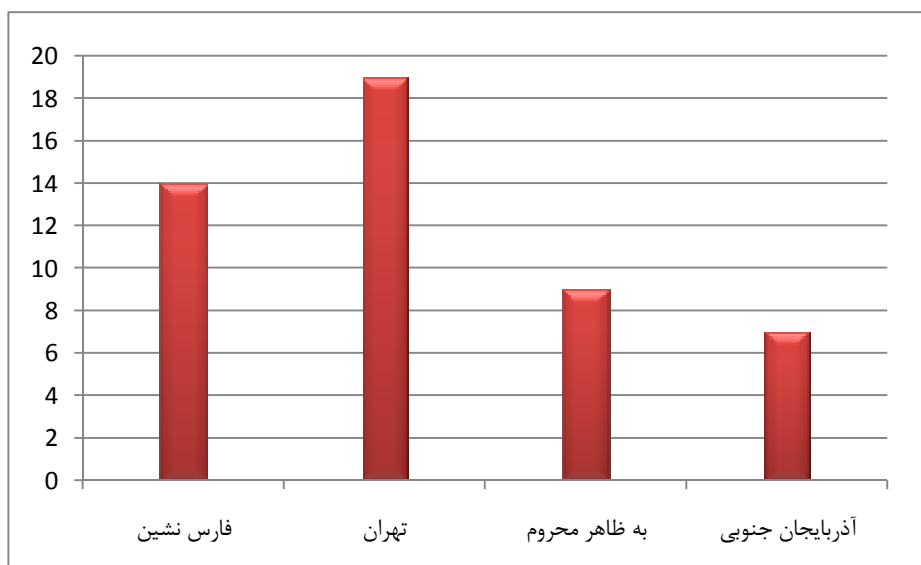


نمودار مقایسه ای میزان سرمایه گذاری در بخش شبکه های فرعی آبیاری گروه- استانها

بیمه کشاورزی

آمارهای موجود نشان می دهد در حوزه بیمه کشاورزی نیز چنین تبعیضی موجود است. چه در بخش دامداری و چه در بخش کشاورزی سهم استانهای آذربایجان جنوبی از بیمه کشاورزی از استانهای محروم، فارس نشین و تهران کمتر است. به عنوان مثال میزان تحقق برنامه های ابلاغی بیمه کشاورزی در سال زراعی ۸۵-

۱۳۸۴ در استان سمنان ۱۹/۷ درصد است، در حالی که این رقم در همدان آذربایجان جنوبی فقط ۲/۵ درصد است. در مجموع استانهای آذربایجان جنوبی میزان تحقق برنامه ها ۷/۰۸ درصد است، در حالی که این رقم در استانهای فارس نشین حدود دو برابر یعنی ۱۳/۴۲ درصد است. تهران با ۱۹ درصد بیشترین میزان را داراست. استانهای گروه به ظاهر محروم با ۸/۲۸ درصد میزان تحقق بیشتری را در این بخش شاهدند.^{۱۵}



نمودار مقایسه ای میزان تحقق برنامه های ابلاغی بیمه کشاورزی در گروه-استانها

^{۱۵} برنامه، سال ششم، شماره ۲۴۲، ص ۱۵

گلخانه کشاورزی

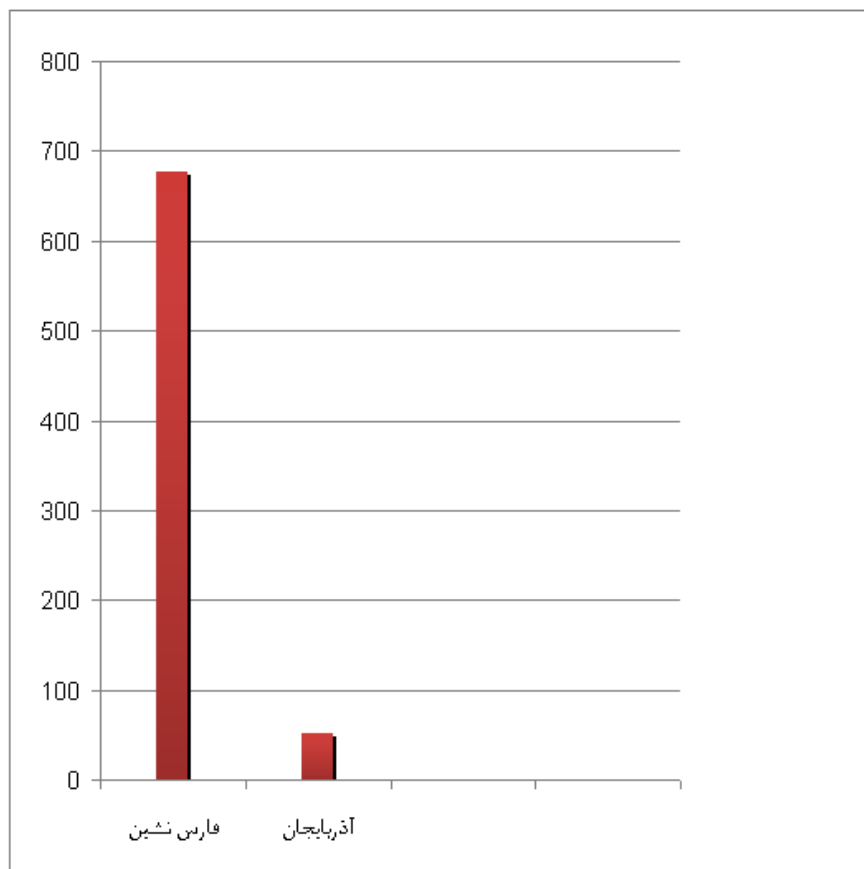
مساحت و تعداد گلخانه ها در بهره برداریهای کشاورزی بر حسب استان (با وام بانکی).

نام استان	تعداد	مساحت (هکتار)
اصفهان	۱۴۲۳	۴۴۴
خراسان رضوی	۲۰۶	۲۷
یزد	۷۴۷	۱۸۱
سمنان	۱۰۹	۲۵
مجموع	۲۴۸۵	۶۷۷

نام استان	تعداد	مساحت (هکتار)
آذربایجان جنوبی	۸۵	۱۱
	۳۳	۵
	۲۳	۶
	۳۹	۸
	۵۳	۱۳
	۵۰	۹
	۲۸۳	۵۲

اعداد بالا گویای این مطلب است که حکومت فارس سیاست منسجمی در عدم اعطای تسهیلات بانکی به کشاورزان آذربایجان جنوبی را دارد. در حالی که در استان آذربایجان شرقی فقط ۱۱ هکتار گلخانه وجود دارد. این رقم در استان اصفهان بیش از ۴۰ برابر یعنی ۴۴۴ هکتار است. کویرنشینان فارس زبان یزدی نیز ۲۳ برابر تورکان زنجان از تسهیلات بانکی در این حوزه بهره مندند!

این تبعیض برای هموطنان همدانیمان ۲۰ برابر و برای اردبیلیها ۳۰ برابر و برای تورکان غرب آذربایجان جنوبی ۳۷ برابر است!^{۱۶}



نمودار مقایسه ای مساحت و تعداد گلخانه ها در بهره برداریهای کشاورزی (با وام بانکی)

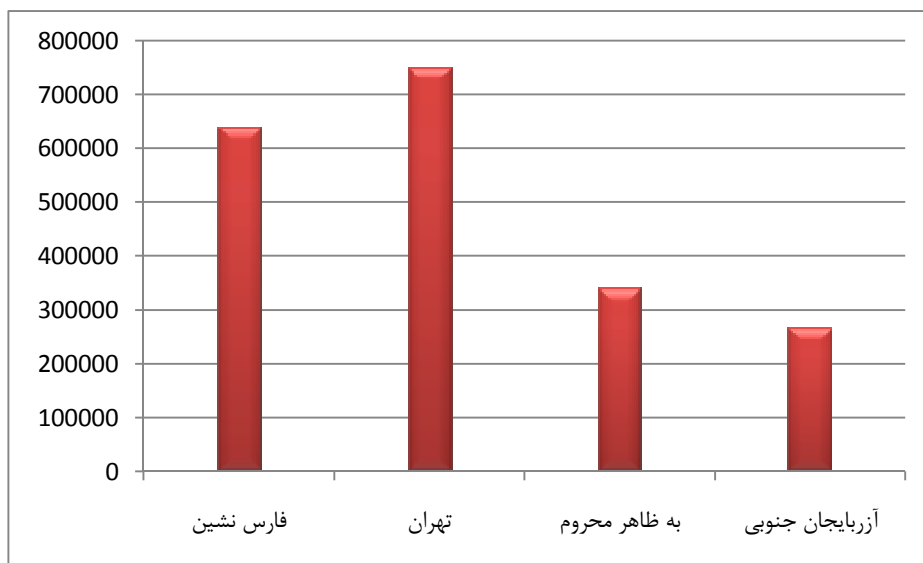
^{۱۶} - سالنامه آماری ۱۳۸۴، ص ۱۷۳

دامداری و فراورده های دامی

در این حوزه فقط به دو نمونه اشاره کوتاهی می شود. به نظر می آید این آمارها را در همه بخشهای دامداری و فراورده های دامی می توان تعمیم داد. نتایج آمارگیری از گاوداریهای صنعتی کشور در سال ۱۳۸۶ نشان می دهد ظرفیت کل گاوداریهای صنعتی در ۶ استان آذربایجان جنوبی ۲۷۳۲۶۷ رأس است. این در حالی است که این رقم تنها در استان اصفهان ۲۴۴۹۳۵ رأس است. مجموعاً در چهار استان فارس نشین ۶۳۵۶۶۱ رأس دام وجود دارد. این رقم در استان تهران ۷۴۳۲۶۷ رأس و در استانهای به ظاهر محروم ۳۲۴۵۳۴ می باشد.

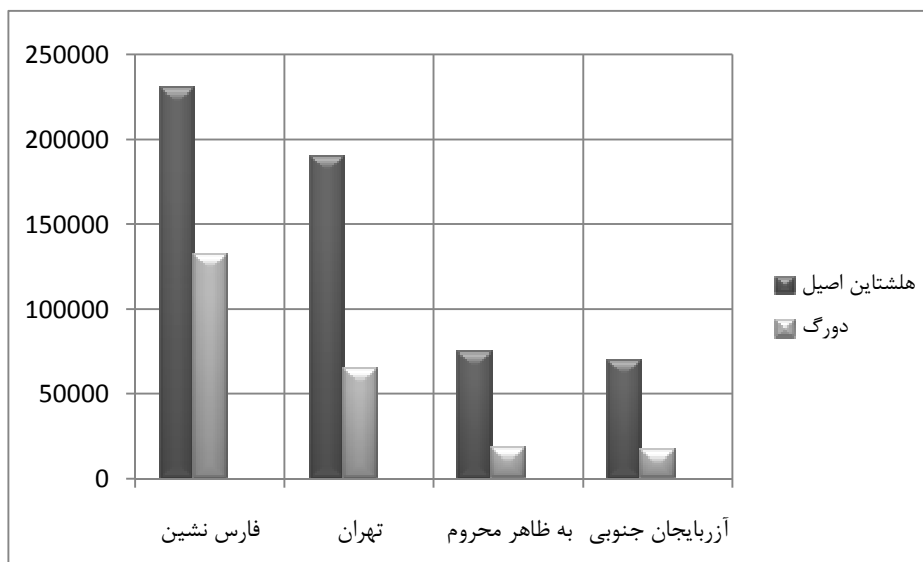
شگفت انگیز اینکه با وجود پوشش گیاهی بسیار مناسب، آب و هوای خوب و شرایط مساعد در استان اردبیل فقط ۳۴۹۹۹ رأس گاو در گاوداریهای این استان پرورش داده می شود. در حالی که این رقم در استان سمنان حدود ۳ برابر یعنی ۹۵۴۲۰

رأس است! استان یزد نیز در حالی که یک سوم استان آذربایجان غربی جمعیت دارد یک و نیم برابر این استان دام دارد.



نمودار مقایسه ای تعداد دام در گاوداریهای صنعتی در گروه-استانها

در مورد تعداد گاو و گوساله گاوداریهای صنعتی با فعالیت تولید شیر برحسب نژاد نیز چنین وضعیتی را شاهدیم. در استانهای آذربایجان جنوبی ۷۰۶۰۵ رأس گاو هلنشتاین اصیل و ۱۷۱۸۸ گاو دورگه وجود دارد. در استانهای فارس نشین این رقم سه برابر یعنی ۲۲۱۷۱۸ گاو هلنشتاین و بیش از ۷/۵ برابر یعنی ۱۲۹۵۵۱ است. در استان تهران با ۱۸۶۱۹۰ گاو هلنشتاین یعنی بیش از دوونیم برابر و ۶۲۷۳۵ رأس گاو دورگه یعنی بیش از سه و نیم برابر استانهای آذربایجان جنوبی دام وجود دارد.



نمودار مقایسه ای تعداد گاو و گوساله هلنشتاین اصیل و دورگه در گاوداریهای صنعتی در گروه - استانها

مقدار تولید شیر

مقدار تولید شیر نیز در سال ۱۳۸۵ بدین ترتیب است:

مجموع گروه استانی	مقدار شیر (صد تن)	ارزش (هزار ریال)
استانهای فارس نشین	۹۸۹۱	۲ ۷۶۰ ۲۸۳ ۰۳۳
استان تهران	۷۵۷۴	۲ ۰۳۶ ۸۴۵ ۴۶۴
استانهای به ظاهر محروم	-	-
استانهای آذربایجان جنوبی	۲۶۲۸	۷۲۵ ۳۸۱ ۱۲۵

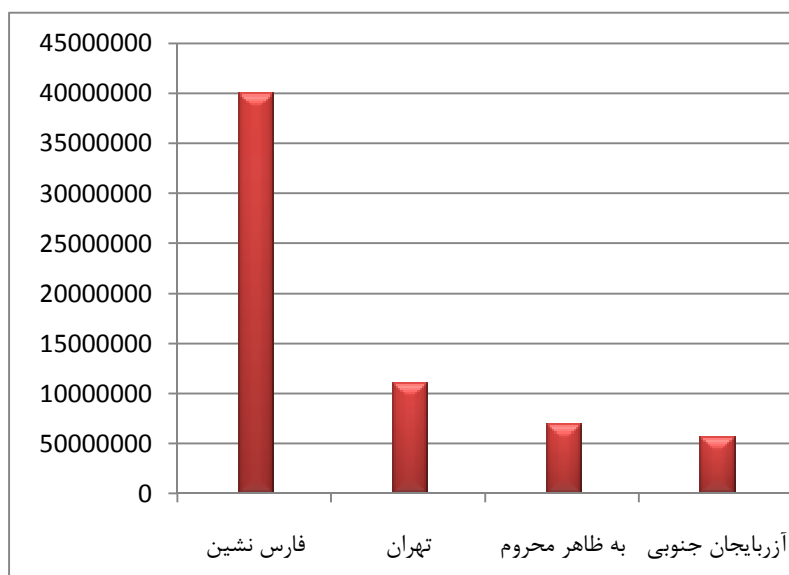
چنانچه دیده می شود ارزش شیر تولیدی در استانهای فارس نشین حدوداً ۴ برابر و در استان تهران سه برابر استانهای آذربایجان جنوبی است.

متوسط تعداد شاغلان و ارزش سرمایه گذاری نیز ارقام بسیار معنی داری را در این حوزه نمایان می کند. استان اردبیل در حالی که بیشترین و مرغوبترین اراضی کشاورزی را برای تولید علوفه و بهترین آب و هوا را برای صنعت گاوداری در ایران داراست به دلیل عدم حمایت دولت تنها سرمایه ای به مبلغ ۵۴۴۹۴۰ هزار ریال را در بخش گاوداریهای صنعتی به خود اختصاص داده است. در حالی که این رقم در استان کویری یزد ۳۰ برابر یعنی ۱۵۹۲۳۸۵۰ هزار ریال است. تعداد شاغلان به نسبت کم در گاوداریهای استان یزد با ۲۰۶۴ نفر نیز حاکی از تکنولوژی بسیار بالای این صنعت در این استان است.

گروه استانی	تعداد شاغلان	ارزش سرمایه گذاری (هزار ریال)
فارس نشین	۲۰۳۵۵	۳۹۳ ۴۳۴ ۰۹۷
تهران	۱۳۲۵۱	۱۰۹ ۲۶۰ ۸۵۳
به ظاهر محروم	۴۴۴۴	۷۰ ۲۹۹ ۲۵۴
آذربایجان جنوبی	۵۱۷۳	۵۸ ۵۴۵ ۹۸۰

در مجموع ۶ استان آذربایجان جنوبی ۵۸۵۴۵۹۸۰ هزار ریال در این بخش سرمایه گذاری شده است که این رقم یک هفتم چهار استان فارس نشین به مبلغ ۳۹۳۴۳۴۰۹۷ هزار ریال است.^{۱۷}

^{۱۷} نتایج آمارگیری از گاوداریهای صنعتی کشور ۱۳۸۶، مرکز آمار ایران، دفتر اطلاع رسانی و پایگاه اطلاعات آماری، تهران، ۱۳۸۷، صص ۲۴ تا ۱۰۱



نمودار مقایسه ای میزان سرمایه گذاری به تفکیک گروه - استانها

مرغداری

مقدار و ارزش انواع تولیدات مرغداریهای پرورش دهنده مرغ گوشتی^{۱۸}

گروه استانی	مقدار (تن)	ارزش (میلیون ریال)
فارس نشین	۳۸۷۷۹۱	۳ ۱۳۳ ۵۳۳
آذربایجان جنوبی	۲۲۸۱۶۳	۱ ۹۱۰ ۹۲۸

^{۱۸} سالنامه آماری سال ۱۳۸۴، ص ۲۰۹

ص نعت

آذربایجان جنوبی به دلیل شرایط جغرافیایی وضعیت آب و هوایی، قرار گرفتن در نقطه اتصال اروپا به آسیا، وجود بورژوازی تجاری قوی و بسیاری عوامل دیگر در اوایل قرن اخیر توانست در حوزه صنعت مدرن در ممالک محروسه دولت قاجار رده اول را کسب کند.

آمارهای موجود در بخش صنعت در سالهای اخیر نشان می دهد چگونه در طی ۸۰ سال اخیر بر اثر پروژه‌ای دقیق و حساب شده که از طرف سیستم راسیستی دولت ملت حاکم فارس به اجرا گذاشته شده است، صنعت تجارت و اقتصاد آذربایجان جنوبی به ویرانه‌اسفبار تبدیل شده است.

اطلس گیتا شناسی استانهای ایران در سال ۱۳۸۵ میزان نیروی کار صنعتی را در استانهای کشور بدین شرح اعلام کرده است.^{۱۹}

^{۱۹}-پیشین، اطلس گیتا شناسی استانهای ایران

آذربایجان شرقی	۲۶/۵ درصد
آذربایجان غربی	۱۲/۲ درصد
اردبیل	۱۱/۴ درصد
زنجان	۱۸/۳ درصد
قزوین	۲۴/۴ درصد
همدان	۱۳/۵ درصد
میانگین	۱۷/۷۱ درصد

آذربایجان جنوبی

استان قزوین به دلیل نزدیکی به تهران درصد بالایی نیروی کار صنعتی را داراست. متوسط نیروی کار صنعتی در ۵ استان آذربایجان جنوبی بدون استان قزوین ۱۶/۳۸ درصد است.

این ارقام در استانهای فارس نشین به این ترتیب است.

اصفهان	۳۰/۴ درصد
خراسان رضوی	۲۹/۷ درصد
سمنان	۱۷/۳ درصد
یزد	۳۲/۱ درصد
میانگین	۲۷/۳۷ درصد

این آمار مربوط به سالهای قبل از سال ۸۰ است. آمارهای جدید نشان از رشد بخش صنعت و نیروی کار صنعتی در استانهای مرکزی ایران است. استانهای آذربایجان جنوبی نیز در این میان نقش تامین کننده غیر بومی کارگری این استانها را از طریق مهاجرت تامین کرده اند.

هفته نامه برنامه^{۲۰} خبری مبنی بر نحوه توزیع اعتبارات زیر ساختهای صنعتی در شهرک های صنعتی در شهرستان ها را بدین شرح اعلام کرده است:

قزوین	۶۱۷۶ میلیون ریال
همدان	۷۰۰۰ میلیون ریال
آذربایجان شرقی	۶۲۵۹ میلیون ریال
زنجان	۶۰۰۶ میلیون ریال
اصفهان	۱۳۰۳۸ میلیون ریال
خراسان رضوی	۴۱۲۷۵ میلیون ریال
سمنان	۱۰۰۶۸ میلیون ریال
فارس	۳۲۶۰۰ میلیون ریال
مازندران	۳۵۳۱۲ میلیون ریال
یزد	۱۲۲۲۲ میلیون ریال

چنانکه دیده می شود استان خراسان رضوی به تنهایی دو برابر شش استان آذربایجان جنوبی در بخش صنعت و زیر ساختهای شهرک های صنعتی بودجه به خود اختصاص داده است.

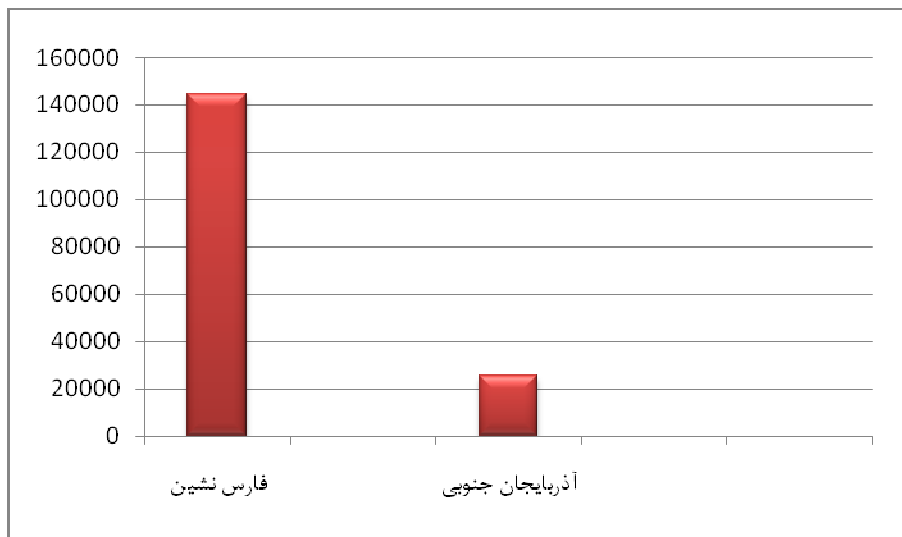
طبق گزارش بولتن خبر رسانی وزارت صنایع و معادن کشور^{۲۱} ۹۱ درصد اعتبارات مصوب طبق این طرح در استانهای اصفهان، خراسان، سمنان، یزد و مازندران تخصیص یافته. این درصد در استان فارس ۶۳ است.

در استانهای آذربایجان جنوبی فقط در استان همدان و آذربایجان شرقی به ترتیب ۱۴ و ۱۹ درصد اعتبارات مصوب اختصاص یافته است. استانهای قزوین و زنجان نیز فقط ۶/۷ اعتبارات را کسب کرده اند.

^{۲۰}- برنامه، سال ۶، شماره ۲۳۶، ص ۲۰

^{۲۱}- بولتن خبر رسانی وزارت صنایع و معادن، شماره ۲۳، مهر ۱۳۸۷

این طرح ها در آذربایجان جنوبی عموماً به دلایل تبلیغاتی طرح میشوند و عموماً به مرحله اجرا در نمی آیند^{۲۲}، همانطور که مشاهده میشود شش استان فارس، چهار برابر شش استان آذربایجان جنوبی در بخش شهرک های صنعتی از اعتبارات برخوردار گردیده اند.



نمودار مقایسه ای میزان اعتبارات مصوب زیر ساختهای شهرک های صنعتی در گروه استانهای آذربایجان جنوبی و فارس نشین

در این قسمت به بررسی مراکز صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر استانهای کشور در سال ۱۳۸۰ می پردازیم.

استان آذربایجان شرقی به عنوان صنعتی ترین استان آذربایجان جنوبی مجموعاً ۶۰۹ کارگاه صنعتی را داراست. این رقم در استان اصفهان رقم سه برابری یعنی ۱۷۸۵ را نشان میدهد.

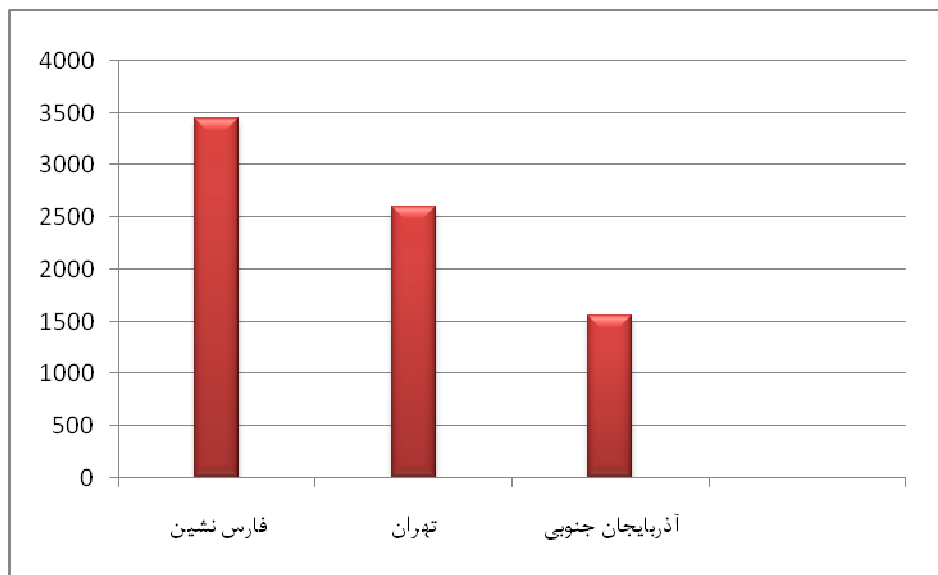
^{۲۲}-از این بین میتوان به طرح کارخانه لامپ تصویری در مرند اشاره کرد. این طرح قرار بود در دولت اول محمد خاتمی اجرایی شود و ۷۰۰۰ نفر به صورت مستقیم و غیر مستقیم از این طرح صاحب شغل گردند. این طرح بعد از چند سال در دوره دوم ریاست جمهوری سید محمد خاتمی به استان اصفهان منتقل گردید.

خراسان رضوی نیز با دو برابر کارگاه صنعتی نسبت به آذربایجان شرقی ۱۰۳۷ کارگاه را به خود اختصاص داده است. استان سمنان با اینکه حدوداً یک سوم استان اردبیل جمعیت دارد بیش از دو برابر این استان کارگاه صنعتی دارد. این مسئله تفاوت شش برابری را نشان میدهد.

درمجموع بدون استان قزوین که نقش حاشیه صنعتی را برای استان تهران دارد مجموعاً ۱۵۵۴ کارگاه صنعتی در پنج استان آذربایجان جنوبی قرار دارد. این رقم حتی از یک استان فارس نشین یعنی اصفهان ۲۳۱ عدد کمتر است. مجموع چهار استان فارس نشین ۳۳۵۰ کارگاه صنعتی را در خود جای داده اند که حتی از تعداد کارگاه های استان تهران با ۲۵۰۴ کارگاه بیشتر است.^{۲۳}

نام استان		کارگاه صنعتی	نام استان	کارگاه صنعتی	نام استان	کارگاه صنعتی
آذربایجان جنوبی	آذربایجان شرقی	۶۰۹	تهران	۲۵۰۴	اصفهان	۱۷۸۵
	آذربایجان غربی	۴۹۳			خراسان رضوی	۱۰۳۷
	اردبیل	۸۲			سمنان	۱۷۵
	زنجان	۱۷۲			یزد	۳۵۳
	همدان	۱۹۸				
	مجموع	۱۵۵۴	مجموع	۲۵۰۴	مجموع	۳۳۵۰

^{۲۳}-اطلس گیتا شناسی استانهای ایران، جدول تعداد مراکز صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر استانهای کشور ۱۳۸۰



نمودار مقایسه ای تعداد مراکز صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر استانهای کشور ۱۳۸۰ گرو استانها

سازمان فنی و حرفه ای کشور نهادی است که متصدی آموزش افراد برای ورود به بخش های صنعتی است.

بررسی تعداد آموزش دیدگان در این بخش می تواند شمایی کلی از وضعیت صنعت در استانهای مختلف کشور را نشان می دهد.

طبق اطلاعات موجود آموزش دیدگان، مراکز و مربیان سازمان فنی و حرفه ای کشور در استانهای مختلف به این شرح است.

گروه استان	مراکز	آموزش دیدگان	مربیان
فارس نشین	۱۵۴	۷۷۷۲۵	۳۴۳
تهران	۳۰	۶۸۲۵۷	۳۰۱
به ظاهر محروم	۶۶	۳۵۰۰۷	۲۱۰
آذربایجان جنوبی	۷۱	۳۱۷۷۳	۲۱۵

در سال ۱۳۸۵، ۱۲۵۱۰ فن آموز در استان آذربایجان شرقی به فن آموزی مشغول بوده اند. این رقم در استان اصفهان چهار برابر یعنی ۴۲۰۶۶ نفر در همین سال بوده است.

استان سمنان نیز با اینکه یک ششم استان آذربایجان غربی جمعیت دارد فن آموزی بیشتری نسبت به این استان دارد. این تعداد در استان سمنان ۶۶۰۲ و در استان آذربایجان غربی ۶۱۱۲ بوده است.

استان همدان نیز کمتر از نصف استان فارس فن آموز به خود اختصاص داده است.

در مجموع در کل استانهای آذربایجان جنوبی ۳۱۷۷۳ فن آموز در آموزشگاه های فنی و حرفه ای دارد. این تعداد در چهار استان فارس نشین ۷۷۷۲۵ فن آموز است.

در قسمت تسهیلات مالی ذکر گردید که دولت تک قوم گرای فارسی - ایرانی از سرمایه گذاری در آذربایجان جنوبی خودداری می کند. به وضوح در آن قسمت نشان داده شد که چگونه سهم مجموع شش استان آذربایجان جنوبی از کل تسهیلات و وام های خارجی ۲/۲۷ از کل کشور بوده است، در حالی که این رقم در چهار استان فارس نشین، پنج برابر مجموع استان های آذربایجان جنوبی بوده است.

در سایر شاخص ها نیز همچون سرمایه گذاری خارجی، بودجه سالانه و... نیز این تبعیض اعمال می شود که استانهای آذربایجان جنوبی هر روز وضعیت بدتری را

تجربه کنند. مهاجرت و بیکاری از بین رفتن پایه های اقتصادی همه و همه تنها نمونه های کوچکی از سیل ظلمهایی است که بر ملتمان می رود.

طبق آمارهای موجود در دو دهه اخیر رشد جمعیت در استانهای آذربایجان جنوبی منفی بوده است در حالی که این رقم در همه استانهای فارس نشین مثبت بوده است.

علوی تبار در الگوی مشارکت شهروندان جلد دو صفحه ۵۱ درجه بندی استانها بر حسب ضریب توسعه اجتماعی و اقتصادی را آورده است، بر طبق این آمار استانهای با شاخص بالا عبارتند از:

تهران

اصفهان

یزد

سمنان

قم

مرکزی

خراسان

فارس

استانهای آذربایجان جنوبی بدون استثنا در انتهای جدول قرار دارند.

راه، حمل و نقل و وسایل نقلیه

راهها نقش مهمی در پیشرفت و توسعه مناطق مختلف دارد. رجوع به داده‌های آماری منتشر شده در رسانه‌ها و مطبوعات و بررسی آماری منابع موجود در این حوزه نیز درستی فرضیه ما را اثبات کرده است.

سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۸۴ نشان می‌دهد که در استان اصفهان ۳۰۵ کیلومتر آزادراه وجود دارد. درحالی که این رقم در استان آذربایجان شرقی ۲۹ کیلومتر است.

بر اساس اطلاعات برگرفته از اطلس گیتاشناسی استانهای ایران در سال ۱۳۸۰ در استان آذربایجان شرقی ۱۳۶ کیلومتر بزرگراه وجود داشته است.

در حالی که این رقم در استان اصفهان ۶۵۹ کیلومتر است.

مشخص است که موقعیت ترانزیتی آذربایجان شرقی به عنوان دروازه غرب به هیچ وجه قابل قیاس با استان کویری اصفهان نیست.

در استان اردبیل ۳۶ کیلومتر بزرگراه وجود دارد در حالی که این رقم در استان سمنان ۴۰۸ کیلومتر است. این رقم در استان یزد ۱۵۱ کیلومتر و در استان آذربایجان غربی ۱۰۲ کیلومتر است.

در مجموع در کل استان های آذربایجان جنوبی ۹۰۰ کیلومتر بزرگراه وجود دارد. این رقم در ۴ استان فارس نشین ۱۴۳۲ کیلومتر است.

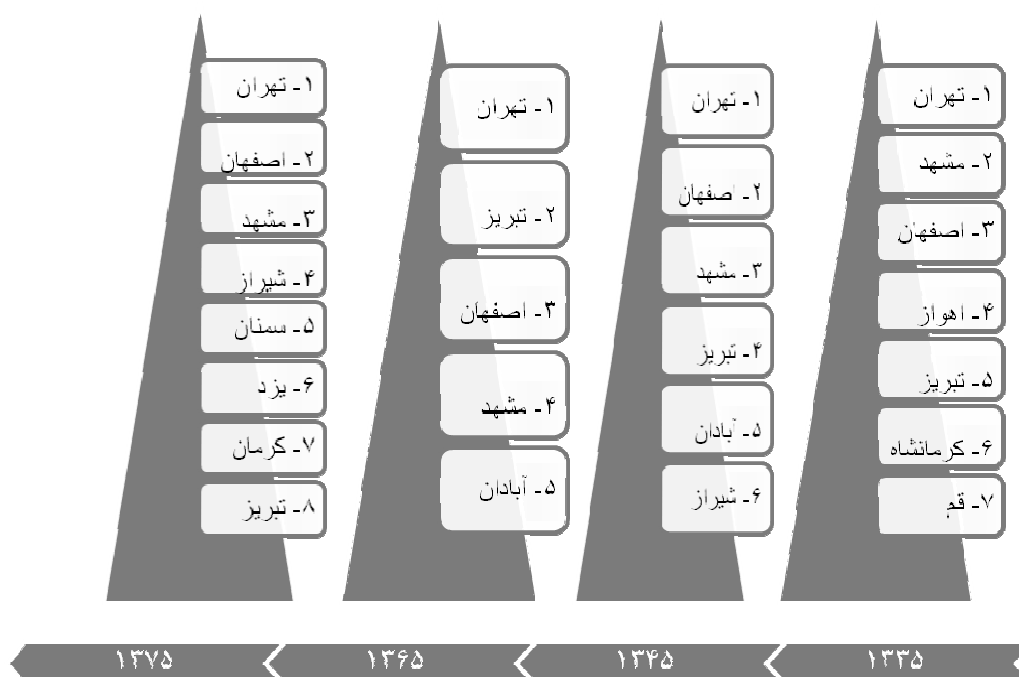
در این مقایسه باید در نظر داشت که قسمتی از راهها در استانهای فارس صرفاً به دلیل افزایش امکانات اقتصادی و افزایش زیر ساخت ها برای توسعه مضاعف ساخته می شود. در حالی که این مسئله در آذربایجان جنوبی به دلیل اجبار استراتژیک به لحاظ موقعیت جغرافیایی است. پروژه های راهسازی عموماً در آذربایجان جنوبی به صورت شمال جنوب اجرا شده اند. برنامه ریزی و انجام پروژه های راه اعم از ریلی و جاده ای شرق به غرب در استانهای آذربایجان جنوبی تا کنون مورد توجه نبوده اند^{۲۴}

بر اساس اطلاعات برگرفته از نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس، مسکن سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ در بخش حمل و نقل مزیت نسبی شهرها بدین ترتیب است^{۲۵}

^{۲۴} - متوسط ساخت پروژه های راه در آذربایجان جنوبی حدوداً ۴۰ سال است، از این میان می توان به پروژه آزادراه زنجان-تبریز با نزدیک به چهل سال سابقه ، تبریز-بازرگان بدون تاریخ! مرند-تبریز به طول ۶۰ کیلومتر و رکود ۳۰ سال ، میان گذر دریاچه اورمو با ۳۰ سال سابقه و ... اشاره کرد. این مدت در استانهای فارس ۳ تا ۵ سال است. در مورد کیفیت راهها در استانهای آذربایجان جنوبی در مقایسه با استانهای فارس نشین نیز متوجه این نکته میشویم که این دو به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. مقایسه ی ساده کیفیت راه ها از لحاظ زیر سازی، آسفالت، ایمنی و نصب علائم و ... در استانهای چون یزد ، سمنان ، اصفهان و ... با همدان ، اردبیل ، آذربایجان شرقی و ... گویای این واقعیت است .

^{۲۵} - مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ، ۱۳۳۵، ۴۵، ۶۵، ۷۵

سال ۱۳۳۵ به ترتیب شهرهای تهران - تبریز - اصفهان - مشهد و آبادان در بخش حمل و نقل دارای مزیت نسبی بالا بوده اند.



شکل ۱ تغییر مزیت نسبی شهرها در بخش حمل و نقل

چنانچه مشاهده میشود تبریز به عنوان مهمترین شهر آذربایجان جنوبی طی چند دهه اخیر مرتبا موقعیت ارتباطی خود را از دست داده است.

وسایل نقلیه

تعداد انواع وسایل نقلیه نمادی از سطح رفاه و وضعیت اقتصادی جوامع است. به عنوان مثال در فرانسه نزدیک به ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ میلیون سواری وجود دارد در حالی که این مقدار در ایران نزدیک به ۱۰ میلیون است.

این تفاوت در داخل کشور نیز نمایانگر رفاه در استانهای مختلف است. استان تهران به عنوان برخوردارترین استان از GDP کشور^{۲۶} در سال ۱۳۸۲، ۵۵۹۴۹۶ وسیله نقلیه در سال ۱۳۸۵ را به خود اختصاص داده است.

این رقم در استان اصفهان ۱۷۱۰۸۴ و در خراسان رضوی ۱۸۹۴۵۷ است در حالی که این رقم در آذربایجان شرقی ۹۳۸۷۴ و در آذربایجان غربی ۴۴۳۹۲ وسیله نقلیه است. استان اردبیل ۳ برابر استان سمنان جمعیت دارد، وسایل نقلیه شماره گذاری شده در سال ۱۳۸۵ استان اردبیل ۱۶۷۶۹ و در استان سمنان ۱۷۵۷۵ است. به دیگر سخن مردم استان سمنان به نسبت جمعیت، ۳ برابر مردم استان اردبیل وسیله نقلیه دارند که نشانگر وضعیت به مراتب بهتر استان سمنان نسبت به استان اردبیل است.

استان همدان نیز ۲ برابر استان یزد جمعیت دارد در حالی که تعداد وسایل نقلیه در استان همدان تقریباً نصف استان یزد است. یعنی مردم یزد ۵ برابر نسبت به مردم همدان بیشتر صاحب خودرو هستند. مردم استان قزوین نیز ۲۸۷۷۹ در سال ۱۳۸۵ وسیله نقلیه شماره گذاری کرده اند که این رقم به نسبت جمعیت یک سوم استان یزد است.

متوسط خودرو شماره گذاری شده در سال ۱۳۸۵ در زنجان یک سوم متوسط کشوری است. در مجموع در استانهای آذربایجان جنوبی ۲۳۹۸۹۷، در سال ۱۳۸۵ شماره گذاری شده است.

در استانهای به ظاهر محروم ۲۵۴۹۲۲ در سال ۱۳۸۵ شماره گذاری شده است.

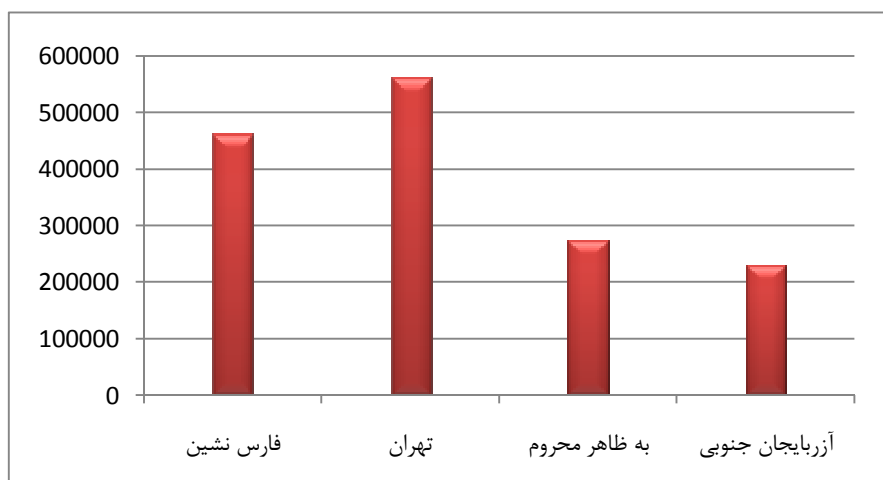
این رقم در استانهای فارس نشین ۲ برابر آذربایجان جنوبی یعنی ۴۳۱۲۷۰ است.^{۲۷}

^{۲۶}- برنامه، شماره ۲۲۰ سال ۱۳۸۶، ص ۹

^{۲۷}- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران معاونت طرح و برنامه و بودجه، اداره آمار، سالنامه آماری کشور سال ۱۳۸۵

گروه استانی	سواری	اتوبوس	مینی بوس	وانت	کامیون	تریلی	موتورسیکلت	مجموع
آذربایجان جنوبی	۹۷۲۱۸	۴۷۸	۲۰۷	۲۵۷۷۶	۱۶۹۳	۲۱۰۵	۱۱۲۴۲۰	۲۳۹۸۹۷
تهران	۳۲۶۳۶۸	۱۰۰۷	۳۰۶	۳۰۹۳۹	۴۱۷۰	۲۲۶۲	۱۹۴۴۴۴	۵۵۹۴۹۶
فارس - نشین	۱۶۵۳۰۰	۶۸۶	۲۴۹	۳۰۴۹۶	۲۲۰۰	۲۴۳۹	۲۲۹۹۰۰	۴۳۱۲۷۰
به‌ظاهر محروم	۱۱۲۵۱۶	۵۰۶	۳۴۲	۲۲۲۳۶	۳۴۲	۲۵۲۸	۱۱۶۰۸۳	۲۵۴۹۲۲

تعداد انواع وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت شماره گذاری شده ۱۳۸۵



تعداد انواع وسایل نقلیه و موتورسیکلت به تفکیک گروه - استانها

مسافران حمل شده توسط شرکت ها، هواپیمایی داخل در پروازهای داخلی (هزار نفر)، (۱۳۸۴)^{۲۸}

مسافرت هوایی به عنوان گرانترین و راحت ترین سفر میتواند شاخصی از جهت مقایسه وضعیت اقتصادی بین استانهای مختلف باشد.

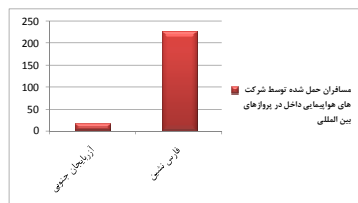
در مجموع استانهای آذربایجان جنوبی در بازه زمانی مطروحه در سالنامه آماری ۱۳۸۴ مجموعاً ۵۰۸۰۰۰ نفر مسافرت هوایی داشته اند. این رقم فقط در استان اصفهان بیشتر از شش استان آذربایجان جنوبی ۵۳۱۰۰۰ نفر بوده است. در بخش پروازهای خارجی این تبعیض که ناشی از وضعیت بد اقتصادی و از سوی دیگر عدم وجود امکانات زیر بنایی و حمل و نقل هوایی و سرمایه گذاری در این بخش است نمایانتر و ناعادلانه تر است. استانهای فارس نشین مجموعاً ۱۴ برابر استانهای آذربایجان جنوبی در این بخش ظرفیت حمل و نقلی مساعدتری دارند.

نام فرودگاه	خروجی
اصفهان	۴۵
مشهد	۷۵
شیراز	۹۸
یزد	۸
مجموع	۲۲۶

نام فرودگاه	خروجی
تبریز	۱۳
اورمیه	۳
اردبیل	۰
همدان	۰
مجموع	۱۶

مسافران حمل شده توسط شرکت های هواپیمایی داخل در پروازهای بین المللی (هزار نفر)

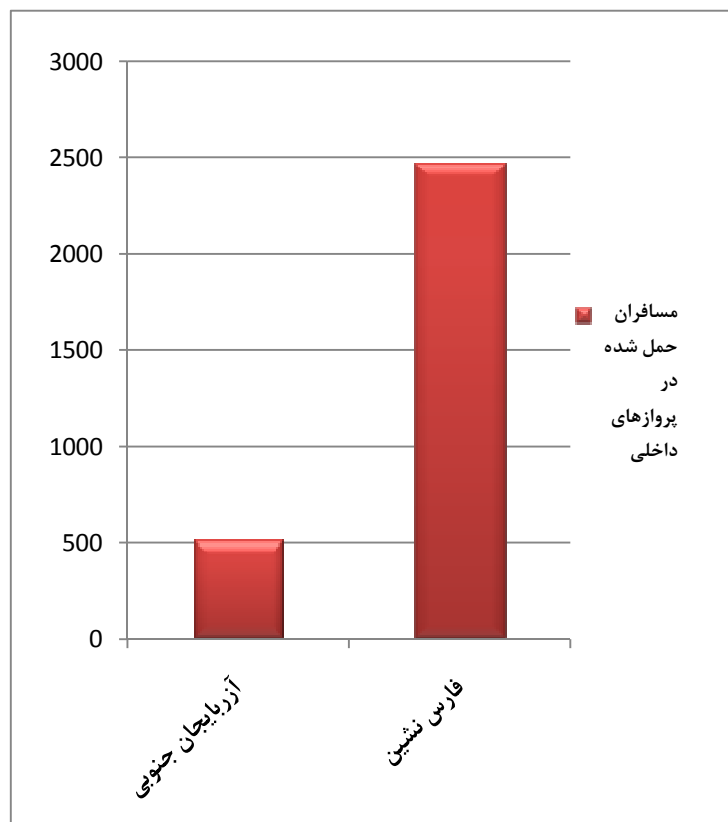
^{۲۸} سالنامه آماری کشور سال ۱۳۸۴، ص ۴۲۹



خروجی	نام فرودگاه
۵۳۱	اصفهان
۱۱۳۶	مشهد
۶۸۷	شیراز
۱۲۵	یزد
۲۴۷۹	مجموع

خروجی	نام فرودگاه
۳۱۱	تبریز
۱۲۰	اورمیه
۷۴	اردبیل
۳	همدان
۵۰۸	مجموع

مسافران حمل شده در پروازهای داخلی (هزار نفر)



تعداد حجاج حمل شده

هدف از ذکر این مورد در این قسمت این است که به خواننده نشان داده شود که حتی در انجام فریضه مذهبی حج نیز تبعیض در اعطای سهمیه به استانها وجود دارد.^{۲۹}

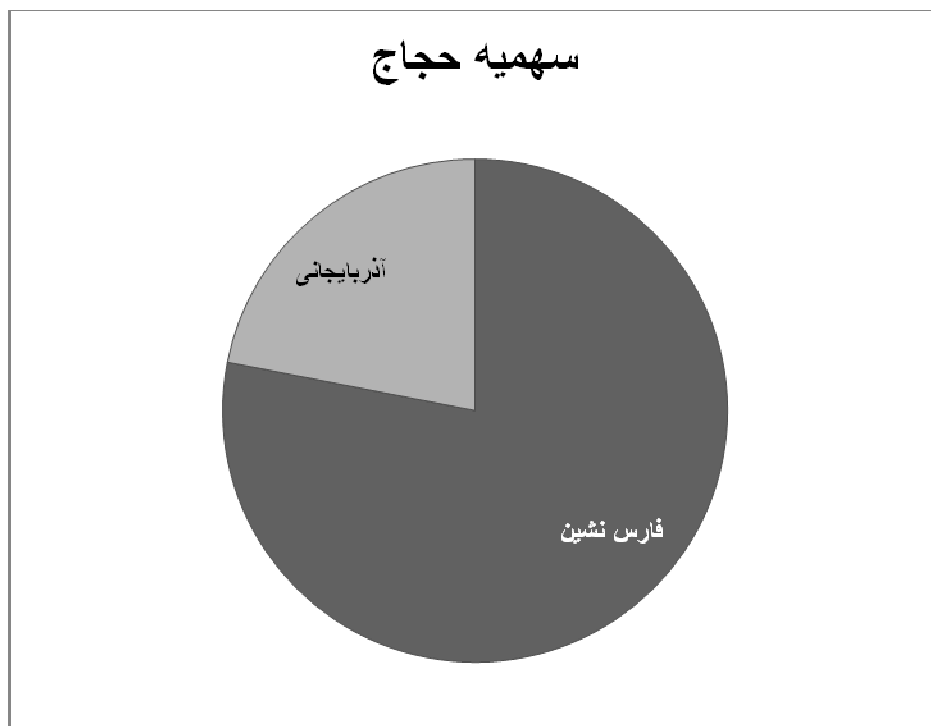
در مجموع استانهای آذربایجان جنوبی ۷۰۴۹ سهمیه برای افرادی که خواهان انجام فریضه حج هستند در سال ۱۳۸۴ در نظر گرفته شده است. در حالی که این رقم فقط در استان اصفهان ۸۷۶۳ سهم است. در مجموع ۵ استان فارس نشین ۳۱۲۰۵ سهم را در این حوزه به خود اختصاص داده اند.

نام گروه استان	سهمیه حجاج
آذربایجان جنوبی	۷۰۴۹
فارس نشین	۳۱۲۰۵

متأسفانه ابعاد تبعیض و یا به عبارت بهتر استعمار بر علیه ملت آذربایجان جنوبی چنان سیستماتیک، مدون و برنامه ریزی شده است که حتی حوزه مذهب و فرائض دینی نیز از این بلا مصون نمانده است.

چه بسیار افرادی که در اثر این تبعیض نتوانسته اند به بزرگترین آرزوی زندگی مذهبی شان یعنی تشرف به خانه خدا نائل شوند و پس از سالها انتظار رخ در نقاب خاک کشیده اند بی آنکه بدانند علت این صبر بی پایان چیست؟!

^{۲۹} همان، ص ۴۳۷



ب هزیستی

مددجویان استفاده کننده از مراکز تحت نظارت سازمان بهزیستی کشور افرادی هستند که یا از جهت اقتصادی و معیشتی و یا از جهت سلامتی و بهداشت نیازمند کمک سیستماتیک دولتنند. در خصوص حمایت از خانوارهای بی سرپرست استانهای آذربایجان جنوبی در وضعیت بسیار نامناسبی قرار دارند.

اگر به شاخص های کلان اقتصادی، امید به زندگی و سلامت نگاهی گذرا بیاندازیم متوجه می شویم که منطقاً باید حمایت از طبقات محروم و خانوارهای نیازمند کمک چه در بخش توانبخشی و چه در بخش خانوارهای بی سرپرست در آذربایجان جنوبی نسبت به استان های فارس نشین بیشتر باشد. در حالی که این مسئله کاملاً برعکس است. حمایت از خانوارهای بی سرپرست در مجموع استانهای آذربایجان جنوبی عدد ۳۷۱۰ خانوار را نشان می دهد، در حالی که این رقم تنها در استان اصفهان ۳۵۹۵ خانوار و در چهار استان فارس نشین ۹۸۹۴ خانوار است. این رقم در استانهای به

ظاهر محروم ۴ برابر استانهای آذربایجان جنوبی یعنی ۱۴۲۰۰ خانوار است. در حوزه خدمات توانبخشی نیز آماری در دست نیست که نشان دهد در استانهای آذربایجان جنوبی افرادی که نیاز حمایت در حوزه توانبخشی اند کمتر از سایر استانهای کشور است.

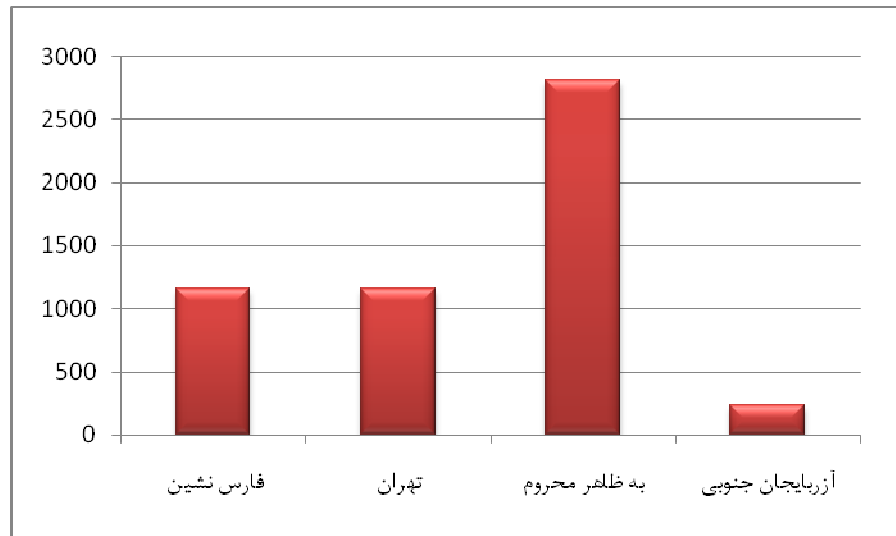
در حالی که خدمات توانبخشی در استانهای آذربایجان جنوبی برای ۵۶۰۲ نفر ارائه می شود این رقم در استانهای فارس نشین ۱۶۷۷۳ نفر در استانهای به ظاهر محروم ۱۲۷۷۷ نفر و در استان تهران ۱۵۵۶۵ نفر است.^{۳۰}

نگهداری کودکان بی سرپرست نیز یکی از حوزه هایی است که تبعیض فاحشی در آن نمایان است. در مجموع استانهای آذربایجان جنوبی رقم مربوطه به این حوزه عدد ۲۳۵ را نشان می دهد، در حالی که این رقم در استانهای فارس نشین ۱۱۵۵ و در استانهای به ظاهر محروم ۲۸۰۶ است.

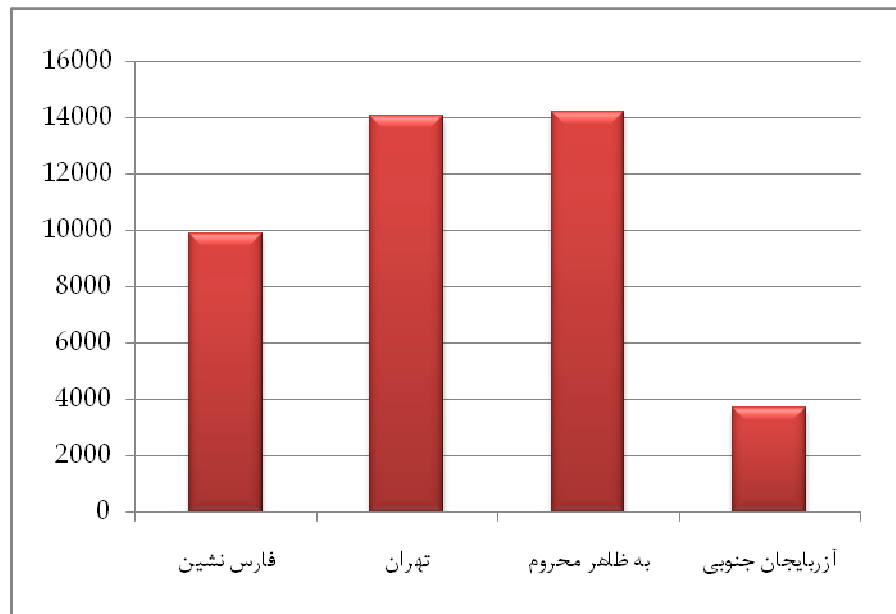
مددجویان استفاده کننده از مراکز تحت نظارت سازمان بهزیستی کشور-سالنامه آماری ۸۵، جدول ۴-۱۴

گروه استان	اقدام به خودکشی	نگهداری کودکان بی سرپرست	خدمات مهد کودک	حمایت از خانوارهای بی سرپرست	خدمات توانبخشی
فارس نشین	۳۸۳	۱۱۵۵	۱۰۸۵۳۴	۹۸۹۴	۱۶۷۷۳
تهران	۴۰۳	۱۱۵۴	۱۲۵۸۳۷	۱۴۰۷۹	۱۵۵۶۵
به ظاهر محروم	۱۰۴۳	۲۸۰۶	۷۴۸۳۹	۱۴۲۰۰	۱۲۷۷۷
آذربایجان جنوبی	۶۵۴	۲۳۵	۸۴۱۲۷	۳۷۱۰	۵۶۰۲

^{۳۰} - سالنامه آماری کشور سال ۱۳۸۵، جداول ۴-۸، ۱۴-۱۳



نمودار مقایسه ای نگهداری کودکان بی سرپرست به تفکیک گروه استانها



نمودار مقایسه ای حمایت ازخانوارهای بی سرپرست به تفکیک گروه استانها

در اقدام به خودکشی نیز که نسبت مستقیمی با وضعیت معیشتی دارد، استانهای آذربایجان جنوبی ۶۵۴ فقره اقدام به خودکشی را در سال ۱۳۸۵ تجربه کرده اند در حالی که این رقم در استانهای فارس نشین ۳۸۳ فقره است.^{۳۱}

در حوزه خدمات ارائه شده به مددجویان توسط کمیته امداد امام خمینی بر حسب مبلغ پرداخت شده^{۳۲} نیز وضعیت به منوال قبل ادامه دارد.

نام استان	طرح رجائی	طرح مددجوئی
آذربایجان جنوبی	آذربایجان شرقی	۶۸۹۴۷
	آذربایجان غربی	۵۶۶۳۳
	اردبیل	۴۶۱۹۸
	زنجان	۲۸۱۱۰
	قزوین	۴۱۵۰۱
	همدان	۵۴۴۶۶
مجموع	۲۹۵۸۵۵	۱۱۶۴۶۱۹

^{۳۱}- همان، جدول ۸-۱۳

^{۳۲}- یاری، فصلنامه مرکز اطلاع رسانی کمیته امداد امام خمینی، سال ۵، شماره ۱۹ ص ۱۱۱

نام استان	طرح رجائی	طرح مددجوئی
تهران	۴۳۲۹۲۷	۲۵۶۴۷۱۹
اصفهان	۲۰۴۴۳۷	۸۶۷۶۳۰
خراسان رضوی	۲۹۳۱۱۴	۷۰۸۶۲۹
سمنان	۲۶۶۲۴	۱۵۹۸۴۳
یزد	۹۷۱۰۲	۱۹۱۶۰۲
مجموع	۶۲۱۲۷۷	۱۹۲۷۷۰۴
ایلام	۳۹۴۱۵	۱۷۹۶۳۶
بوشهر	۳۸۱۵۴	۱۴۹۴۱۲
چهارمحال و بختیاری	۵۹۴۵۰	۱۳۹۹۳۷
سیستان و بلوچستان	۱۷۰۱۱۱	۴۷۵۲۱۱
کردستان	۸۰۵۹۷	۱۸۵۹۱۴
کرمان	۱۵۶۳۸۱	۴۲۶۲۹۸
کهکولیه و بویر احمد	۶۷۸۱۸	۱۵۲۴۹۱
لرستان	۱۱۲۳۲۲	۳۰۲۵۲۱
هرمزگان	۱۰۵۵۶۲	۲۵۹۴۸۵
مجموع	۸۲۹۸۱۰	۲۲۷۰۹۰۵

شکل ۲ خدمات ارائه شده به مددجویان توسط کمیته امداد امام خمینی بر حسب مبلغ پرداخت شده (ملیون ریال)

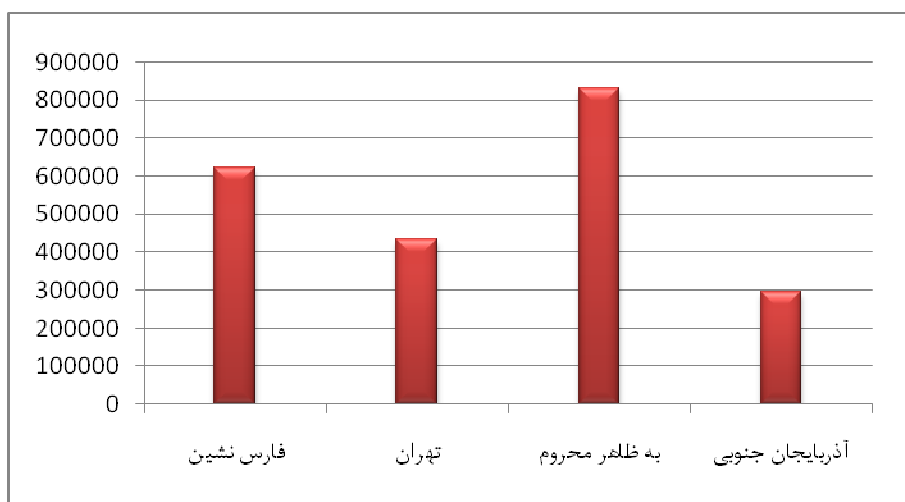
طرح رجایی (به میلیون ریال)^{۳۳}

استان همدان آذربایجان جنوبی در حالی که وضعیت اقتصادی به مراتب بدتر از استان یزد را تجربه می کند و جمعیت بیشتری نسبت به این استان دارد، سهم کمتری از طرح رجائی را به خود اختصاص داده است. استان یزد از این طرح مبلغ

^{۳۳} _ همان، ص ۱۱۱

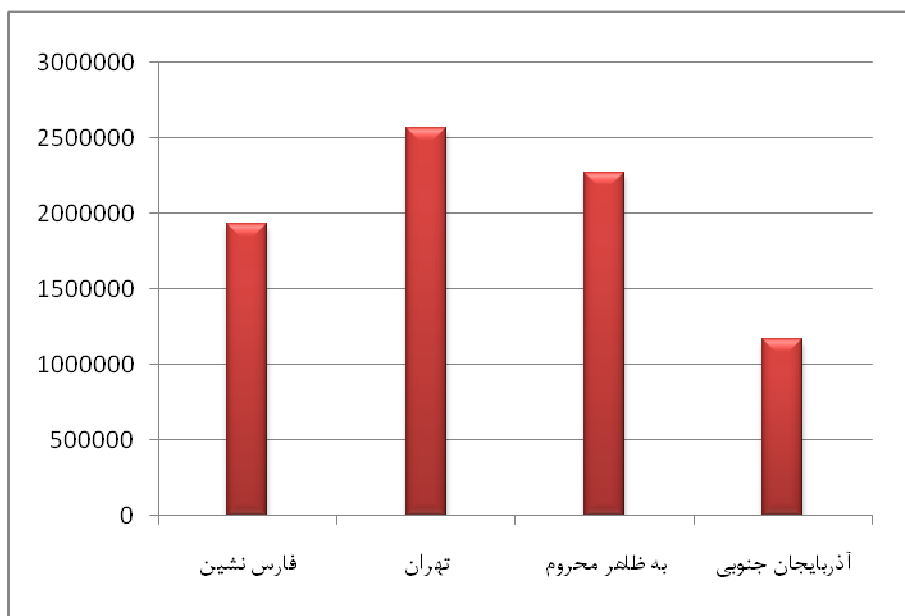
۹۷۱۰۲ ملیون ریال عائد خود کرده است در حالی که این رقم در استان همدان آذربایجان جنوبی به نسبت جمعیت یک چهارم استان یزد است.

استان اصفهان نیز سه برابر استان آذربایجان شرقی از این طرح برخوردار گردیده است. مردم استان به ظاهر محروم کرمان نیز سه برابر استان آذربایجان غربی از این طرح برخوردار شده اند.



مبلغ پرداخت شده در طرح رجائی به تفکیک گروه استانها

طرح مددجویی (به میلیون ریال)^{۳۴}



مبلغ پرداخت شده در طرح مدد جوئی به تفکیک گروه استانها

چنانچه دیده می شود سهم استانهای آذربایجان جنوبی از طرح رجایی ۲۹۵۸۵۵ میلیون ریال است. این رقم در استانهای تهران ۴۳۲۹۲۷ میلیون ریال است. استانهای به ظاهر محروم نیز از این طرح حدوداً ۳ برابر استانهای آذربایجان جنوبی سهم نصیب خود کرده اند.

اشاره کوتاهی در این حوزه به خدمات ارائه شده به مددجویان کمیته امداد امام خمینی درحوزه کمک هزینه ازدواج، وام خودکفایی و اعطای وام قرض الحسنه نیز گویای تبعیض موجود است.^{۳۵}

^{۳۴} - همان، ص ۶۱

^{۳۵} - سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۸۴، ص ۵۲۰

کمیته امداد در استان آذربایجان شرقی ۲۵۱۹ کمک هزینه تحصیل ۱۴۵۹ وام خود کفایی و ۵۴۱۴ وام قرض الحسنه در سال ۱۳۸۴ اعطا کرده است.

این رقم در استان اصفهان به ترتیب ۴۸۴۰، ۳۲۰۴، ۱۲۰۱۷ است.

نام استانها	کمک هزینه	وام خود کفایی	وام قرض الحسنه
آذربایجان جنوبی	آذربایجان شرقی	۲۵۱۹	۱۴۵۹
	آذربایجان غربی	۱۸۷۸	۲۴۲۴
	اردبیل		
	زنجان	۱۰۱۱	۵۷۷
	قزوین	۲۴۴۰	۶۸۶
	همدان	۲۴۴۶	۱۹۹۰
مجموع	۱۰۲۹۴	۷۱۳۶	۲۰۱۳۷
اصفهان	۴۸۴۰	۳۲۰۴	۱۲۰۱۷
خراسان رضوی	۴۳۷۴	۱۷۹۱	۱۸۷۸۷
یزد	۱۶۶۵	۱۴۴۴	۳۱۵۲
فارس	۴۲۸۳	۱۶۵۷	۱۰۴۸۱
مجموع	۱۵۱۶۲	۸۰۹۶	۴۴۴۳۷

خدمات ارائه شده به مددجویان کمیته امداد امام خمینی



آمار بیمه شدگان در ۶ استان آذربایجان جنوبی ۱۰/۶ درصد از سهم کل کشور است، در حالی که این رقم در استان تهران بیش از ۴ برابر یعنی ۴۶/۲ و تنها در استان اصفهان ۶/۲ و در استان خراسان رضوی ۶/۱ درصد از کل کشور را شامل میشود.

در مجموع استانهای فارس نشین ۱۵/۵ درصد از سهم کل کشور را به خود اختصاص داده اند.^{۳۶}

فصلنامه بیمه ارگان وزارت امور اقتصادی و دارایی کشور، در بخش عملکرد شرکت های بیمه دولتی در مرداد ماه ۱۳۸۷ این مطلب را تأیید می کند.

^{۳۶} - فصلنامه بیمه، عملکرد شرکت های بیمه دولتی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، مرداد ماه ۱۳۸۷، شماره ۱

گروه استانها	کل حق بیمه صادره (ملیون ریال)	سهم از کل
فارس نشین	۴۱۸۶۴۴۹	۱۵/۵
تهران	۱۲۵۴۹۳۰۷	۴۶/۲
به ظاهر محروم	۲۲۳۸۸۱۰	۸/۱
آذربایجان جنوبی	۲۸۹۰۳۸۰	۱۰/۶

کل حق بیمه صادر شده به تفکیک گروه استانها

بولتن داخلی سازمان تامین اجتماعی - بهروز- در شماره ۴۶ خود روند رشد آمار بیمه شدگان کشور به تفکیک استانها را آورده است.^{۳۷}

در مقدمه این بخش نویسنده "نبی الله ذبیح" به علل رشد این شاخص در استانهای مختلف می پردازد. وی دلیل اصلی این رشد را بهبود وضعیت اقتصادی در برخی استانهای کشور و رشد فرهنگ بیمه میداند. استانهایی که در این رشد بهترین جایگاه را کسب کرده اند بدین ترتیب است:

۱-تهران ۲- یزد ۳- سمنان ۴-اصفهان ۵- خراسان رضوی ۶-فارس

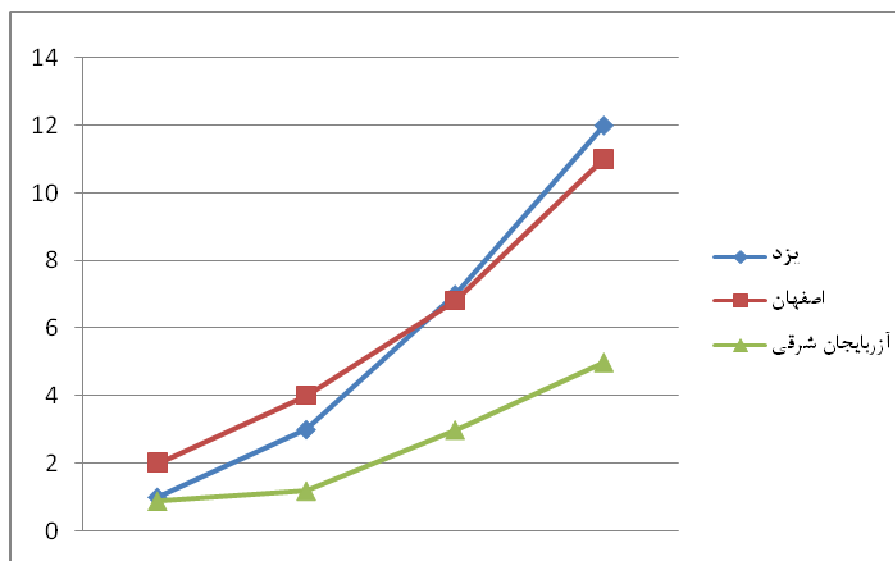
۷-مازندران ۸-کرمان

استانهای با رشد کم نیز عبارتند از استانهای:

۱-سیستان و بلوچستان ۲-همدان ۳-کردستان ۴-آذربایجان غربی ۵-اردبیل
۶-لرستان ۷-آذربایجان شرقی ۸-زنجان

چنانچه در نمودار بالا دیده میشود سیر رشد در دو استان یزد و اصفهان به هیچ وجه با بهترین استان به لحاظ وضعیت بیمه در بین استانهای آذربایجان جنوبی یعنی آذربایجان غربی به هیچ وجه قابل قیاس نیست.

^{۳۷} - بهروز، بولتن داخلی سازمان تامین اجتماعی، شماره ۴۶، بهمن ۱۳۸۴ ص ۸۹



روند رشد بیمه شدگان اختیاری از سال ۱۳۷۲-۱۳۸۲ به تفکیک سه استان

آموزش و آموزش عالی

مقایسه باسوادی^{۳۸} در استانهای مختلف کشور

بر اساس اطلاعات برگرفته از اطلس گیتا شناسی استانهای ایران در سال ۱۳۸۵ درصد باسوادی در استانهای آذربایجان جنوبی بدین ترتیب بوده است؛

نام استان	درصد باسوادی مردان	درصد باسوادی زنان	میانگین
آذربایجان شرقی	۸۲/۳	۶۸/۲	۷۵/۳
آذربایجان غربی	۷۹	۵۸/۶	۶۹
اردبیل	۸۱/۵	۶۴/۷	۷۳/۳
زنجان	۸۱/۷	۶۷/۵	۷۴/۵
قزوین	۸۶/۴	۷۶/۴	۸۱/۳
همدان	۸۳/۱	۷۱/۳	۷۷/۳
میانگین	۸۲/۳۳	۶۷/۷۸	۷۵/۱۱

^{۳۸} - خواننده محترم باید توجه داشته باشد که این اصطلاح در جغرافیایی موسوم به ایران متأسفانه معادل یاد گرفتن زبان فارسی و خواندن و نوشتن تمامی علوم از طریق این زبان می باشد و شامل زبان ملی آذربایجان جنوبی نمی باشد.

درصد باسوادی در استانهای آذربایجانی

باسوادی در استانهای فارس زبان موضوع تحقیق نیز بدین صورت است:

نام استان	درصد باسوادی مردان	درصد باسوادی زنان	میانگین
اصفهان	۸۸/۲	۸۰/۹	۸۴/۶
خراسان رضوی	۸۵/۷	۷۸	۸۱/۸
سمنان	۸۷/۸	۸۰/۵	۸۴/۵
یزد	۸۷	۷۹/۸	۸۳/۶
میانگین	۸۷/۱۷	۷۹/۸۰	۸۳/۶۲

درصد باسوادی در استانهای فارس نشین

استان اصفهان در بخش مردان ۵/۹ درصد بیشتر از آذربایجان شرقی باسواد دارد این تفاوت رقم در زنان عدد ۱۲،۷ درصد را نشان می دهد.

در حالی که تفاوت در بین ۲ استان فارس نشین اصفهان و یزد در بخش مردان فقط ۱/۲ درصد و در بخش زنان ۱/۱ درصد را نشان می دهد.

درصد باسوادی در آذربایجان شرقی حتی از استانهایی مانند ایلام ۷۶/۶، بوشهر ۸۰/۴، چهار محال بختیاری ۷۶/۹، کرمان ۷۸/۲ و بسیاری دیگر از استانهایی که آرام آرام وارد مرحله یکجانشینی می شوند نیز کمتر است!

تفاوت درصد سواد بین زنان در استانهای سمنان و اردبیل عدد ۱۵/۸ درصد را نشان می دهد. این تفاوت در استانهای فارس نشین عموماً کمتر از ۲ درصد است.

زنان آذربایجان غربی نیز تبعیضی ۲۰ درصدی را در حوزه آموزش از متوسط کشوری تحمل می کنند. در هر حال استانهای آذربایجان جنوبی که ۱۰۰ سال پیش اولین

مدرسه را به روش نوین تجربه کرده بودند، امروز بعد از یک قرن حکومت شونیسیم فارس از استانهایی چون ایلام، خراسان جنوبی، هرمزگان، کرمان و... نیز در وضعیت بدتری به سر می برد.

درصد باسوادی در ۶ استان آذربایجان جنوبی در مجموع در بخش مردان ۸۲/۳۳ و زنان ۶۷/۷۸ و به صورت میانگین ۷۵/۱۱ است. در حالی که این ارقام در ۴ استان فارس نشین به ترتیب ۸۷/۱۷، ۷۹/۸۰ و به صورت میانگین ۸۳/۶۲ است، تفاوت ها به ترتیب ۴/۸۴، ۱۲/۰۲ و به صورت میانگین ۸/۵۱ است.

نام استان	درصد باسوادی مردان	درصد باسوادی زنان	میانگین
ایلام	۸۲	۷۱	۷۶/۶
بوشهر	۸۵/۸	۷۵/۲	۸۰/۴
چهار محال و بختیاری	۸۳/۴	۷۰/۴	۷۶/۹
سیستان و بلوچستان	۶۵/۳	۴۸/۶	۵۷/۲
کردستان	۷۸/۸	۵۷/۴	۶۸/۳
کرمان	۸۱/۶	۷۴/۷	۷۸/۲
کهکولیه	۸۲/۹	۶۸/۴	۷۵/۵
لرستان	۸۰/۵	۶۸/۸	۷۴/۸
هرمزگان	۷۸/۶	۶۶/۵	۷۲/۸
میانگین	۷۹/۸۷	۶۶/۷۷	۷۳/۴

درصد باسوادی در استانهای به ظاهر محروم

بررسی مقایسه ای آمارهای موجود در حوزه آموزش عالی نشان دهنده برنامه ای مدون و تبعیض محور در این حوزه بر علیه آذربایجان جنوبی است.

در این بخش سعی می شود با متد مقایسه ای بین استانهای تورک نشین آذربایجان جنوبی و استانهای فارس نشین، تهران و استانهای به ظاهر محروم فرضیه این تحقیق به محک آزمایش سپرده شود.

آمار منتشره از سوی وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ به تفکیک به وضعیت تعداد پذیرفته شدگان، دانشجویان، دانش آموختگان و کادرآموزشی به تفکیک استانها پرداخته است.^{۳۹}

در این بخش سعی می شود ضمن مقایسه براساس متد تحقیق به صورت شهر به شهر نیز به مقایسه بپردازیم.

به همین منظور ۶ استان آذربایجان جنوبی با استانهای مشابه از لحاظ وضعیت آموزش عالی مقایسه خواهد شد.

استان آذربایجان شرقی در سالهای ۸۳-۸۲ مجموعاً ۱۰۸۵۴ نفر پذیرفته شده در مقاطع مختلف آموزش عالی به خود اختصاص داده است. این در حالی است که این رقم در استان اصفهان بیش از ۲ برابر یعنی ۲۲۶۱۷ بوده است.

در همین سال دانشجویان شاغل به تحصیل در استان آذربایجان شرقی ۳۹۶۶۱ نفر بوده است. این رقم در استان اصفهان بیش از ۲ برابر یعنی ۷۹۸۵۸ نفر بوده است.

شمار دانش آموختگان در سالهای ۸۲-۸۱ نیز در آذربایجان شرقی ۶۳۰۱ نفر بوده است. این رقم در استان اصفهان بیش از ۲ برابر و ۱۲۶۶۳ نفر بوده است.

کادر آموزشی نیز در استان آذربایجان شرقی ۲۹۱۸ نفر در سالهای ۸۳-۸۲ بوده است. این رقم در استان اصفهان عدد ۵۳۵۹ نفر را نشان می دهد.

^{۳۹} _ مینو غیائی، آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ، گروه پژوهش

های آماری و انفورماتیک، چاپ اول ۱۳۸۳، تهران، قاصدک

جمعیت آذربایجان غربی بیشتر از استان مازندران است. تعداد پذیرفته شده گان در مقاطع مختلف آموزش عالی در این استان در سال تحصیلی مزبور ۸۳۰۱ نفر بوده است. این رقم در استان مازندران در همین سال تحصیلی ۱۴۱۵۲ نفر بوده است.

تعداد دانشجویان نیز در این سال در استان آذربایجان غربی رقم ۲۹۷۰۵ نفر را نشان می دهد. این رقم در استان مازندران ۴۸۳۱۵ نفر بوده است.

تعداد دانش آموختگان در سال تحصیلی ۸۲-۸۱ در آذربایجان غربی ۳۷۱۱ نفر بوده است. در استان مازندران ۷۸۶۸ نفر در این سال تحصیلی فارغ التحصیل شده اند.

کادرآموزشی نیز در استان آذربایجان غربی ۱۷۸۵ نفر بوده است. این رقم در استان مازندران ۲۹۶۴ نفر بوده است.

۲ استان آذربایجان جنوبی یعنی اردبیل و زنجان مجموعاً ۲/۵ برابر استان کویری یزد جمعیت دارند.

مجموع پذیرفته شدگان، دانشجویان، دانش آموختگان و کادر آموزشی این ۲ استان با حدوداً ۲۲۰۰۰۰۰ نفر جمعیت تقریباً برابر با استان ۹۵۰۰۰۰ نفری یزد است.

استان همدان حدوداً ۴ برابر و استان قزوین نیز ۲ برابر استان سمنان جمعیت دارد.

تبعیض برعلیه استانهای تورک نشین آذربایجان جنوبی در این ۲ استان نیز وحشتناک است. آمارها ف کاملاً گویای تبعیض برعلیه آذربایجان جنوبی است.

سمنان	همدان	قزوین	
۵۲۴۲	۶۹۹۷	۶۳۱۳	تعداد پذیرفته شدگان
۲۱۳۹۷	۲۸۳۵۶	۲۰۲۰۸	تعداد دانشجویان
۲۶۵۳	۲۹۵۹	۲۳۸۵	تعداد دانش آموختگان
۱۴۱۹	۱۵۸۵	۱۴۲۵	تعداد کادر آموزشی

چنانچه در جدول بالا مشاهده می شود میزان دانشجو، دانش آموخته و کادر آموزشی در استان تورک نشین همدان حدوداً یک چهارم استان فارس نشین سمنان است.

در مجموع در حالی که تعداد پذیرفته شدگان در ۶ استان آذربایجان جنوبی ۳۹۵۳۰ نفر است این رقم در ۴ استان فارس نشین ۵۸۸۴۴ نفر است. حتی استانهای به ظاهر محروم نیز از استانهای آذربایجان جنوبی پذیرفته شده در مقاطع آموزشی عالی بیشتری دارند. این رقم در استانهای به ظاهر محروم ۴۱۵۹۵ نفر است.

مرکز آمار ایران در سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۶۵ ضمن اعلام نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شاخص مزیت نسبی عملکرد شهری را در حوزه دانشگاهی به این شرح اعلام کرده است:^{۴۰}

^{۴۰} - نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران، (شاخص مزیت نسبی عملکرد شهری در این سالها)

سال ۱۳۳۵

نام شهر	مزیت نسبی عملکرد	
تهران	۲۵۴/۲	شاخص کل ۱۰۰
تبریز	۱۸۰/۱	شاخص کل ۱۰۰
اصفهان	۱۲۱/۳	شاخص کل ۱۰۰

سال ۱۳۴۵

نام شهر	مزیت نسبی عملکرد	
تهران	۲۶۳/۷	شاخص کل ۱۰۰
تبریز	۱۳۷/۸	شاخص کل ۱۰۰
اصفهان	۱۳۲	شاخص کل ۱۰۰

سال ۱۳۶۵

نام شهر	مزیت نسبی عملکرد	
اصفهان	۲۷۰/۱	شاخص کل ۱۰۰
تهران	۱۹۷/۴	شاخص کل ۱۰۰
اهواز	۲۲۲	شاخص کل ۱۰۰
مشهد	۱۵۰/۱	شاخص کل ۱۰۰
تبریز	۱۴۶/۹	شاخص کل ۱۰۰

در این جدول مشخص است که چگونه رتبه شهر تبریز با ۱۸۰/۱ در سال ۱۳۳۵ به ۲۷۰/۱ در سال ۱۳۶۵ تنزل یافته است. این در حالی است که اصفهان با ۲۷۰/۱ حتی از تهران با ۱۹۷/۴ جلوتر است. در سال ۱۳۳۵ این رقم در مورد اصفهان ۱۲۱/۳ بوده است.

شاخص های آموزشی نیز در سال ۱۳۸۴ حاکی از تداوم این رتبه در سالهای آینده می باشد. شاخص آموزشی در استان آذربایجان شرقی ۰/۸۲۵ است که نه تنها قابل قیاس با استان اصفهان ۰/۸۷۷، تهران ۰/۹۰۹، خراسان ۰/۸۶۱، سمنان ۰/۸۷۱، یزد ۰/۸۷۱، قم ۰/۸۶۱، فارس ۰/۸۶۵ نیست حتی از استانهای چون ایلام ۰/۸۶۱، بوشهر ۰/۸۶۱، چهار محال ۰/۸۶۶، کهگیلویه ۰/۸۶۲، لرستان ۰/۸۳۴ و هرمزگان با ۰/۸۳۴ نیز در وضعیت بدتری به سر می برد. دیگر استانهای آذربایجان جنوبی نیز وضعیت بهتری نسبت به آذربایجان شرقی ندارند.

آذربایجان غربی بعد از سیستان و بلوچستان بدترین شاخص آموزشی را با ۰/۸۰۵ به خود اختصاص داده است. بهترین استانها به لحاظ شاخص آموزشی عبارتند از:

تهران	۰/۹۰۹
اصفهان	۰/۸۷۷
سمنان	۰/۸۷۱
یزد	۰/۸۷۱
قم	۰/۸۶۷
فارس	۰/۸۶۵
خراسان	۰/۸۶۱

به طوری که ملاحظه می شود همه این استانها فارس زبان اند.

رتبه استانهای آذربایجان جنوبی نیز در قعر جدول به ترتیب عبارتند از؛

آذربایجان جنوبی	۲	آذربایجان غربی	۰/۸۰۵
	۴	آذربایجان شرقی	۰/۸۲۵
	۵	زنجان	۰/۸۲۹
	۶	اردبیل	۰/۸۳۱
	۷	همدان	۰/۸۴۰

قزوین به دلیل نزدیکی به تهران و سرریز دانشجو به شهرهای مجاور وضعیت نسبتاً خوبی برخوردار است. این آمار حاکی از این است که استانهای آذربایجان جنوبی بدترین وضعیت را در شاخص آموزشی داراست. از ۷ استان انتهای جدول ۵ رده به استانهای آذربایجان جنوبی اختصاص یافته است.^{۴۱}

شاخص آموزشی، به نقل از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری دفتر برنامه ریزی و مدیریت اقتصاد کلان (سابق)

۰/ ۸۲۵	آذربایجان شرقی
۰/ ۸۰۵	آذربایجان غربی
۰/ ۸۳۱	اردبیل
۰/ ۸۷۷	اصفهان
۰/ ۸۶۱	ایلام
۰/ ۸۶۱	بوشهر
۰/ ۹۰۹	تهران
۰/ ۸۶۶	چهارمحال
۰/ ۸۶۱	خراسان
۰/ ۸۶۵	خوزستان
۰/ ۸۲۹	زنجان
۰/ ۸۷۱	سمنان
۰/ ۷۸۲	سیستان
۰/ ۸۶۵	فارس
۰/ ۸۷۸	قزوین
۰/ ۸۶۷	قم

^{۴۱} -برنامه، شماره ۲۷۵ - ص ۸، به نقل از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری دفتر برنامه ریزی و مدیریت اقتصاد کلان (سابق)

۰/ ۸۱۱	کردستان
۰/ ۸۴۵	کرمان
۰/ ۸۴۹	کرمانشاه
۰/ ۸۶۲	کهکیلویه و بویر احمد
۰/ ۸۴۲	گلستان
۰/ ۸۴۳	گیلان
۰/ ۸۳۴	لرستان
۰/ ۸۵۰	مازندران
۰/ ۸۳۵	مرکزی
۰/ ۸۳۴	هرمزگان
۰/ ۸۴۰	همدان
۰/ ۸۷۱	یزد

در مورد دانشگاه ها نیز چنین وضعیتی وجود دارد. آموزشکده های فنی و حرفه ای، دانشگاه های علوم پزشکی و... نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

در این قسمت به مقایسه دانشگاه های صنعتی و آموزشکده های فنی و حرفه ای می پردازیم.

این مسئله از آن جهت حائز اهمیت است که با سطح صنعت در استانها رابطه مستقیمی دارد.

جدول ۲-۴ آمار آموزش عالی ایران- سال تحصیلی ۸۳-۸۲ نشان می دهد که در کل ۶ استان آذربایجان جنوبی فقط یک دانشگاه صنعتی وجود دارد.

این دانشگاه در مقاطع

کاردانی ۰، کارشناسی ۱۰۱۷، کارشناسی ارشد ۱۳۰، دکترای حرفه ای ۰، دکترای تخصصی ۳ و در مجموع ۱۱۵۰ نفر دانشجو وجود دارد.

این دانشگاه تنها دانشگاه صنعتی در آذربایجان جنوبی است. در حالی که شاهرود با جمعیتی حدوداً ۲۰۰ هزار نفر دانشگاه صنعتی دارد که به لحاظ بزرگی و ظرفیت به مراتب بزرگتر از دانشگاه صنعتی سهند تبریز است.

این دانشگاه در مناطق کاردانی ۳۹۸، کارشناسی ۴۵۲۳، کارشناسی ارشد ۲۰۱، دکترای حرفه ای ۰، دکترای تخصصی ۴۳ و در مجموع ۵۱۲۶ نفر دانشجو می پذیرد.

طبق این آمار مشخص است که حتی شهری مانند شاهرود که تا قبل از سلطه شونیسف فارس روستایی ۳ هزار نفری بوده است از تبریزی با جمعیت ۴۰۰ هزار نفر در همین زمان رشد و پیشرفت بیشتری را کرده است. مجموع دانشجویان صنعتی در این شهر صنعتی ۵ برابر کل استانهای آذربایجان جنوبی است.

این رقم در استان اصفهان ۸ برابر ۶ استان آذربایجان جنوبی است.

به مقایسه دانشجو در استان اصفهان و کل ۶ استان آذربایجان جنوبی توجه کنید :

دانشجو در مقطع کارشناسی استان اصفهان ۶۸۱۳ یعنی ۷ برابر کل آذربایجان جنوبی

دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد استان اصفهان ۱۵۰۶ یعنی ۱۲ برابر کل آذربایجان جنوبی

دکتری تخصصی استان اصفهان ۲۷۳ یعنی ۹۱ برابر کل آذربایجان جنوبی

در مورد آموزشکده های فنی و حرفه ای نیز این تبعیض فاحش وجود دارد.

اردکان شهر رئیس جمهوری دموکرات و اصلاح طلب! خاتمی، حدوداً ۶۰ هزار نفر جمعیت دارد. این شهر ۸۹۳ دانشجو در آموزشکده های فنی و حرفه ای را برای ورود در بخش صنعت آموزش می دهد.

اردبیل با نیم میلیون نفر جمعیت ۱۱۷۰ دانشجو در این حوزه داراست.

این رقم نسبت به جمعیت تبعیضی حدوداً ۱۰ برابری را نشان می دهد.

جمعیت شهر زنجان برابر با یزد است. یزد ۲۴۹۶ دانشجوی فنی و حرفه ای را دارد در حالی که زنجان ۱۳۲۰ نفر دانشجوی فنی و حرفه ای را داراست.

مقایسه همدان با کرمان نیز تفاوت فاحشی ۵ برابر را بین این استانها به نفع استان کرمان را نشان می دهد.

این رقم در استان کرمان ۴۴۹۲ نفر است. در حالی که استان همدان ۸۰۱ نفر دانشجو را داراست.

آذربایجان غربی نیز نصف شهر شیراز دانشجوی فنی و حرفه ای دارد.

پارک های علم و فن آوری

پارک های علم و فن آوری طرحی است برای آینده که قطب های علمی را در مناطق مختلف کشور شکل خواهد داد.

بررسی چگونگی تقسیم این مراکز در استانهای کشور نشان می دهد که رژیم فارس سعی دارد با تمرکز این مراکز در استانهای فارس نشین رابطه ای بین صنعت، فن آوری و مسئله مهاجرت در این مناطق به وجود آورد.

به عنوان مثال تمام مراکز تحقیقاتی و جدید در دهه های اخیر در شهرهای فارس نشین اعم از تهران، اصفهان، یزد، مشهد، شیراز قرار گرفته است، از این جمله می توان به مراکز تحقیقات رویان، رانا، پارس و... در اصفهان و دیگر شهرهای فارس نشین اشاره کرد.

استانهای آذربایجان جنوبی هیچ سهمی در این مراکز ندارند، به نظر می رسد طبق نظریه مرکز- پیرامون استانهای آذربایجان جنوبی فقط وظیفه تأمین مواد خام و محصولات غیر استراتژیک غیر پیچیده را برعهده دارند.

این مسئله به تداوم رابطه استعماری مرکز پیرامون ادامه می دهد و از طرف دیگر به دلیل رشد صنعتی در استانهای فارس روند مهاجرت ملت آذربایجان جنوبی به شهرهای کویری فارس را تسریع می کند.

در کل استانهای آذربایجان جنوبی تنها ۲ پارک علم و فن آوری در آذربایجان شرقی با اعتبار ۷/۵٪ سهم از اعتبار کل و آذربایجان غربی با ۰/۳٪ از کل اعتبار در این بخش در حال احداث است.

این رقم تنها در اصفهان ۲۷/۲، در استان یزد ۷/۴، خراسان رضوی ۹/۱، فارس ۱۲/۵ و پردیس ۷/۵ است.

در مجموع در ۶ استان آذربایجان جنوبی این رقم ۷/۸ است، در حالی که در استانهای فارس نشین این رقم ۹۱/۸ است که در ۸ استان فارس نشین تحقق پیدا خواهد کرد. کردها با ۰/۴ در انتهای جدول قرار دارند.^{۴۲} این ارقام تبعیض فاحش ۱۲ برابری در

حوزه سرمایه گذاری در بخشهای زیربنایی علم و فن آوری بر علیه آذربایجان جنوبی
و به نفع قوم حاکم در صد سال اخیر را نشان می دهد.

سهم از کل	جمع اعتبارات	سهم از کل	اعتبار سرمایه ای	سهم از کل	اعتبار هزینه ای	
۱۰۰	۱۱۶۱۷۷۰	۱۰۰	۷۷۷۹۳۳	۱۰۰	۳۸۳۸۳۷	جمع
۲۷/۲	۳۱۶۴۲۶	۲۹/۴	۲۲۸۸۳۱	۲۲/۸	۸۷۵۹۵	شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان
۲/۲	۲۵۷۱۵	۹/۰	۷۲۷۸	۴/۸	۱۸۴۳۷	پارک علم و فناوری سمنان
۴/۸	۵۵۵۹۷	۳/۹	۳۰۷۰۷	۶/۵	۲۴۸۹۰	پارک علم و فناوری مرکزی
۶/۰	۶۹۱۵۵	۵/۳	۴۰۹۷۴	۷/۳	۲۸۱۸۱	پارک علم و فناوری گیلان
۷/۴	۸۵۶۲۸	۷/۱	۵۵۰۴۸	۸/۰	۳۰۵۸۰	پارک علم و فناوری یزد
۷/۵	۸۷۶۰۵	۷/۷	۶۰۲۶۵	۷/۱	۲۷۳۴۰	پارک علم و فناوری آذربایجان شرقی
۹/۱	۱۰۵۲۸۸	۷/۵	۵۸۵۹۴	۱۲/۲	۲۶۶۹۴	پارک علم و فناوری خراسان رضوی
۱۲/۵	۱۴۴۸۱۰	۱۳/۴	۱۰۴۴۰۱	۱۰/۵	۴۰۴۰۹	پارک علم و فناوری فارس
۷/۵	۸۷۶۳۵	۹/۸	۷۶۵۲۱	۲/۹	۱۱۱۱۴	پارک علم و فناوری پردیس
۱/۲	۱۴۲۸۰	۱/۳	۹۸۱۰	۱/۲	۴۴۷۰	پارک علم و فناوری دانشگاه تهران
۱/۴	۱۶۱۴۲	۱/۶	۱۲۲۰۰	۱/۰	۳۹۴۲	پارک علم و فناوری دانشگاه تربیت مدرس

۱۲/۵	۱۴۵۷۳۱	۱۱/۹	۹۲۳۰۴	۱۳/۹	۵۳۴۲۷	مرکز بین المللی تحقیقات علوم و فناوری پیشرفته
۰/۳	۳۵۷۲	—	—	۰/۹	۳۵۷۲	پارک علم و فناوری اورمیه
۰/۴	۴۱۸۶	۰/۱	۱۰۰۰	۰/۸	۳۱۸۶	پارک علم و فناوری کرمانشاه

اعتبارات مصوب هزینه ای و تملک دارایی های سرمایه ای پارک های علم و فن آوری سال ۱۳۸۶
(ارقام به میلیون ریال)

در بخش آخر این قسمت به مقایسه شمار دانش آموختگان در آموزش عالی به ۱۰۰
هزار نفر هر استان در سال ۱۳۸۰ می پردازیم؛^{۴۳}

آذربایجان شرقی در هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۱۱۷ دانشجو دارد.

اصفهان در هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۷۰۸ دانشجو دارد.

سمنان در هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۶۳۶ دانشجو دارد.

کرمان در هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۱۸۸ دانشجو دارد.

گیلان در هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۲۷۶ دانشجو دارد.

مازندران در هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۳۱۴ دانشجو دارد.

یزد در هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۶۵۳ دانشجو دارد.

آذربایجان شرقی در این مقایسه بهترین استان در گروه استانهای آذربایجان جنوبی
است.

^{۴۳} - علی رضا علوی تبار ، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد ۲، تهران ۱۳۸۰، ص ۵۱

استان های آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان و همدان با ۸۹۲، ۷۲۲، ۸۱۳ و ۸۰۰ دانشجو در هر ۱۰۰ هزار نفر در قعر جدول قرار دارند.

متوسط دانشجو در هر ۱۰۰ هزار نفر در این ۴ استان ۸۰۶/۷ نفر دانشجو است، در حالی که این رقم در استان سمنان ۱۶۳۶ و یزد ۱۶۵۳ یعنی ۲ برابر است.

مسئله تحصیلات در حوزه آموزشی عالی یکی از مؤلفه های توسعه اجتماعی است. ضریب توسعه اجتماعی در استانها^{۴۴} نیز این رابطه را نشان می دهد. ضریب توسعه در استان:

آذربایجان شرقی	←	۰/۳۸۸	اصفهان	←	۰/۶۱۶
آذربایجان غربی	←	۰/۱۵۰	فارس	←	۰/۴۶۷
همدان	←	۰/۳۰۴	گیلان	←	۰/۴۲۲
زنجان	←	۰/۳۲۴	یزد	←	۰/۶۱۵
اردبیل	←	۰/۲۱۲	سمنان	←	۰/۵۶۵
قزوین	←	-	قم	←	۰/۵۵۱

تمامی استانهای فارس در این درجه بندی در بالای جدول قرار دارند.

کرمان	۰/۳۹۴
مازندران	۰/۳۹۶
مرکزی	۰/۴۰۸
گیلان	۰/۴۲۲
خراسان	۰/۴۵۰
فارس	۰/۴۶۷
قم	۰/۵۵۱
سمنان	۰/۵۶۵

^{۴۴} - همان، ص ۴۷

یزد
اصفهان
تهران
این استانها به ترتیب و بدون حتی ۱ فاصله در بهترین وضعیت در جدول به سر می برند.

استانهای آذربایجان جنوبی نیز تماماً در قعر این جدول قرار دارند.

شمار دانش آموختگان در آموزش عالی به ۱۰۰ هزار نفر^{۴۵}

۱۱۱۷	آذربایجان شرقی
۸۹۲	آذربایجان غربی
۷۲۲	اردبیل
۸۱۳	همدان
۸۰۰	زنجان
.....	قزوین
۱۷۰۸	اصفهان
۷۵۰	ایلام
۸۲۰	بوشهر
۳۴۶۷	تهران
۸۹۲	چهارمحال
۱۰۹۸	خراسان
۹۴۱	خوزستان
۱۶۳۶	سمنان
۴۷۶	سیستان
۱۲۵۳	فارس

^{۴۵} همان، ص ۵۱

۹۲۵	قم
۵۳۷	کردستان
۱۱۸۸	کرمان
۸۷۱	کرمانشاه
۷۵۷	کهکیلویه و بویر احمد
۱۲۷۶	گیلان
۷۴۲	لرستان
۱۳۱۴	مازندران
۱۰۱۹	مرکزی
۱۶۵۳	یزد

توزیع تعداد پذیرفته شدگان (۸۲-۸۳)، دانشجویان (۸۲-۸۳)، دانش آموختگان (۸۲)-

(۸۱)، کادر آموزشی (۸۲-۸۳) به تفکیک گروه استان^{۴۶}

نام گروه استان	پذیرفته شده ۸۳- ۸۲	دانشجویان ۸۳- ۸۲	دانش آموختگان ۸۲- ۸۱	کادر آموزشی ۸۳-۸۲
فارس نشین	۵۸۸۴۴	۲۰۴۳۴۴	۳۱۹۳۶	۱۲۹۴۰
تهران	۴۹۰۵۸	۱۹۴۷۰۲	۳۳۲۱۱	۲۱۰۲۵
به ظاهر محروم	۴۱۵۹۵	۱۴۹۷۵۴	۱۹۵۵۰	۹۴۵۶
آذربایجان جنوبی	۳۹۵۳۰	۱۴۴۶۴۹	۱۹۵۶۰	۹۵۰۷

^{۴۶} مینو غیاثی، پیشین، جدول ۳-۵، ص ۱۶۹

ف رهنک

تعداد مراکز فرهنگی نشان از سرمایه گذاری دولت در بخش فرهنگ در استانهای مختلف دارد.

اطلاعات بر گرفته از بولتن معاونت عمرانی وزارت ارشاد حاکی از این است که سرمایه گذاری در بخش های عمرانی و زیربنایی در این حوزه در مناطق فارس نشین به صورت فاحشی بیشتر از سایر مناطق کشور است.^{۴۷}

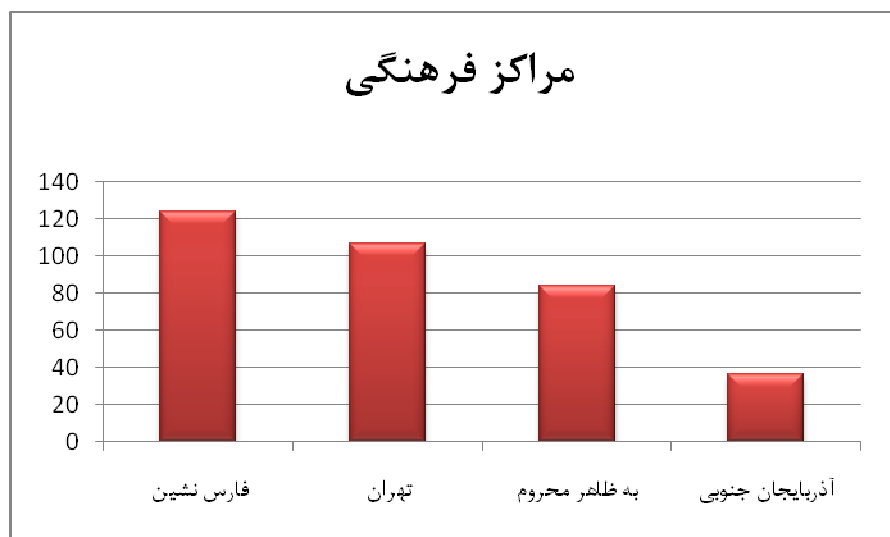
در کل استانهای آذربایجان جنوبی مراکز فرهنگی حتی به عدد ۴۰ نیز نمیرسد در حالی که این رقم در استان خراسان رضوی عدد ۶۳ را نشان میدهد. این مسئله گویای

^{۴۷} - سامان ، بولتن داخلی معاونت عمرانی وزارت ارشاد، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۱ شماره ۱۱ ص ۱۵

تبعیض فاحش در حوزه زیر ساخت های مراکز فرهنگی نسبت به استانهای آذربایجان جنوبی است.

گروه استان	مرکز فرهنگی	اعضا	کتب
فارس نشین	۱۲۴	۸۰۰۰۰	۱۶۰۵۰۰۰
تهران	۱۰۷	۱۴۷۰۰۰	۱۶۸۹۰۰۰
به ظاهر محروم	۸۴	۵۰۰۰۰	۸۶۷۰۰۰
آذربایجان جنوبی	۳۶	۴۸۰۰۰	۷۷۴۰۰۰

جدول ۱ تعداد مراکز فرهنگی، اعضا و کتب به تفکیک گروه استانها



نمودار مقایسه ای تعداد مراکز فرهنگی به تفکیک گروه - استانها

در حوزه کتابخانه و سینما نیز وضعیت تبعیض آمیزی وجود دارد.

ذکر این مطلب در اینجا ضروری است که بسیاری از سینماهای موجود در آذربایجان جنوبی سالهای متمادی است که تعطیلند.

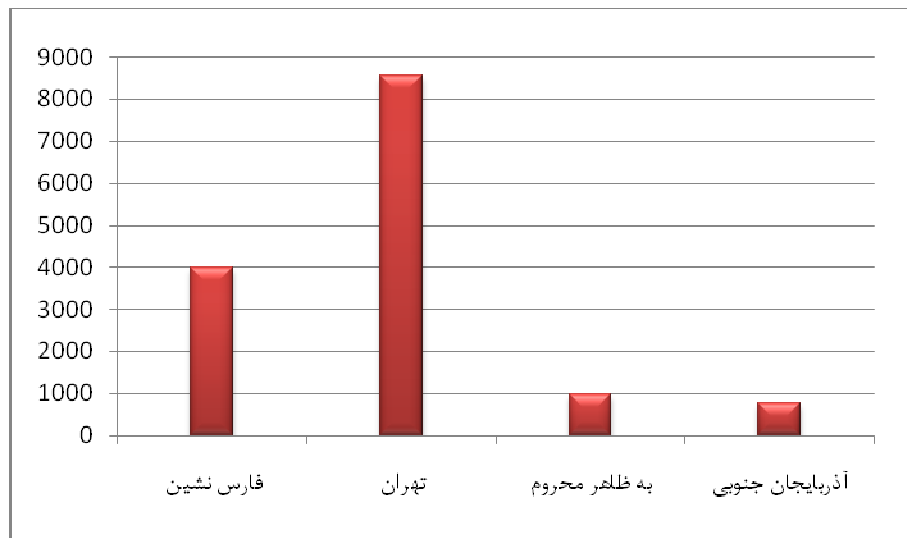
نام استان	کتابخانه	سینما
آذربایجان جنوبی	آذربایجان شرقی	۴۷
	آذربایجان غربی	۱۶
	اردبیل	۱۳
	زنجان	۱۸
	قزوین	۱۷
	همدان	۲۱
مجموع		۱۱۰
اصفهان		۱۰۳
خراسان رضوی		۱۱۲
سمنان		۲۰
یزد		۷۲
مجموع		۳۰۷
		۴۴۵

تعداد سینما و کتابخانه در گروه استان فارس نشین و آذربایجان جنوبی

تماشاچی سینما^{۴۸}

تماشاچی سینما	نام استان	تماشاچی سینما	نام استان	تماشاچی سینما	نام استان	تماشاچی سینما	نام استان
۴۷	ایلام	۸۵۴۷	تهران	۱۷۱۶	اصفهان	۲۲۹	آذربایجان شرقی
۳۲	بوشهر			۱۳۹۴	خراسان رضوی	۱۲۵	آذربایجان غربی
۶۸	چهارمحال بختیاری			۳۴۲	سمنان	۵۳	اردبیل
۱۲۹	سیستان و بلوچستان			۵۴۱	یزد	۷۱	زنجان
۱۰۹	کردستان					۱۲۷	قزوین
۲۲۵	کرمان					۱۶۵	همدان
۳۸	کهکولیه و بویر احمد						
۱۵۲	لرستان						
۱۶۸	هرمزگان						
۹۶۸	مجموع	۸۵۴۷	مجموع	۳۹۹۳	مجموع	۷۷۰	مجموع

^{۴۸} همان، شماره ۱۴، ص ۳۸



نمودار مقایسه ای تماشاچی سینما به تفکیک گروه-استانها

امروز در اغلب شهرهای آذربایجان جنوبی سینما، خانه های تئاتر و مراکز فرهنگی برای جوانان وجود ندارد. تعداد سینماها، مراکز فرهنگی، خانه های تئاتر و... در آذربایجان جنوبی قابل مقایسه با مناطق فارس نشین نیست، این در حالی است که نوشتن اولین نمایشنامه، رمان و اجرای اولین تئاتر همگی در آذربایجان جنوبی بوده است.

روزی تبریز دارای بزرگترین مرکز تئاتر خاورمیانه یعنی تالار شیرخورشید در کنار ارک بود این مرکز در زمان حکومت ملی (۱۳۲۵-۱۳۲۴) ایجاد شده و توسط رژیم^{۴۹} جمهوری اسلامی به ویرانه تبدیل شد، همه روزه بزرگترین نمایشنامه های شرق در این تالار به صحنه می رفت. آذربایجان که بانی تئاتر در دنیای اسلام بود و روزی

^{۴۹} - باید توجه داشت که هیچ کدام از رژیم های سیستم دولت ملت راسیستی فارس (شاهنشاهی، اسلامی، جمهوریو ...) فرق ماهوی با یکدیگر ندارند.

سینمایش با فیلم های مشهدی عباد، آرشین مال آلان و... زبانزد خاص و عام بود
امروز فاقد سینمای ملی به زبان تورکی است.

م عدن و نفت

استانهای آذربایجان جنوبی از غنی ترین مناطق به لحاظ معدنی در خاورمیانه هستند.

نفت در آذربایجان جنوبی از منابع عظیم دست نخورده‌ای است که در صورت سرمایه گذاری می تواند از منابع مهم برای توسعه و نوسازی در آذربایجان جنوبی باشد.

رژیم فارس به دلیل اینکه اکتشافات و استخراج نفت در این منطقه می تواند به طور مستقیم موجب شکل گیری اندیشه خودکفایی اقتصادی در آذربایجان جنوبی شود، از سرمایه گذاری در این بخش اجتناب ورزیده است.

معادن نفت در بلوک های نفتی مغان ۱ و مغان ۲ با ذخایر ۴ میلیارد بشکه می تواند با مصرف فعلی ۱۰۰ سال نیاز داخلی را تأمین کند.

پاره ای از حوزه های موجود در دریای خزر نیز در محدوده جغرافیایی و روبروی سواحل آذربایجان جنوبی قرار گرفته، و یا مشترک با همسایه برادر آذربایجان شمالی است. از این مورد می توان به حوزه آراز-آلوو-شرق(البرز) اشاره کرد.

بر طبق برآوردهای اولیه این معادن ۲۰ میلیارد بشکه نفت درجا دارد که در صورت وجود دولت ملی آذربایجان جنوبی و بهره برداری بهینه از آن میتواند اقتصاد کشور آذربایجان جنوبی را دگرگون نماید.

برای حصول یک شمای کلی می توان سهم آذربایجان جنوبی از این ذخایر را به قیمت روز محاسبه کرد.

اگر قیمت نفت را ۵۰ دلار در نظر بگیریم و سهم آذربایجان جنوبی از این حوزه ۱۰ میلیارد بشکه باشد یک حساب سرانگشتی نشان می دهد که فقط از این منبع می توان ۵۰۰ میلیارد دلار درآمد کسب کرد.

خاطر نشان می شود که در بسیاری از نقاط آذربایجان جنوبی امکان وجود چنین معادنی بسیار محتمل است. اما هیچ گونه اکتشافی توسط رژیم فارس انجام نمی گیرد.

بخش معدن در آذربایجان جنوبی نیز بسیار غنی و به لحاظ ژئواکونومیکی بسیار استراتژیک است.

ظرفیت معدن آلومینای سراب ۴ میلیارد تن می باشد که از نظر کارشناسان هیچ نوع پس ماندی ندارد و علاوه بر ماده اولیه آلومینیوم، سیمان، منیزیم و چندین نوع داده شیمیایی دیگر نیز می توان از آن استخراج کرد به نحوی که تمام موجودی این معدن قابل استفاده می باشد.

بررسی های کارشناسی نشان می دهد از این معدن می توان سیصد میلیون تن شمش آلومینا بدست آورد. هر تن شمس آلومینیوم در بازار فعلی جهان بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار به فروش می رسد. با استخراج سیصد میلیون تن آلومینیوم از این معدن می توان درآمدی به مقدار ۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار کسب کرد. علاوه بر این تنها از یک ماده معدن یعنی سیمان که همزمان با استخراج آلومینا بدست می آید فقط در فاز اول هشت میلیون تن سیمان قابل برداشت است. این مقدار را می توان با قدیمی ترین کارخانه سیمان آذربایجان جنوبی (سیمان صوفیان) با ظرفیت ۱/۵ میلیون تن در سال مقایسه کرد. این مقایسه بزرگی و عظمت این معدن را نشان می دهد.

نفت مغان و خزر، آلومینای سراب، مس سونگون قاراداغ، معادن طلای زرشوران و آغ دره خاروانا و تیکان تپه، سنگ های ساختمانی بی نظیر در بسیاری از نقاط آذربایجان جنوبی، خاک چینی مرنند، معدن سنگ آهن بیجار، زغال سنگ مراغه و هزاران معدن بزرگ و کوچک دیگر تنها بخش کوچکی از ثروت طبیعی سرزمین مان است.

بررسی سرمایه گذاری های انجام گرفته در بخش معدن در آذربایجان جنوبی نشان می دهد که در این حوزه تبعیض های فراوانی بر علیه آذربایجان جنوبی انجام می گیرد.

در این حوزه یا سرمایه گذاری انجام نمی شود و اگر اجباراً چنین اتفاقی افتاد این سرمایه گذاری در بخش استخراج و برای استعمار منابع است. به هیچ وجه در بخش های جانبی سرمایه گذاری انجام نمی شود. به عنوان مثال می توان به معدن مس سونگون اشاره کرد. کنسانتره استحصال شده از این معدن به کرمان منتقل می شود و رژیم فارس حاضر نیست سرمایه گذاری در بخش های جانبی این حوزه انجام دهد.

استانهای آذربایجان جنوبی با اینکه غنی ترین مناطق معدنی ایران را تشکیل می دهند از لحاظ سرمایه گذاری در این بخش در پایین ترین قسمت قرار دارند.

اطلاعات برگرفته از سالنامه آماری سال ۱۳۷۲ و سال ۱۳۸۴ مرکز آمار ایران و اطلس گیتا شناسی سال ۱۳۸۵ نشان می دهد استان های فارس نشین رتبه های زیر را در بخش معدن به خود اختصاص داده اند.^{۵۰}

نام استان	ارزش سرمایه گذاری	رتبه کشوری	درصد از کل
آذربایجان شرقی	۱۸۶۲۲	۱۶	۱/۵
آذربایجان غربی	۶۰۲۴۳	۱۷	۱
اردبیل	۱۰۴۱۵	۲۴	۰/۲
زنجان	۳۱۱۵۱	۱۸	۰/۹
قزوین	۲۴۴۸۷	۱۷	۰/۹
همدان	۹۸۳۰	۲۰	۰/۵
مجموع	۱۵۴۷۴۸	-	۵

نام استان	ارزش سرمایه گذاری	رتبه کشوری	درصد از کل
تهران	۶۲۴۰۱	۵	۵/۸

^{۵۰} -اطلس گیتا شناسی استانهای ایران، سال ۱۳۸۵، ص ۲۸. همچنین رک سالنامه آماری ۱۳۷۲، ۱۳۸۴.

نام استان	ارزش سرمایه گذاری	رتبه کشوری	درصد از کل
اصفهان	۱۴۲۳۷۹	۲	۱۰/۲
خراسان رضوی	۷۳۸۵۰	۱۱	۳/۶
سمنان	۳۴۳۶۸	۹	۳/۸
یزد	۱۹۸۵۴۱	۳	۹/۲
مجموع	۴۴۹۱۳۸	—	۲۶/۸

چنانچه مشخص است استانهای آذربایجان جنوبی به لحاظ سرمایه گذاری در وضعیت نامناسبی به سر می برند.

استان همدان آذربایجان جنوبی در حالی فقط ۰/۵ درصد سرمایه گذاری در بخش معدن را در کل کشور داراست که استان یزد در این حوزه ۱۸ برابر همدان سرمایه گذاری توسط منابع دولتی جذب کرده است. سرمایه گذاری در این بخش در استان زنجان نیز یک یازدهم استان اصفهان است.

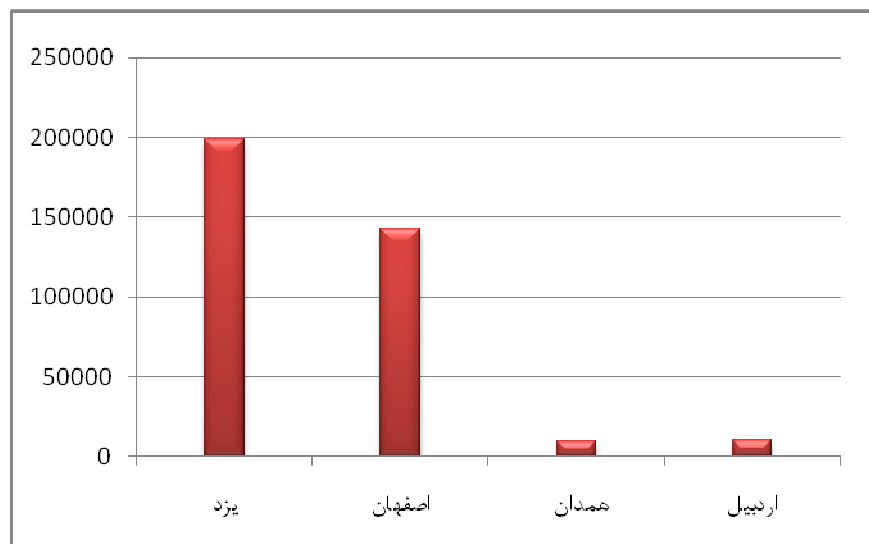
ارزش افزوده (میلیون ریال)^{۵۱}

در حوزه ارزش افزوده معادن نیز معادن استانهای فارس نشین چهار برابر معادن استانهای آذربایجان جنوبی ارزش افزوده داشته اند. تنها استان یزد دو برابر شش استان آذربایجان جنوبی در این حوزه ارزش افزوده کسب کرده اند.

^{۵۱}-سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۸۴، ص ۲۴۳

نام استان	ارزش افزوده	نام استان های آذربایجان جنوبی	ارزش افزوده
اصفهان	۵۶۷۲۴۱	آذربایجان شرقی	۱۳۲۰۸۷
خراسان رضوی	۳۴۷۴۳۱	آذربایجان غربی	۱۴۴۹۸۹
سمنان	۲۲۰۶۹۰	اردبیل	۲۰۴۵۱
یزد	۹۸۷۱۵۴	زنجان	۴۰۰۰۰
مجموع	۲۱۲۲۵۱۶	قزوین	۴۱۲۵۲
		همدان	۶۷۴۸۰
		مجموع	۴۴۶۲۵۹

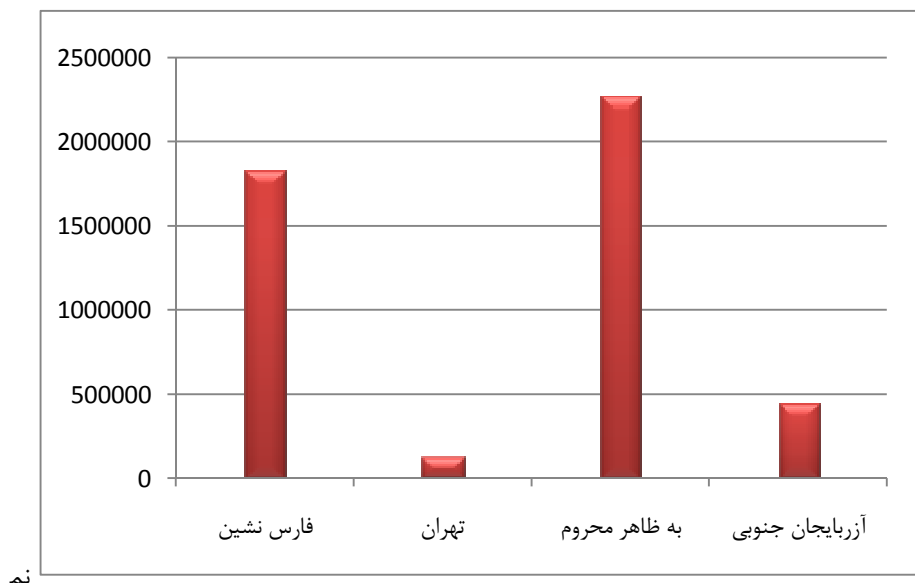
نام استان	ارزش افزوده
تهران	۲۵۷۰۱۹



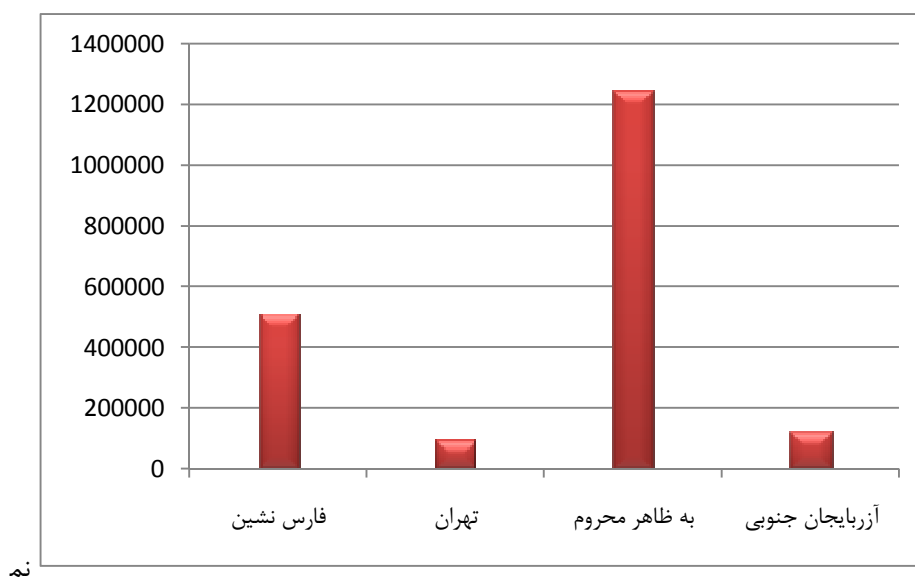
نمودار مقایسه ای ارزش سرمایه گذاری در بخش معدن به تفکیک چند استان

تعداد شاغلین و ارزش تولیدات معادن در حال بهره برداری ایران سال
۵۲۱۳۸۰

نام گروه - استان	تعداد معدن	تعداد شاغلان	ارزش تولیدات	ارزش سرمایه گذاری
فارس نشین	۷۳۰	۱۷۱۸۷	۱۸۲۴۷۵۹	۴۴۹۱۳۸
تهران	۹۴	۱۱۹۸	۱۲۴۲۷۲	۶۲۴۰۱
به ظاهر محروم	۶۳۸	۱۷۲۴۳	۲۲۶۴۴۶۸	۱۳۸۲۵۶۳
آذربایجان جنوبی	۶۶۶	۵۰۰۷	۴۴۹۱۳۰	۱۵۴۷۴۸



ودار مقایسه ای ارزش تولیدات معادن در حال بهره برداری در سال ۱۳۸۰ به تفکیک گروه استانها



ودار مقایسه ای ارزش سرمایه گذاری معادن در حال بهره برداری در سال ۱۳۸۰ به تفکیک گروه استانها

شرکتهای تعاونی معدن و شرکتهای تامین نیاز تولید کنندگان (بر حسب سرمایه) در پایان اسفند ۸۵^{۵۳}

نام گروه - استان	سرمایه شرکت های تعاونی معدن	سرمایه شرکت های تامین نیاز تولید کنندگان معدن
فارس نشین	۳۰۳۷۲	۱۰۹۲۹۶
تهران	۱۸۱۳۹	۲۷۵۳۹۹۱
به ظاهر محروم	۲۹۸۵۵	۹۳۵۱۲
آذربایجان جنوبی	۹۷۷۲	۳۰۴۶۸



نمودار مقایسه ای سرمایه شرکت های تعاونی معدن به تفکیک گروه - استانها

^{۵۳} وزارت تعاون، معاونت طرح و برنامه، دفتر آمار اطلاعات، اسفند ۸۵

م سکن و شهرسازی

رکود در بازار مسکن نیز در استانهای آذربایجان جنوبی قابل توجه است.

بر اساس جدول ۳-۹ سالنامه آماری ۱۳۸۵ در استان آذربایجان شرقی کلاً ۹۲۷۱ پروانه ساختمانی صادر شده است. این در حالی است که در استان اصفهان این رقم ۲۰۵۲۳ یعنی بیشتر از ۲ برابر است. و در تهران ۲۲۴۴۶ است. حجم پروانه های استان تهران در صورت در نظر گرفتن تعداد واحدهای موجود در یک ساختمان و انبوه سازی، بسیار بیشتر از این رقم است.

این رقم در استان کرمان با جمعیتی کمتر از آذربایجان غربی ۳۱۲۵۵ است.

این رقم در استان اردبیل ۳۹۳۶ و در استان زنجان ۴۳۱۷ است. در حالی که در استان یزد ۵۵۶۲ پروانه ساختمانی صادر شده است.

استان همدان حدوداً ۴ برابر استان سمنان جمعیت دارد. پروانه ساختمانی صادر شده در این استان ۳۶۵۶ است در حالی که این رقم در استان سمنان ۲۰۰۳ است. این رقم به نسبت جمعیت حتی در بعضی استان های گروه ۴ نیز بیشتر از استانهای آذربایجان جنوبی است.

پروانه ساختمانی صادر شده در سال ۱۳۸۵ به تفکیک استانها^{۵۴}

۹۲۷۱	آذربایجان شرقی	آذربایجان جنوبی
۸۰۸۵	آذربایجان غربی	
۳۹۳۶	اردبیل	
۴۳۱۷	زنجان	
۴۱۰۸	قزوین	
۳۶۵۶	همدان	
۳۳۳۷۳	جمع	
۲۲۴۴۶	تهران	فارسین
۲۰۵۲۳	اصفهان	
۱۲۳۳۹	خراسان رضوی	
۲۰۰۳	سمنان	
۵۵۶۲	یزد	
۴۰۴۲۷	جمع	
۲۳۰۸	ایلام	ظاهر محروم
۵۶۲۱	بوشهر	
۳۱۲۷	چهار محال و بختیاری	
۳۸۲۶	سیستان	
۲۳۰۶	کردستان	

^{۵۴} سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۸۵، جدول ۳-۹

۳۱۲۵۵	کرمان
۳۰۶۸	کهکیلویه
۶۴۷۸	لرستان
۲۶۸۲	هرمزگان
۸۲۱۶۳	جمع

همانطور که دیده می شود پروانه های ساختمانی صادر شده در آذربایجان جنوبی کمتر از متوسط کشوری است.

طرح های قابل سرمایه گذاری داخلی و خارجی در بخش مسکن موضوع دیگری است که در این بخش به آن می پردازیم

مسئله سرمایه گذاری در بخش مسکن از دو جهت قابل بررسی است.

۱- این سرمایه گذاری از طرفی پتانسیل های اقتصادی استانها را به نوعی به معرض نمایش می گذارد

۲- سیاست های دولت در راستای اسکان مهاجران و سرمایه گذاری های آینده در بخش های مختلف اقتصادی اعم از صنعتی، کشاورزی و خدماتی را مشخص می کند.^{۵۵}

^{۵۵} مهاجرت از ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵^{۵۵}

آذربایجان غربی	+۹۴۹۷
اردبیل	-۳۸۷۵۰
زنجان	-۳۲۸۸۱
قزوین	...
همدان	-۴۲۹۷۴
تهران	+۴۲۸۹۶
اصفهان	+۹۰۷۸۹
خراسان رضوی	+۱۰۰۷۲۵
یزد	+۱۶۲۰۰
سمنان	+۱۹۳۱۶
ایلام	-۴۵۹۳
بوشهر	-۳۷۴۲۳
چهارمحال و بختیاری	-۳۲۰۰۳
سیستان	-۵۸۸۷
کردستان	-۲۷۰۰۶
کرمان	+۴۰۴۴
کهکیلویه	-۵۰۱۳
لرستان	-۵۷۱۹۳
هرمزگان	-۲۷۱۷

۶ استان، مهاجرت ۲۰ استان کشور را جذب می کند.^{۵۵}

آذربایجان شرقی	۸۸۴۵۸	رتبه اول مهاجرت فرستی
کرمانشاه	۶۱۶۹۵	رتبه دوم مهاجرت فرستی

به طوری کلی بررسی ما در این قسمت نشان خواهد داد که رژیم فارس طرح های بلند مدتی در راستای افزایش روند یکسان سازی و فارس سازی ملت تورک آذربایجان جنوبی در دست دارد. روزنامه دنیای اقتصاد در شماره ۱۳۴۹ خود خبری را مبنی بر سرمایه گذاری در ۸۶ هزار و ۶۶۰ واحد مسکونی در ۱۳ نقطه کشور اعلام کرد.^{۵۶}

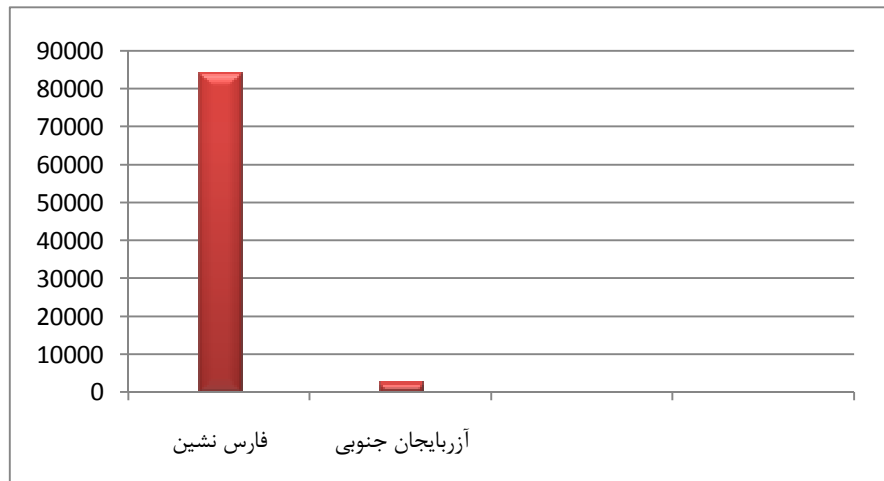
اطلاعات این طرح نشان می دهد که در کل استانهای آذربایجان فقط ۱ طرح در سهند تبریز مورد موافقت قرار گرفته است.

طراحی و ساخت ۲۵۰۰ واحد مسکونی-خدمات زیربنایی و رو بنایی به مساحت ۵۰ هکتار در سهند تبریز. این طرح در استانهای فارس نشین ۸۳۹۶۰ واحد در مساحتی به وسعت ۹۹۹ هکتار است. این رقم ۳۴ برابر استانهای آذربایجان جنوبی در تعداد

لرستان	۵۸۶۰۶	رتبه سوم مهاجرت فرستی
همدان	۴۴۳۵۶	رتبه چهارم مهاجرت فرستی
اردبیل	۳۹۵۵۶	رتبه پنجم مهاجرت فرستی
آذربایجان غربی	۱۳۹	رتبه ششم مهاجرت فرستی
مهاجرپذیر		
قم	۶,۹۸	
سمنان	۳,۸۵	
تهران	۳,۵۲	
اصفهان	۱,۹۷	
خوزستان	۱,۹۱	
یزد	۱,۸۳	

تا سالهای ۱۳۷۵ استان تهران-اصفهان-خوزستان-قم-سمنان و یزد به ترتیب دارای بیشترین ارقام خالص مهاجرپذیر ی بوده اند.
^{۵۶} - روزنامه دنیای اقتصاد ، سال ۵، یکشنبه ۸ مهر ۱۳۸۶، شماره ۱۳۴۹

واحد و ۲۰ برابر در وسعت است. این ارقام به خوبی نشان می دهد که چگونه روند مهاجرت، فقر و استثمار منابع در آذربایجان جنوبی به نفع فارس ها در کویرستان ادامه پیدا خواهد کرد.



نمودار مقایسه ای سرمایه گذاری در بخش مسکن در استانهای آذربایجان جنوبی و فارس نشین^{۵۷}

اصل خبر به این شکل در روزنامه مزبور آمده است

وزارت مسکن و شهرسازی اعلام کرد؛

طرح های قابل سرمایه گذاری داخلی و خارجی در بخش مسکن

۸۶ هزار و ۶۶۰ واحد مسکونی در ۱۳ نقطه کشور ساخته می شود.

طبق این فراخوان که در راستای تحقق برنامه های دولت و با هدف جلب و حمایت از سرمایه گذاران در طرح های تولید انبوه مسکن تهیه شده، کلیه سازندگان انبوه مسکن و سرمایه گذاران داخلی و خارجی در این بخش می توانند با وزارت مسکن همکاری کنند.

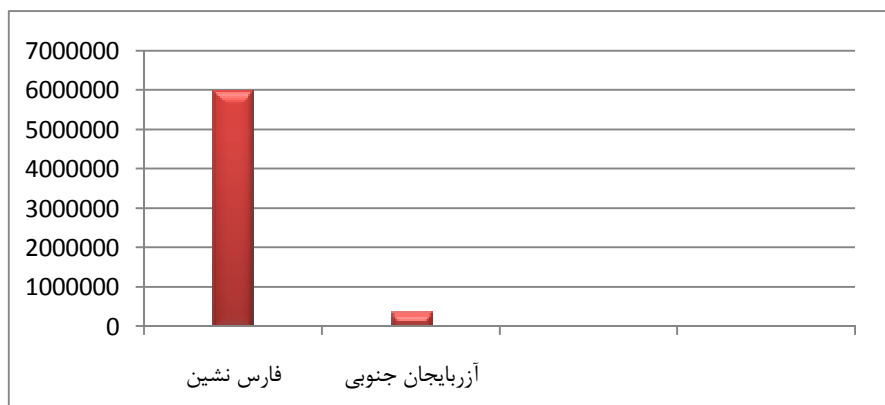
^{۵۷} روزنامه دنیای اقتصاد، سال ۵، یکشنبه ۸ مهر ۱۳۸۶، شماره ۱۳۴۹

مشهد بینالود	طراحی و ساخت ۶۰۰۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت ۹۵ هکتار
اصفهان پولادشهر	طراحی و ساخت ۹۶۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت ۱۵ هکتار
تبریز سهند	طراحی و ساخت ۲۵۰۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت ۵۰ هکتار
اصفهان مجلسی	طراحی و ساخت ۷۰۰۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت ۱۰۰ هکتار
زاهدان رامشار	طراحی و ساخت ۷۰۰۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت ۱۰۰ هکتار
تهران ایوانکی	طراحی و ساخت ۷۰۰۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت ۱۰۰ هکتار
بندر عسلویه سیراف	طراحی و ساخت ۷۰۰۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت ۱۰۰ هکتار
قم پردیسان	طراحی و ساخت ۴۰۰۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت ۳۹ هکتار
قم پردیسان	طراحی و ساخت ۲۰۰۰۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت ۲۰۰ هکتار
شیراز	طراحی و ساخت ۱۰۰۰۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت (-) هکتار
قزوین	طراحی و ساخت ۵۰۰۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت ۸۰ هکتار
پاکدشت تهران	طراحی و ساخت ۱۰۰۰۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت ۱۵۰ هکتار
سنندج - شیراز - کرمانشاه	طراحی و ساخت ۳۰۰ واحد مسکونی - خدمات زیربنایی و رو بنایی مساحت (-) هکتار

شهرهای جدید مصوب هیئت دولت در سال ۱۳۷۳^{۵۸} نیز حاکی از این است که دولت می خواهد با شدت بیشتری پایه های اقتصادی آذربایجان جنوبی را نابود کند.

در این طرح پیش بینی شده در مجموع استانهای فارس نشین ۲۳ شهر جدید با ظرفیت ۶ میلیون ایجاد شود.

در حالی که در کل استانهای آذربایجان جنوبی این تعداد ۳۵۰ هزار یعنی یک هفدهم است. جالب است بدانیم از این طرح مصوب نیز فقط یک طرح با ۱۵۰ هزار جمعیت در حال عملی شدن است. تنها در استان اصفهان این رقم یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار است.



نمودار مقایسه ای شهرهای جدید پیشنهادی بر حسب جمعیت به تفکیک استانهای آذربایجانی و فارس نشین

یعنی در مجموع جمعیت شهرهای جدید در استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، همدان و قزوین یک دوازدهم استان اصفهان خواهد بود.

^{۵۸} - اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۹۷-۱۹۸، ۱۳۸۲، سال هجده، شماره ۵ و ۶، ص ۱۹۸

این رقم در استان خراسان ۸۰۰ هزار یعنی ۵/۵ برابر ۶ استان آذربایجان جنوبی است.

در استان یزد یک شهر ۲۰۰ هزار نفری احداث شده است.

در استان تهران این رقم در ۵ شهر جدید ۱۳۶۰۰۰۰ است.

نکته ای که خواننده باید بدان توجه کند این است که استانهای مذکور به هیچ وجه توان تأمین جمعیت این شهرها را به تنهایی ندارند. جمعیت بیشتر این شهرها از طریق مهاجرت ملت آذربایجان جنوبی و سایر ملل موجود غیر فارس به این شهرها تأمین خواهد شد.

در قسمت های بعدی نشان خواهیم داد که چگونه این شهرها با سرمایه گذاری در حوزه صنعت قابل سکونت خواهد بود.

شهرهای جدید پیشنهادی در ایران ۱۳۷۳^{۵۹}

شهرهای بزرگ کنونی	نام شهر جدید	جمعیت پیش بینی شده (هزار نفر)
تهران	هشتگرد	۵۰۰
	پرند	۳۰۰
	پردیس	۲۰۰
	اشتهار	۳۰۰

۶۰	اندیشه	
۳۰۰	بهارستان	اصفهان
۵۰۰	مجلسی	
۵۰۰	پولادشهر	
۴۵۰	شاهین شهر	
۴۰۰	گلپهار	مشهد
۴۰۰	بینالود	
۱۵۰	سهند	تبریز
۱۰۰	سیس	
۲۰۰	صدرا	شیراز
۲۴۰	رامین	اهواز
۲۰۰	سرارود	کرمانشاه
۷۰	مهاجران	اراک
۱۰۰	امیرکبیر	
۲۰۰	زاویه	
۱۰۰	عامشهر	بوشهر
۳۰۰	علوی	بندرعباس

زابل	رامشار	۷۰
چابهار	طبسی	۱۵۰
مازندران	تونان	۱۰۰
همدان	وین	۱۰۰
یزد	...	۲۰۰

قیمت مسکن

قیمت مسکن نیز به عنوان شاخصی از شکوفایی و رونق و توسعه در بخش مسکن قابل توجه است. به عنوان مثال در حالی که متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای واحدهای مسکونی معامله شده در بنگاههای معاملات ملکی در شهر تبریز ۳/۰۹۸ میلیون ریال بوده است. این رقم در اصفهان ۴/۲۳۰ میلیون ریال، اهواز ۳/۵۹۰ میلیون ریال، رشت ۳/۴۳۳ میلیون ریال، ساری ۳/۴۴۰ میلیون ریال، شیراز ۳/۱۷۹ میلیون ریال، کرج ۳/۳۱۷ میلیون ریال و یزد ۳/۷۰۱ میلیون ریال بوده است.

قیمت مسکن اردبیل با نزدیک به نیم میلیون جمعیت در همین سال ۲/۴۷۰ میلیون ریال بوده، در حالی که این عدد در سمنان ۱۰۰ هزار نفری ۳/۱۴۷ میلیون ریال بوده است. این رقم در اورمیه با جمعیتی تقریباً ۱۰ برابر کمتر از سمنان و ۲/۲۲۲ میلیون ریال است. در زنجان و دیگر شهرهای آذربایجان جنوبی متوسط قیمت مسکن از متوسط کشوری پایین تر است.

این مطلب نشان دهنده قدرت اقتصادی مردم و عدم رونق اقتصادی در حوزه مسکن در آذربایجان جنوبی و رونق این بخش در شهرهای دیگر علی الخصوص شهرهای فارس نشین می باشد.

این تفاوت قیمت از طرفی به مسئله عرضه و تقاضا و مسئله مهاجرپذیربودن شهرهای فارس نشین نیز مربوط است.

متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای واحدهای مسکونی معامله شده در بنگاه های معاملات کلی بر حسب شهرهای منتخب^{۶۰}

شهر منتخب	۱۳۷۵	۱۳۸۴
	میلیون ریال	میلیون ریال
تهران	۱/۶۰۳	۶/۴۹۷
اصفهان	۰/۶۴۲	۴/۲۳۰
اردبیل	۰/۴۱۰	۲/۴۷۰
اورمیه	۰/۳۴۷	۲/۲۲۲
اهواز	۰/۴۵۵	۳/۵۹۰
تبریز	۰/۵۸۳	۳/۰۹۸
رشت	۰/۵۳۶	۳/۴۳۳
زنجان	۰/۴۵۴	۲/۸۵۶
ساری	-	۳/۴۴۰
سمنان	-	۳/۱۴۷
شیراز	۰/۶۸۶	۳/۱۷۹

^{۶۰}-مرکز آمار ایران (ر.پ) «وزارت مسکن و شهرسازی . سازمان ملی زمین و مسکن و دفتر پشتیبانی دفتر برنامه

۳/۳۱۷	۰/۷۱۱	کرج
۳/۷۰۱	۰/۳۵۶	یزد

احداث مسکن محرومین توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۴^{۶۱}

اطلاعاتی که ما در این تحقیق به دست آورده ایم حاکی از این است که استانهای فارس بدلیل وضعیت اقتصادی بسیار بهتری که نسبت به استانهای آذربایجان جنوبی دارند در بخش مسکن نیازمند کمک کمتری از طرف دولتند.

پس منطقاً باید دولت به احداث مسکن محرومین در استانهای آذربایجان جنوبی به دلیل وضعیت نامساعد مردم نگاه مثبتی داشته باشد. اطلاعات ثبت شده در سالنامه آماری سال ۱۳۸۴ نشان می دهد شوونیسف فارس به چیزی جز فلاکت ملت آذربایجان جنوبی در چارچوب تئوری دولت- ملت سازی تحمیلی فارسی ایرانی راضی نیست. در این بخش به گوشه ای از این آمارها می پردازیم. احداث مسکن محرومین توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۴ نشان میدهد دقیقاً عکس این اتفاق می افتد و دولت در این حوزه نیز به استانهای فارس نشین توجه بیشتری را مبذول میکند!

آذربایجان شرقی	۲۳۸ واحد
اصفهان	۷۶۸ واحد
اردبیل	۳۵۰ واحد
سمنان (با یک سوم جمعیت اردبیل)	۴۶۰ واحد

^{۶۱} سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۸۴ ص ۳۵۷، جدول ۱۷-۹

آذربایجان غربی	۱۷۶ واحد
خراسان رضوی	۵۹۹ واحد
همدان	۲۵۶ واحد
فارس	۸۴۰ واحد

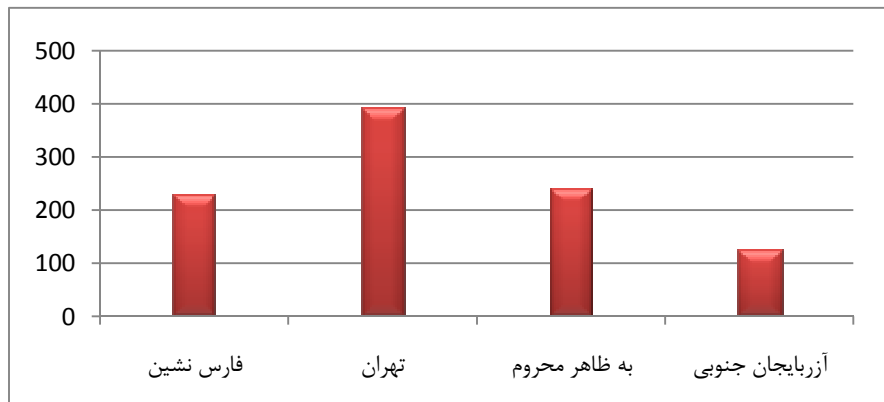
خانوارهای دریافت کننده زمینی برای مساحت واحد مسکونی و مساحت
اراضی توسط سازمان ملی زمین و مسکن

استان	خانوار	مساحت (هزار متر مربع)
آذربایجان شرقی	۱۲۴۲	۶۴۸
اصفهان	۵۶۴۶	۳۸۷۳
اردبیل	۷۳۶	۴۳۷
یزد	۱۲۸۱	۱۷۷۳
آذربایجان غربی	۲۵۱۶	۶۷۰
زنجان	۱۷۶۷	۱۲۵
خراسان رضوی	۵۶۹۴	۱۷۵۱
همدان	۴۷۰	۶۸
کرمان	۲۰۱۶	۱۸۴۸
قزوین	۲۶۰	۱۶۱

خراسان جنوبی

۱۹۷۸

۲۰۴

مسکن کارگران^{۶۲}

نمودار مقایسه ای طرح تامین مسکن کارگران به تفکیک گروه استانها

نام استان	به هکتار	به واحد مسکونی
آذربایجان جنوبی	۵۰	۳۷۵۰
	۶/۳	۱۹۷۷
	۲۶/۷	۲۰۰۰
	۱۰	۳۰۰۰
	۱۰	۳۰۰۰
	۲۴	۴۰۰۰
آ. شرقی		
آ. غربی		
اردبیل		
زنجان		
قزوین		
همدان		

^{۶۲} - وضعیت اجرای تفاهم نامه ۱۳۸۶/۳/۹ موضوع تأمین مسکن کارگران تا فروردین ماه ۱۳۸۷ وزارت کار و امور اجتماعی، معاونت امور فرهنگی و اجتماعی، اردیبهشت ۸۷

۱۳۹۹۹	۸۴	اصفهان	فارس نشین
۱۰۰۰۰	۱۲۰	خراسان رضوی	
۱۴۲۸	۱۴/۹	سمنان	
۱۴۷۹	۷/۹	یزد	
۲۹۴۰۰	۳۹۲	تهران	
۲۵۱۳	۳۳	ایلام	
۱۴۴۸	۱۱	بوشهر	
۱۹۵۸	۴	چهارمحال	به ظاهر محروم
۳۵۴۵	۴۷	سیستان	
۱۳۶۷	۸/۳	کردستان	
۶۹۰۰	۹۲	کرمان	
۲۲۵	۳	کهکیلویه	
۶۸۳	۹/۱	لرستان	
۵۶۳۹	۳۹	هرمزگان	

وضعیت اجرای تفاهم نامه ۱۳۸۶/۳/۹ موضوع تأمین مسکن کارگران تا فروردین ماه ۱۳۸۷

ب هداشت، درمان و آموزش پزشکی

آمار سال ۱۳۸۳ نشان میدهد آذربایجان جنوبی به طور نسبی از لحاظ آموزش پزشکی حتی از استانهایی چون کردستان، ایلام، هرمزگان و... نیز در وضعیت بدتری به سر می برد.^{۶۳}

در مجموع کل مقاطع آموزشی در ۶ استان آذربایجان جنوبی ۱۲۴۱۴ نفر مشغول به تحصیل اند. از این تعداد تنها ۴۴۱۲ نفر در مقطع دکتری حرفه ای مشغول تحصیل اند در حالی که این رقم در استان تهران ۷۷۱۳ نفر و در استانهای فارس نشین مورد نظر تحقیق ۵۴۱۹ نفر است.

^{۶۳} - مینو غیائی، آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، گروه پژوهش های آماری و انفورماتیک، تهران، قاصدک، چاپ اول ۱۳۸۳

در کل مقاطع آموزشی نیز استانهای به ظاهر محروم وضعیت بهتری نسبت به استانهای آذربایجان جنوبی را دارا هستند. این رقم در استانهای این گروه ۱۳۴۶۳ نفر است که تفاوت ۱۰۴۹ نفری را نشان می‌دهد.

در مقطع دکتری تخصصی به عنوان بالاترین سطح تحصیلات پزشکی نیز تفاوتها آشکار و گویا است.

دانشگاه علوم پزشکی تبریز	۹۱ نفر دانشجوی
دانشگاه علوم پزشکی اصفهان	۴۵۲ نفر دانشجوی
دانشگاه علوم پزشکی مشهد	۸۶۰ نفر دانشجوی

اردبیل با جمعیتی نیم ملیونی هیچ دانشجویی در دوره دکتری تخصصی ندارد. در حالی که سمنان با جمعیت صد هزار نفری ۲۶ نفر دانشجوی دکتری تخصصی دارد. این رقم به نسبت جمعیت تبعیض ۱۳۰ برابری را نشان میدهد.

در اصفهان نیز این رقم نسبت به تبریز ۵ برابر بیشتر است. این رقم در مشهد ۱۰ برابر و در شیراز ۴ برابر تبریز است.

در مقطع دکتری حرفه ای نیز این تبعیضات قابل توجه است.

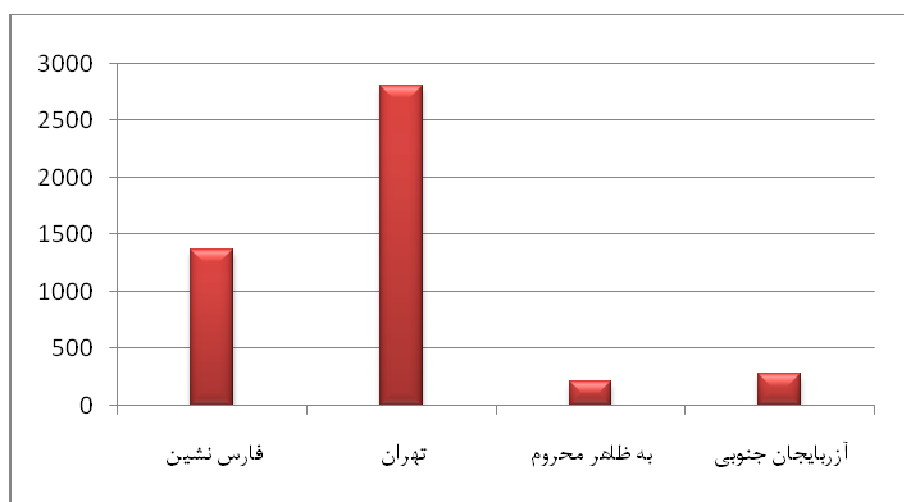
استان زنجان و یزد تقریباً جمعیت برابری دارند در حالی که تعداد دانشجوی دکتری حرفه ای در استان یزد ۲ برابر استان زنجان است.

استان آذربایجان غربی سه برابر استان یزد جمعیت دارد در حالی که در این مقطع کلاً ۵۴۶ نفر دانشجوی در این استان مشغول به تحصیل اند. این رقم در استان یزد ۶۸۱ دانشجوی است. این تبعیض حدوداً پنج برابر است!

کرمان نیز با جمعیتی تقریباً نصف آذربایجان غربی ۹۴۷ دانشجوی دکتری حرفه ای دارد. استانی همچون چهار محال و بختیاری نیز با سیصد و بیست و یک نفر دانشجوی

در این مقطع به نسبت جمعیت وضعیت به مراتب بهتری نسبت به استانهای آذربایجان جنوبی دارند.

گروه استان	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری حرفه ای	دکتری تخصصی	جمع
فارس نشین	۲۶۶۴	۴۳۴۱	۲۶۱	۵۴۱۹	۱۳۷۱	۱۴۰۵۶
تهران	۱۹۳۵	۶۸۲۸	۱۱۳۸	۷۷۱۳	۲۸۰۲	۲۰۴۱۸
به ظاهر محروم	۵۱۴۳	۴۱۶۳	۶۲	۳۸۷۹	۲۱۶	۱۳۴۶۳
آذربایجان جنوبی	۳۹۹۳	۳۶۰۰	۱۲۸	۴۴۱۲	۲۸۰	۱۲۴۱۴



نمودار مقایسه ای تعداد دانشجویان دکتری تخصصی به تفکیک گروه — استانها

در حوزه زیر ساختهای بهداشتی نیز این تبعیض ها به صورت آشکاری دیده می شود.^{۶۴}

به عنوان مثال بر اساس آمار اطلس گیتا شناسی استانهای ایران در سال ۱۳۸۱ تعداد تختهای بیمارستانی در استانهای کشور بدین ترتیب است:

^{۶۴}-پیشین، اطلس گیتا شناسی استانهای ایران

نام گروه استان	تخت بیمارستانی
فارس نشین	۲۰۰۶۵
تهران	۲۹۲۵۸
به ظاهر محروم	۱۵۰۳۳
آذربایجان جنوبی	۱۵۷۴۸

این آمار به تفکیک استان نیز جالب توجه است

استان اردبیل حدوداً دو و نیم برابر استان سمنان جمعیت دارد در حالی که تعداد تخت بیمارستانی در این دو استان تقریباً برابر است. در حقیقت به نسبت جمعیت، استان سمنان دو و نیم برابر بیشتر تخت بیمارستانی نسبت به استان اردبیل دارد.

استان یزد نیز با جمعیتی برابر با استان زنجان دو برابر این استان تخت بیمارستانی دارد. تعداد تخت بیمارستانی در استان آذربایجان شرقی ۵۵۶۹ است در حالی که این رقم در اصفهان ۸۲۹۲ و در خراسان رضوی ۷۸۶۳ تخت بیمارستانی است. استان همدان نیز با جمعیتی برابر، نصف استان یزد تخت بیمارستانی دارد. این مسئله در مورد استان قزوین نیز صدق میکند.

در مورد پزشک و دندانپزشک نیز چنین وضعیتی را شاهدیم.^{۶۵}

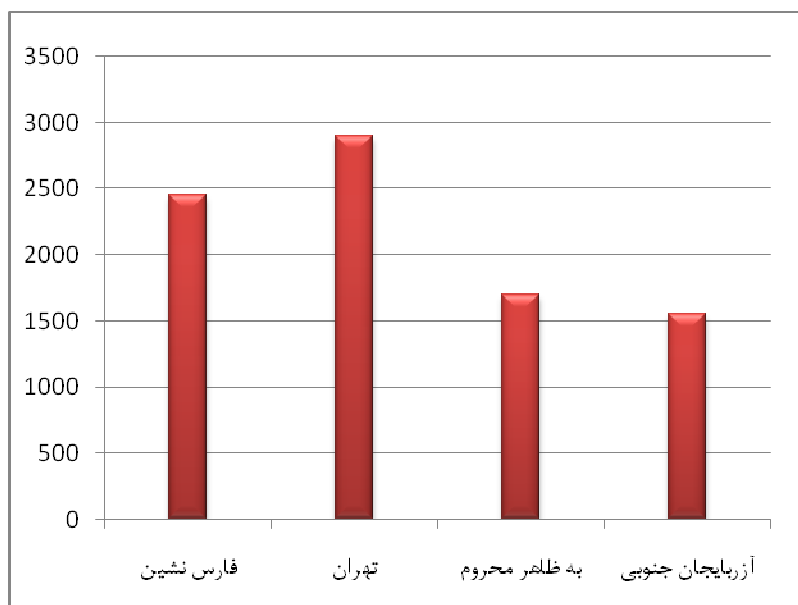
استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۵، ۱۱۰۴ پزشک شاغل در وزارت بهداشت داشته است که ۵۴۵ پزشک متخصص بوده اند. این رقم در همین زمان در استان اصفهان حدوداً دو برابر یعنی ۲۱۰۹ پزشک بوده است که از این میان ۸۴۷ پزشک

^{۶۵}-سالنامه آماری کشور ۱۳۸۵

متخصص بوده است. این تعداد در خراسان رضوی سه برابر استان آذربایجان شرقی یعنی ۳۳۲۸ پزشک بوده است.

استان اردبیل دو و نیم برابر استان سمنان و یک و نیم برابر استان یزد جمعیت دارد. تعداد پزشک شاغل در وزارت بهداشت در استان اردبیل ۳۵۴ در سمنان ۴۹۳ و در یزد ۶۱۰ نفر بوده است! این تعداد در استان زنجان ۴۹۲ پزشک است که باز هم از استان یزد ۱۱۸ پزشک کم تر است. استان قزوین و همدان نیز به ترتیب ۱۸٪ و ۳۱٪ از متوسط کشوری پزشک کم تری دارند.

نام گروه استان	پزشک	متخصص
فارس نشین	۶۵۴۰	۲۴۱۲
تهران	۵۲۶۵	۲۸۴۶
به ظاهر محروم	۴۶۳۰	۱۵۹۶
آذربایجان جنوبی	۴۰۶۰	۱۵۵۳

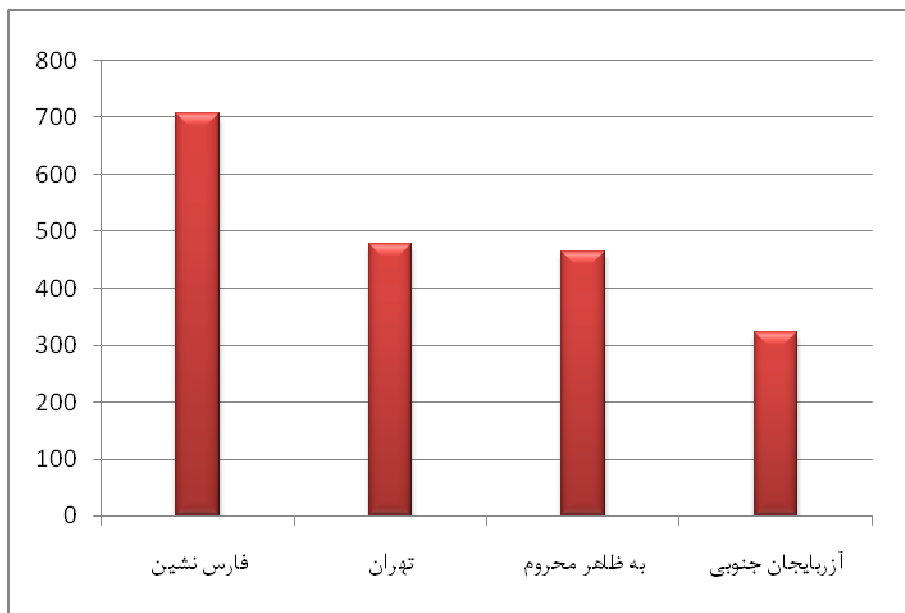


نمودار مقایسه ای تعداد پزشک متخصص شاغل در وزارت بهداشت به تفکیک گروه- استانها

در مورد دندانپزشک نیز چنین وضعیتی را شاهدیم.

نام گروه استان	دندانپزشک
فارس نشین	۷۰۸
تهران	۴۷۸
به ظاهر محروم	۴۶۴
آذربایجان جنوبی	۳۴۷

بررسی تفکیکی تعداد دندانپزشک نیز وضعیت اسف بار بهداشت و درمان در استانهای آذربایجان جنوبی را نشان می دهد.



دندانپزشک شاغل در وزارت بهداشت به تفکیک گروه - استانها

تعداد داروخانه و آزمایشگاه نیز در استانهای مختلف فرضیه ما را اثبات می کند.

استان آذربایجان شرقی ۲۰۷ آزمایشگاه و ۳۷۰ داروخانه دارد. در حالی که استان اصفهان ۳۶۸ آزمایشگاه و ۵۳۷ داروخانه و در استان خراسان رضوی ۳۳۲ آزمایشگاه و ۵۸۴ داروخانه است.

آزمایشگاه	داروخانه	استان	
۱۳۲	۹۱	همدان	آذربایجان جنوبی
۳۰۷	۲۰۷	آذربایجان شرقی	
۱۸۶	۱۲۵	آذربایجان غربی	
۹۶	۵۹	اردبیل	
۶۳	۶۶	زنجان	
.....		قزوین	
۵۳۷	۳۶۸	اصفهان	فارس نشین
۵۸۴	۳۳۲	خراسان رضوی	
۵۸	۶۸	سمنان	
۱۷۹	۱۴۰	کرمان	
۸۷	۹۷	یزد	

بانک

در این بخش به بررسی عملکرد بانکهای دولتی و خصوصی در استانهای کشور می پردازیم. این آمارها نشان دهنده حجم و بزرگی اقتصاد استانها در بخش مالی است. این اطلاعات برگرفته از فصلنامه بانک شماره ۱-۱۳ است.^{۶۶} چنان که در ذیل می بینید مجموع سپرده های کل استانهای آذربایجان جنوبی ۸/۳ درصد از کل سپرده های بانکی کشور است. این میزان نشان می دهد که امکانات مالی در آذربایجان جنوبی به نسبت جمعیت بسیار اندک است. استانهای به ظاهر محروم با ۹/۳ درصد سپرده های بیشتری نسبت به استانهای آذربایجان جنوبی در بانکها دارند. این سپرده ها در چهار استان فارس نشین دو برابر ۶ استان آذربایجان جنوبی یعنی ۱۶/۲ درصد است. استان تهران نیز به تنهایی ۴۹/۶ درصد از سپرده ها را در اختیار دارد.

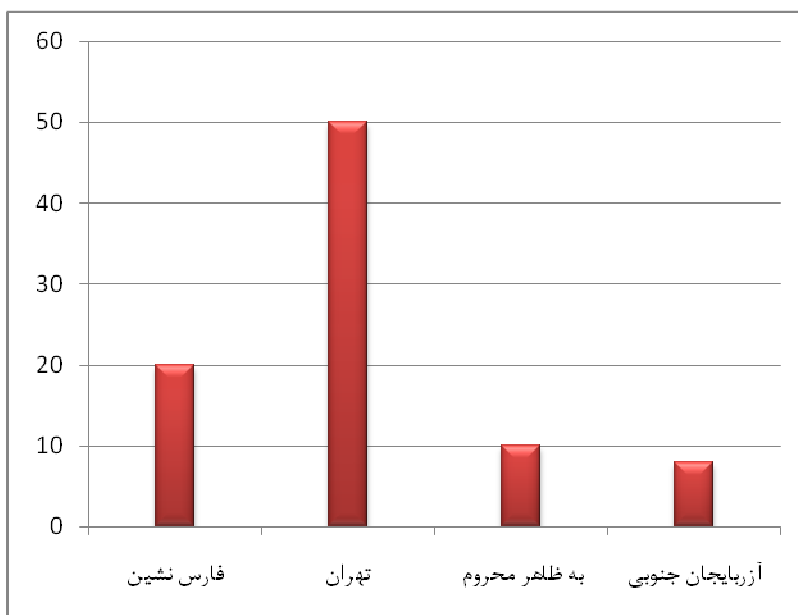
^{۶۶} فصلنامه بانک، وزارت امور اقتصادی و دارایی، عملکرد بانکهای دولتی و خصوصی در استانها، مردادماه ۱۳۸۷،

استان سمنان با اینکه کمتر از یک پنجم استان آذربایجان غربی جمعیت دارد ۱/۸ درصد از کل سپرده های بانکی را در اختیار دارد. این رقم به نسبت جمعیت ۵/۴۷ برابر استان آذربایجان غربی با ۱/۶ درصد است^{۶۷}. استان اردبیل با اینکه نزدیک به یک و نیم برابر استان یزد جمعیت دارد، درصد سپرده هایش حدودا یک چهارم این استان است. استان همدان نیز با بیش از ۳/۵ برابر جمعیت نسبت به استان سمنان، نصف این استان سپرده دارد. به عبارت بهتر، هر سمنانی به طور متوسط چهار برابر یک همدانی سپرده در بانک دارد.

فارس نشین		تهران		آذربایجان جنوبی		به ظاهر محروم	
نام استان	درصد از کل	نام استان	درصد از کل	نام استان	درصد از کل	نام استان	درصد از کل
اصفهان	۶/۴	تهران	۴۹/۶	آذربایجان شرقی	۳/۲	ایلام	۰/۴
خراسان رضوی	۴/۵			آذربایجان غربی	۱/۶	بوشهر	۱
یزد	۲/۵			اردبیل	۰/۷	چهارمحال و بختیاری	۰/۶
سمنان	۱/۸			زنجان	۰/۸	سیستان و بلوچستان	۱/۳
				قزوین	۰/۹	کردستان	۰/۸
				همدان	۱/۱	کرمان	۲/۳
						کهگیلویه و بویراحمد	۰/۴
						لرستان	۱/۱
						هرمزگان	۱/۴
مجموع	۱۶/۲	مجموع	۴۹/۶	مجموع	۸/۳	مجموع	۹/۳

^{۶۷} نحوه محاسبه بدین گونه بوده است که جمعیت ۵۰۰ هزار نفری استان سمنان ۱/۸ درصد از کل سپرده ها را به خود اختصاص داده است. به عبارت بهتر هر سمنانی ۰/۰۰۰۰۳۶ درصد از سپرده های کل را در اختیار دارد. در حالی که این رقم برای هر فرد آذربایجان جنوبی در استان ۲/۵ میلیون نفری آذربایجان غربی برابر ۰/۰۰۰۰۰۶۴ است.

جدول عملکرد بانکهای دولتی و خصوصی (میزان سپرده ها) در گروه-استانها ۱۳۸۶/۱۲/۲۹

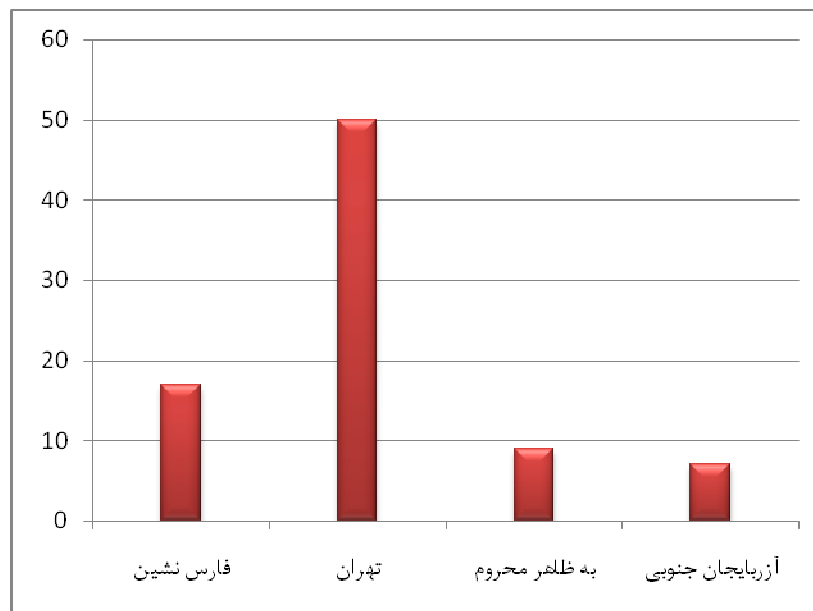


نمودار مقایسه ای عملکرد بانکهای دولتی و خصوصی (میزان سپرده ها) در گروه-استانها
۱۳۸۶/۱۲/۲۹

تسهیلات اعطایی بانکهای دولتی

تسهیلات اعطایی بانکهای دولتی نیز نشان دهنده اختصاص تبعیض آمیز این تسهیلات در بین استانهای کشور است. استانهای آذربایجان جنوبی مجموعاً ۸/۱ درصد از کل تسهیلات کشوری را به خود اختصاص داده اند. آذربایجان شرقی ۲/۱ از کل تسهیلات بانکی را دریافت کرده است. در حالی که این رقم در استان اصفهان ۵/۳ درصد است. استان یزد حدوداً ۴ برابر چهار استان اردبیل، زنجان، قزوین و همدان از تسهیلات بانکی دولتی برخوردار است.

استان سمنان به نسبت جمعیت ۶ برابر استان اردبیل از تسهیلات بانکی دولتی استفاده می کند. در این حوزه استانهای آذربایجان جنوبی را باید با ایلام، چهارمحال و بختیاری، کردستان و سیستان و بلوچستان مقایسه کرد.



نمودار مقایسه ای تسهیلات اعطایی بانکهای دولتی به تفکیک گروه-استانها ۱۳۸۶/۱۲/۲۹

بررسی ظرفیت مالی استانها برحسب درآمد مالیاتی^{۶۸} نیز حاکی از این واقعیت است که استانهای فارس نشین قدرت اقتصادی دو برابری نسبت به استانهای آذربایجان جنوبی دارد. در مجموع ۶ استان آذربایجان جنوبی با ۳/۸۷ درصد از کل، نصف چهار استان فارس نشین با ۶/۶۱ درصد ظرفیت مالی دارد. ظرفیت مالی آذربایجان شرقی حدوداً یک سوم استان اصفهان است. استان یزد نیز سه برابر استان اردبیل ظرفیت مالی دارد. استان اردبیل را با ۰/۲۴ درصد در این حوزه می توان با استان ایلام با ۰/۲۱ درصد از کل ظرفیت مالی کشور مقایسه کرد. ظرفیت مالی آذربایجان غربی

^{۶۸} هفته نامه برنامه، سال ۶، شماره ۲۳۳، ص ۳۰

نیز یک چهارم استان بوشهر است. استان قزوین را می توان با استان هرمزگان هم رده دانست. استان همدان نیز یک سوم استان کرمان ظرفیت مالی دارد. جالب اینجاست که استانهای به ظاهر محروم ۵/۸۱ درصد از این ظرفیت را دارا هستند که در حدود یک و نیم برابر استانهای آذربایجان جنوبی است.

توزیع استانی تسهیلات مالی خارجی

توزیع استانی تسهیلات مالی خارجی^{۶۹} اعم از وامها، اعتبارات، کمک ها و... در دست دولت است. مجموع ۶ استان آذربایجان جنوبی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ یعنی دورانی که طیف به اصطلاح دموکرات و اصلاح طلب با شعار "ایران برای همه ایرانیان" در رأس قدرت بودند ۲/۲۷ درصد از کل این تسهیلات را به خود اختصاص دادند. این در حالی است که استان رئیس جمهور دموکرات! سید محمد خاتمی، یزد، به تنهایی ۳/۸۶ درصد از کل این تسهیلات را به خود اختصاص داده بود. هر یک از استانهای آذربایجان جنوبی سهم کمتری از یک درصد را از این تسهیلات داشته اند. آذربایجان شرقی با ۰/۷۷ درصد بیشترین سهم را از این تسهیلات در استانهای آذربایجان جنوبی داراست. این رقم یک چهارم استان اصفهان با ۲/۷۸ درصد از کل تسهیلات

^{۶۹} برنامه، سال ۶، شماره ۲۲۰ به نقل از سازمان سرمایه گذاری و کمکهای فنی-اقتصادی ایران، ۱۳۸۵

مالی خارجی است. استان خراسان نیز ۵/۸۹ درصد تسهیلات مالی خارجی را به خود اختصاص داده است. دولت اصلاح طلب در حالی ۶/۶۵ درصد از این تسهیلات را به استان کرمان اختصاص داده است که این میزان ۸۲ برابر تسهیلات اختصاص یافته به استان همدان با ۰/۰۸ درصد است. استان کهگیلویه و بویراحمد نیز به تنهایی ۱۲ برابر استان اردبیل از تسهیلات مالی خارجی برخوردار گردیده است. در کل ۴ استان فارس نشین اصفهان، خراسان رضوی، یزد و سمنان ۵ برابر ۶ استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، قزوین و همدان تسهیلات دریافت کرده است.



نمودارمقایسه ای توزیع تسهیلات مالی خارجی توسط دولت در گروه-استانهای طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۷۰۱۳۸۴

^{۷۰} در گروه استانهای به ظاهر محروم تسهیلات مالی در بخش نفت و گاز لحاظ نشده است.

توزیع استانی سرمایه گذاری خارجی

در این بخش به بررسی توزیع استانی سرمایه گذاری خارجی^{۷۱} به صورت مستقیم در استانهای مورد تحقیق می پردازیم. به نظر می رسد رژیم فارس در چگونگی تقسیم سرمایه گذاری در این بخش و در استانهای مختلف سیاستهای منسجمی دارد. این بدین معنی است که سرمایه گذاران خارجی در انتخاب استان برای انجام طرحهای اقتصادی و سرمایه گذاری در بخشهای مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات آزادی عمل کامل ندارد. نیروی کار ارزان، موقعیت استراتژیک، امکانات محیطی، نزدیکی به بازارهای عمده مصرف بین المللی، بازار مصرف منطقه ای پرجمعیت، آب و هوای مناسب و... در استانهای آذربایجان جنوبی به مراتب مناسب تر از بسیاری از استانهای مرکزی کشور است. منطقاً صحیح نیست سرمایه گذار خارجی بدون هدایت و

^{۷۱} برنامه، همان، ص ۹

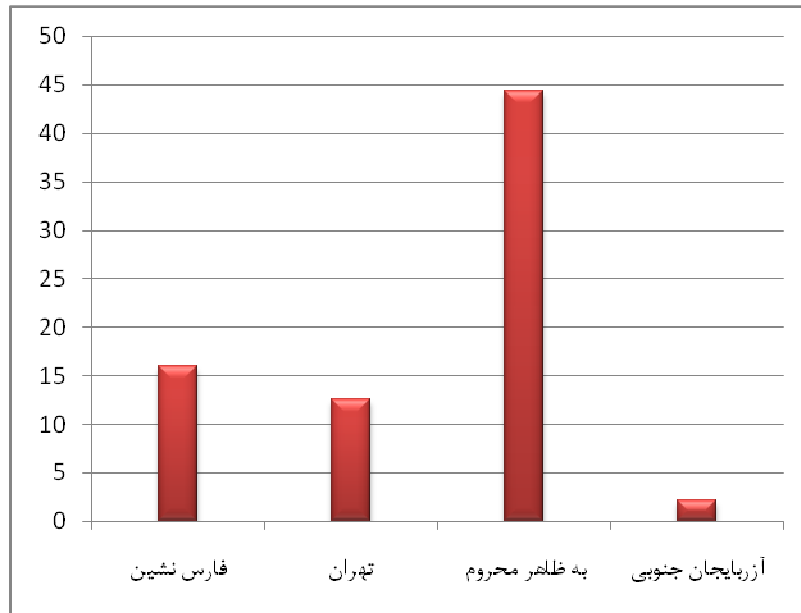
حمایت دولت در استان یزد با شرایط به مراتب نامناسب تر از استان اردبیل ۲۰۳/۵ برابر این استان سرمایه گذاری کرده باشد. رژیم فارس با کنترل و هدایت سرمایه گذاری در راستای اهداف کلان خود خواهان اضمحلال اقتصاد آذربایجان جنوبی به نفع استانهای فارس نشین است.

فارس نشین		تهران		آذربایجان جنوبی		به ظاهر محروم	
نام استان	درصد از کل	نام استان	درصد از کل	نام استان	درصد از کل	نام استان	درصد از کل
اصفهان	۷/۸۱	تهران	۱۲/۲۳	آذربایجان شرقی	۰/۶۵	ایلام	-
خراسان رضوی	۱/۴۴			آذربایجان غربی	۰/۰۳	بوشهر	۹/۹۸
یزد	۶/۱۱			اردبیل	۰/۰۳	چهارمحال و بختیاری	-
سمنان	۰/۴۴			زنجان	۰	سیستان و بلوچستان	۹/۰۸
				قزوین	۱/۴۳	کردستان	۲/۰۱
				همدان	۰/۱۶	کرمان	۲/۱۲
						کهگیلویه و بویراحمد	-
						لرستان	۰/۰۲
						هرمزگان	۲۱/۱۰
مجموع	۱۵/۸	مجموع	۱۲/۲۳	مجموع	۲/۳	مجموع	۴۴/۳۱

جدول توزیع سرمایه گذاری خارجی در گروه-استانها ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۵

بین سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۵ مجموعاً در ۶ استان آذربایجان جنوبی ۲۶۰۸۳۴ م-ر سرمایه گذاری خارجی جذب شده است. این رقم ۲/۳ درصد کل سرمایه گذاری خارجی در کشور است. این سهم در استان اصفهان به تنهایی با ۸۷۴۷۹۰ م-ر یعنی ۷/۸۱ درصد از کل، بیش از ۳ برابر ۶ استان آذربایجان جنوبی است.

در مجموع فقط ۴ استان فارس نشین ۷ برابر ۶ استان آذربایجان جنوبی سرمایه گذاری خارجی را به خود اختصاص داده اند. تهران نیز به تنهایی ۱۲/۲۳ درصد از کل سرمایه گذاری را جذب کرده است. استانهای به ظاهر محروم نیز بدون احتساب سرمایه گذاری در حوزه نفت و گاز، حدوداً ۱۵ درصد کل سرمایه گذاری را جذب کرده است.



نمودارمقایسه ای توزیع سرمایه گذاری خارجی در گروه-استانها ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۵

شاخص توسعه انسانی

مقیاسی که رشد اقتصادی را همراه متغیرهای اقتصادی، فرهنگی هماهنگ با توسعه مورد بررسی قرار می دهد، شاخص توسعه انسانی (HDI) است که به وسیله برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) مورد محاسبه قرار می گیرد.

شاخص توسعه انسانی به معنی افزایش سطح دسترسی به دانش، تغذیه، خدمات بهداشتی، امنیت، تفریح، آزادی سیاسی و فرهنگی و افزایش حق انتخاب مردم است. شاخص توسعه انسانی توسعه را برحسب طول عمر (امید به زندگی در بدو تولد)، دانش (سواد بزرگسالان و میانگین مدت زمان تحصیل) و درآمد کافی (نسبت مردم با منابع کافی برای یک زندگی شرافتمندانه) اندازه گیری می کنند.

در این بخش به بررسی شاخص توسعه انسانی متشکل از سه شاخص امید به زندگی، آموزشی و درآمدی می‌پردازیم.^{۷۲}

نام استان	شاخص امید به زندگی	شاخص آموزشی	شاخص درآمدی	شاخص توسعه انسانی	شاخص توسعه انسانی
آذربایجان جنوبی	آذربایجان شرقی	۰/۷۲۶	۰/۸۲۵	۰/۵۹۹	۰/۷۱۶
	آذربایجان غربی	۰/۷۰۵	۰/۸۰۵	۰/۵۸۸	۰/۶۹۹
	اردبیل	۰/۷۱۷	۰/۸۳۱	۰/۵۵۲	۰/۷۰۳
	قزوین	۰/۷۲۷	۰/۸۷۸	۰/۶۴۱	۰/۷۶۵
	همدان	۰/۷۱۴	۰/۸۴۰	۰/۵۶۸	۰/۷۱۰
	زنجان	۰/۷۱۰	۰/۸۲۹	۰/۵۹۶	۰/۷۱۲
اصفهان	۰/۷۶۳	۰/۸۷۷	۰/۶۵۴	۰/۷۶۵	۰/۷۸۹
ایلام	۰/۶۹۲	۰/۸۶۱	۰/۶۲۴	۰/۷۲۶	۰/۶۷۵
بوشهر	۰/۷۲۴	۰/۸۶۱	۰/۶۴۴	۰/۷۴۳	۰/۷۰۶
تهران	۰/۷۶۶	۰/۹۰۹	۰/۷۱۴	۰/۷۹۶	۰/۸۴۲
چهارمحال و بختیاری	۰/۷۲۰	۰/۸۶۶	۰/۶۱۰	۰/۷۳۱	۰/۶۸۲
خراسان	۰/۶۹۷	۰/۸۶۱	۰/۶۱۲	۰/۷۲۳	۰/۶۹۸
خوزستان	۰/۷۳۲	۰/۸۵۶	۰/۶۲۵	۰/۷۳۸	۰/۷۴۶
سمنان	۰/۷۴۴	۰/۸۷۱	۰/۶۰۶	۰/۷۴۰	۰/۷۵۱

^{۷۲} برنامه، شماره ۲۷۵، ص ۸، به نقل از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، دفتر برنامه ریزی و مدیریت اقتصاد کلان (سابق)

سیستان و بلوچستان	۰/۶۵۳	۰/۷۸۲	۰/۵۶۵	۰/۶۵۲	۰/۵۴۵
فارس	۰/۷۴۱	۰/۸۶۵	۰/۶۳۶	۰/۷۴۷	۰/۷۸۵
قزوین	۰/۷۲۷	۰/۸۷۸	۰/۶۴۱	۰/۷۶۵	-
قم	۰/۷۴۲	۰/۸۶۷	۰/۵۹۰	۰/۷۳۳	۰/۷۹۵
کردستان	۰/۶۶۲	۰/۸۱۱	۰/۵۶۸	۰/۶۶۷	۰/۶۱۹
کرمان	۰/۷۱۲	۰/۸۵۴	۰/۵۱۸	۰/۷۲۱	۰/۷۳۹
کرمانشاه	۰/۷۰۵	۰/۸۴۹	۰/۵۷۰	۰/۷۰۸	۰/۷۴۷
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۶۸۳	۰/۸۶۲	۰/۵۷۸	۰/۷۰۵	۰/۶۲۳
گلستان	۰/۷۱۴	۰/۸۴۲	۰/۶۶۲	۰/۷۲۶	-
گیلان	۰/۷۶۶	۰/۸۴۳	۰/۶۵۱	۰/۷۵۳	۰/۷۵۹
لرستان	۰/۷۰۲	۰/۸۳۴	۰/۵۸۲	۰/۷۰۳	۰/۶۸۰
مازندران	۰/۷۳۱	۰/۸۵۰	۰/۶۳۴	۰/۷۳۸	۰/۷۲۴
مرکزی	۰/۷۲۹	۰/۸۵۳	۰/۶۲۱	۰/۷۳۴	۰/۷۵۰
هرمزگان	۰/۷۲۰	۰/۸۳۴	۰/۶۱۱	۰/۷۱۸	۰/۶۹۳
یزد	۰/۷۵۶	۰/۸۷۱	۰/۶۰۸	۰/۷۴۵	۰/۷۷۸

همانطور که مشاهده می شود در جدول فوق آمارهای موجود، بیانگر وضعیتی است که استانهای آذربایجان جنوبی متأسفانه طبق روال پیشین، نه تنها از استانهای فارس نشین و نیز استانهای به ظاهر محروم عقب مانده اند، بلکه در بسیاری موارد در ردیفهای آخر قرار دارند. استانهای آذربایجان جنوبی در شاخص توسعه انسانی ۱۳۸۴، در مقایسه با شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۷۵ سقوط کرده اند، در مقابل استانهای فارس و به ظاهر محروم، نسبت به ۱۰ سال قبل پیشرفت قابل توجهی یافته اند. در زیر به پاره ای از این موارد اشاره می شود:

رتبه اول شاخص امید به زندگی در جدول فوق، مربوط به تهران و گیلان با ۰/۷۶۶ است. اصفهان، یزد، سمنان، قم، فارس، خوزستان، مازندران، مرکزی، در رتبه های ۳ الی ۱۰ قرار دارند. قزوین و آذربایجان شرقی تنها قبل از استانهای بوشهر، چهارمحال بختیاری و هرمزگان قرار دارند. این در حالیست که استانهای اردبیل، همدان، زنجان و آذربایجان غربی حتی از این استانهای محروم نیز عقب هستند.

در شاخص آموزشی نتایج بسیار جالبی بدست آمده است. استانهای آذربایجان جنوبی در شاخص آموزشی، در ردیفهای ۲۳ تا ۲۷ قرار دارند. استانهای تهران، اصفهان، یزد، سمنان، قم، چهارمحال و بختیاری، فارس، کهگیلویه و بویر احمد، بوشهر، خراسان، ایلام، خوزستان، کرمان، مرکزی، مازندران، کرمانشاه، گیلان، گلستان، همدان، هرمزگان، لرستان، استانهای قبل از آذربایجان جنوبی هستند. در بین استانهای فوق، هم استانهای فارس و هم استانهای به ظاهر محروم، هر دو نیز وجود دارند. بعد از استانهای آذربایجان جنوبی، تنها دو استان کردستان و سیستان و بلوچستان است.

شاخص درآمدی نیز حکایت از عقب ماندگی استانهای آذربایجان جنوبی در این حوزه دارد. استانهای تهران، اصفهان، گیلان، بوشهر، فارس، مازندران، خراسان، یزد، چهارمحال و بختیاری، سمنان و... همه بالاتر از استانهای آذربایجان جنوبی قرار دارند. پنج استان آذربایجان جنوبی بین ردیفهای ۱۷ تا ۲۱ قرار دارند. استان اردبیل نیز در ردیف ۲۵ شاخص درآمدی قرار گرفته است.

در شاخص توسعه انسانی سال ۱۳۷۵ هر چند که وضعیت استانهای آذربایجان جنوبی بهتر از سال ۱۳۸۴ است، لکن در همین دوره نیز وضعیت این استانها در مقایسه با استانهای فارس و محروم نامناسب است. استانهای آذربایجان جنوبی در رتبه های بعد از تهران، اصفهان، فارس، یزد، گیلان و سمنان و... در سال ۷۵ قرار دارد. بسیاری از استانهای محروم نیز در وضعیت مناسبی نسبت به استانهای

آذربایجان جنوبی قرار دارند. در این دوره استانهای آذربایجان غربی و همدان در ردیفهای ۲۲ و ۲۳ قرار دارند. استانهای آذربایجان جنوبی در سال ۱۳۸۴ از نظر شاخص توسعه انسانی در بدترین وضعیت قرار دارند. در حالیکه گیلان از رتبه ۶ به رتبه ۴ صعود یافته و بوشهر از ۱۵ به ۷، مازندران از ۱۳ به ۹، ایلام از ۲۱ به ۱۵ و... انتقال یافته اند، اما استان آذربایجان شرقی از رتبه ۱۴ به رتبه ۱۹، آذربایجان غربی از ۲۲ به ۲۶، اردبیل از ۱۶ به ۲۵، زنجان از ۹ به ۲۰ و... در بین استانهای آذربایجان جنوبی سقوط کرده اند. استانهای ایلام، چهارمحال و بختیاری، خراسان، کهگیلویه و بویر احمد، لرستان و هرمزگان در سال ۷۵ به ترتیب ۰/۶۷۵، ۰/۶۸۲، ۰/۶۹۸، ۰/۶۲۳، ۰/۶۸۰، ۰/۶۹۳ و پایین تر از اکثر استانهای آذربایجان جنوبی قرار دارند. این استانها در دوره زمانی دوم یعنی در سال ۱۳۸۴ با ۰/۷۲۶، ۰/۷۳۱، ۰/۷۲۳، ۰/۷۰۵، ۰/۷۰۳، ۰/۷۱۸ به رتبه های بالاتر از آذربایجان جنوبی صعود کرده اند. این در حالیست که استانهای آذربایجان شرقی از ۰/۷۱۹ به ۰/۷۱۶، اردبیل از ۰/۷۰۵ به ۰/۷۰۳، زنجان از ۰/۷۴۹ به ۰/۷۱۲ و... سقوط کرده اند.

همانگونه که در ابتدای این مطلب نیز رفت شاخص توسعه انسانی در تمامی کشورهای جهان به عنوان یکی از شاخصهای عمده توسعه در بین ملل جهان است که از سوی سازمان ملل مطرح شده است.

شاخص امید به زندگی نیز به عنوان شاخصی مرتبط با مسائلی چون بهداشت، تغذیه و... نیز ملاک مناسبی برای مقایسه استانها در جغرافیای موسوم به ایران است. چنانچه در جدول فوق نیز دیده می شود، شاخص امید به زندگی در استانهای آذربایجان جنوبی به صورت متوسط ۰/۷۱۶ است. این شاخص برای استانهای فارس- نشین و برخی از استانهای به ظاهر محروم با تفاوتی فاحش بیشتر از استانهای آذربایجان جنوبی است. به طوری که متوسط این شاخص برای استانهای فارس نشین ۰/۷۴۸ می باشد. در شاخص آموزشی نیز چنین وضعیتی وجود دارد. شاخص استان

آذربایجان شرقی از استانهای چون ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، کرمان، کرمانشاه، گلستان، لرستان، مازندران، هرمزگان و حتی کهگیلویه و بویراحمد نیز کمتر است. این در حالی است که متوسط شاخص آموزشی در چهار استان فارس نشین ۰/۸۷۱ و در استانهای آذربایجان جنوبی به جز قزوین^{۷۳} به طور متوسط ۰/۸۲۶ است. این عدد نشان می‌دهد متوسط شاخص آموزشی در استانهای آذربایجان جنوبی حتی از استانهای به ظاهر محرومی چون ایلام ۰/۸۶۱، چهارمحال و بختیاری ۰/۸۶۶، بوشهر ۰/۸۶۱، کرمانشاه ۰/۸۴۹، کهگیلویه و بویراحمد ۰/۸۶۲، لرستان ۰/۸۳۴ و هرمزگان ۰/۸۳۴ نیز کمتر است. شاخص درآمدی نیز گویای هماهنگی ارگانیک بین شاخصهای مختلف در شاخص توسعه انسانی و مسئله تبعیض در بین استانهاست. استان همدان در حالی شاخص درآمدی ۰/۵۶۸ را تجربه می‌کند که استان یزد در این دوره شاخص درآمدی ۰/۶۰۸ را داشته است. شاخص درآمدی استان زنجان نیز در مقایسه با استان سمنان ۰/۰۱۲ واحد کمتر است. استان آذربایجان شرقی وضعیت اسفباری را در مقایسه با استان فارس نشین اصفهان با تبعیض ۰/۰۵۵ تجربه می‌کند. به طور متوسط شاخص درآمدی در استانهای آذربایجان جنوبی ۰/۵۹۰، تهران ۰/۷۱۴، استانهای فارس نشین ۰/۶۲۰ و استانهای به ظاهر محروم ۰/۵۹۷ است.

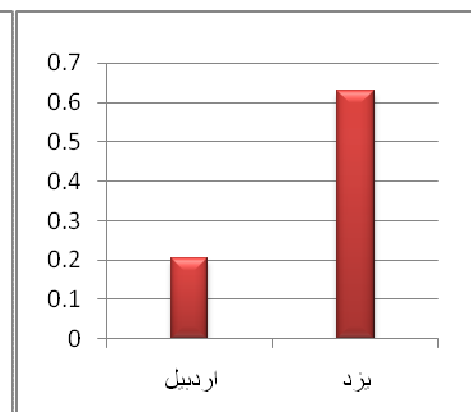
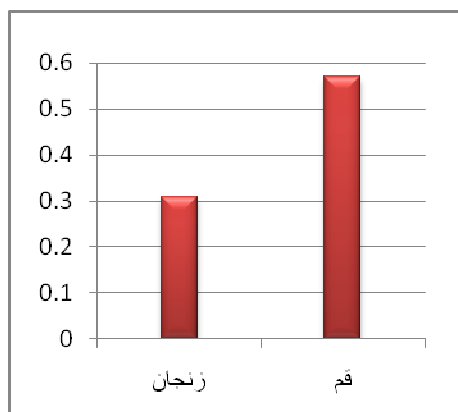
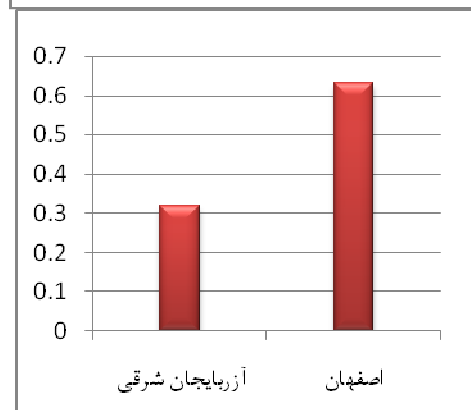
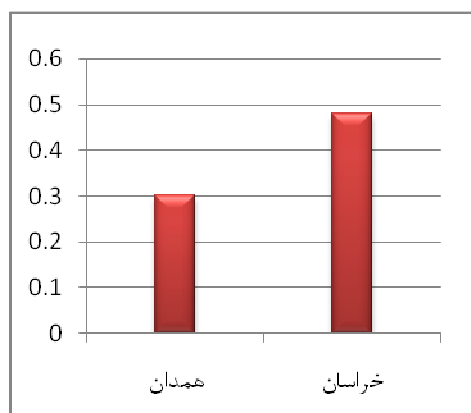
^{۷۳} شاخص آموزشی در استان قزوین به دلیل سرریز دانشجو از تهران به این استان در این قسمت لحاظ نشده است.

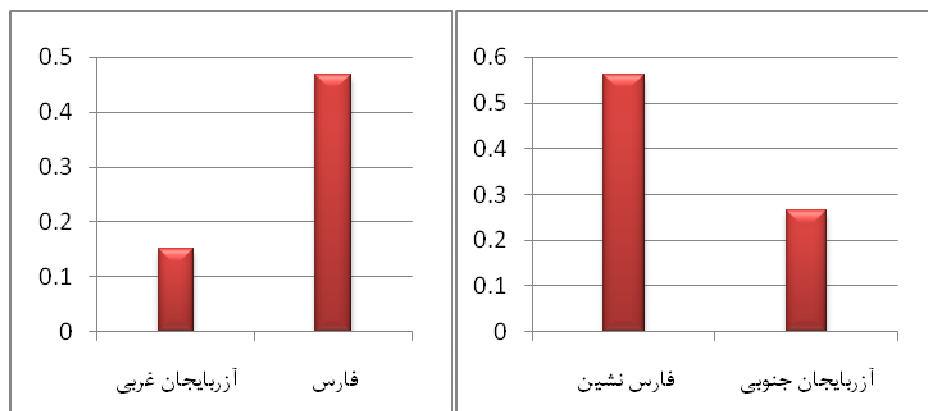
د رجه بندی استانها بر حسب ضریب توسعه اقتصادی و اجتماعی

ضریب توسعه اجتماعی در جغرافیای موسوم به ایران، نسبت آشکاری را بین مسئله زبان، ملیت و سطح توسعه نشان می‌دهد. چنانکه در جدول زیر^{۷۴} مشاهده می‌شود استانهای فارس نشین بدون استثنا در رتبه‌های اول و استانهای آذربایجان جنوبی و قومی عموماً در رتبه‌های آخر قرار دارند. به عنوان مثال، استان اردبیل در حالی در رتبه ۲۲ جدول قرار گرفته است که استان سمنان رتبه ۴ را در این جدول به خود اختصاص داده است. استان آذربایجان غربی نیز در حالی در رتبه ۲۴ قرار گرفته است که استان فارس رتبه ۶ را داراست. استان آذربایجان شرقی نیز ۱۱ رتبه پایین‌تر از استان اصفهان قرار دارد. تفاوت استان همدان آذربایجان جنوبی با رتبه ۱۹ در مقایسه با رتبه ۳ استان یزد تأمل برانگیز است. به طور خلاصه رتبه‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹ و ۱۰ همگی از آن استانهای فارس نشین است. معالاف باز هم رتبه

^{۷۴} علیرضا علوی تبار، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد ۲، تهران، ۱۳۸۰، ص ۴۷

استانهای آذربایجان جنوبی یعنی ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۲۲ و ۲۴ در قعر جدول قرار دارد. این در حالی است که اکثر استانهای به ظاهر محروم به لحاظ ضریب توسعه اجتماعی وضعیتی به مراتب بهتر از استانهای آذربایجان جنوبی دارند.





نمودار های مقایسه ای ضریب توسعه اجتماعی بین گروه آذربایجان جنوبی و استانهای فارس نشین

رتبه	نام استان	ضریب توسعه اجتماعی
۱	تهران	۰/۶۸۱
۲	اصفهان	۰/۶۱۶
۳	یزد	۰/۶۱۵
۴	سمنان	۰/۵۶۵
۵	قم	۰/۵۵۱
۶	فارس	۰/۴۶۷
۷	خراسان	۰/۴۵۰
۸	گیلان	۰/۴۲۲
۹	مرکزی	۰/۴۰۸
۱۰	مازندران	۰/۳۹۶
۱۱	کرمان	۰/۳۹۴
۱۲	بوشهر	۰/۳۷۱
۱۳	آذربایجان شرقی	۰/۳۳۸
۱۴	خوزستان	۰/۳۳۷
۱۵	کرمانشاه	۰/۳۳۶
۱۶	چهارمحال و بختیاری	۰/۳۲۴

۰/۳۲۴	زنجان	۱۷
۰/۳۰۸	ایلام	۱۸
۰/۳۰۴	همدان	۱۹
۰/۲۶۳	لرستان	۲۰
۰/۲۲۶	کهکیلویه و بویراحمد	۲۱
۰/۲۱۲	اردبیل	۲۲
۰/۱۸۰	هرمزگان	۲۳
۰/۱۵۰	آذربایجان غربی	۲۴
۰/۱۰۱	کردستان	۲۵
-۰/۱۱۶	سیستان و بلوچستان	۲۶

در ضریب توسعه اجتماعی و اقتصادی نیز استانهای آذربایجان جنوبی همانند شاخص قبلی در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برند.^{۷۵}

^{۷۵} همان، ص ۴۶



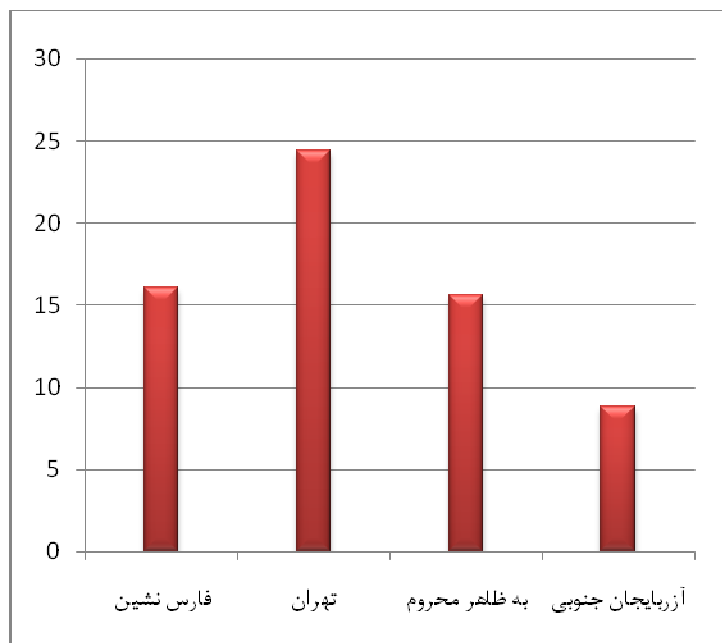
سهم استانها از GDP کشور بدون نفت و گاز بر اساس آمارهای منتشر شده در سال ۱۳۸۲ نشان دهنده تفاوت در بهره‌مندی اقتصادی استانهای مختلف کشور است. GDP مجموعه‌ای از کل هزینه‌های مصرفی به اضافه سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی همراه با خرید کالا و خدمات دولت، به اضافه یا منهای صادرات خالص کالا و خدمات است. در این قسمت می‌بینیم چگونه همدان آذربایجان جنوبی با اینکه ۲/۵ درصد جمعیت کشور را داراست، ۱/۸۳ درصد از کل GDP کشور را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که سهم استان اصفهان به تنهایی بیشتر از چهار برابر استان همدان، یعنی ۷/۵۸ درصد است. این سهم در استان خراسان رضوی ۷/۳۷، در استان فارس ۵/۲، در استان یزد ۱/۴۶ و در استان سمنان ۰/۹۳ درصد است. در مجموع ۵ استان فارس زبان ۲۲/۵۴ درصد و ۶ استان آذربایجانی

کمتر از نصف این میزان یعنی در مجموع حدوداً ۱۱ درصد از GDP کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند. چهار استان فارس‌نشین تقسیم‌بندی شده در متد تحقیق ما نیز ۱۷/۳۴ درصد از کل GDP کشور بوده است. استان تهران نیز به تنهایی ۳۱/۱۶ درصد از GDP کل کشور را داراست.^{۷۶}

^{۷۶} برنامه، شماره ۲۲۰، سال ۶، شنبه ۲ تیر ۱۳۸۶، ص ۹

م حصول ناخالص داخلی استانهای کشور

در این قسمت خواهیم دید چگونه به دلیل عدم سرمایه گذاری در استانهای آذربایجانی و فرار سرمایه از این استانها که در اثر ممنوعیت سرمایه گذاری ومحدودیت های پیدا و پنهان اتفاق می افتد محصول ناخالص داخلی در استانهای آذربایجان جنوبی از ۱۰/۴ در سال ۱۳۷۹ به ۸/۸ در سال ۱۳۸۴ کاهش پیدا میکند. این در حالی است که در همین زمان محصول ناخالص داخلی استانهای فارس نشین از ۱۴ به ۱۶/۱ افزایش پیدا کرده است.



نمودار مقایسه ای سهم گروه - استانها از محصول ناخالص داخلی

نام استان	۱۳۷۹	۱۳۸۴
آذربایجان شرقی	۴	۳/۲
آذربایجان غربی	۲/۲	۱/۸
اردبیل	۱	۰/۸
زنجان	۰/۹	۰/۷
قزوین	۱/۱	۱/۲
همدان	۱/۳	۱/۱
مجموع	۱۰/۴	۸/۸

نام استان	۱۳۷۹	۱۳۸۴
تهران	۲۴/۴	۲۷/۵

نام استان	۱۳۷۹	۱۳۸۴	فارس نشین
اصفهان	۶/۲	۷/۱	
خراسان رضوی	۶/۰	۶/۳	
یزد	۱/۱	۱/۸	
سمنان	۰/۷	۰/۹	
مجموع	۱۴	۱۶/۱	

نام استان	۱۳۷۹	۱۳۸۴	به ظاهر محروم
ایلام	۰/۶	۱	
بوشهر	۱/۰	۲/۲	
چهارمحال و بختیاری	۱/۶	۰/۷	
سیستان و بلوچستان	۱/۱	۱	
کردستان	۰/۹	۰/۹	
کرمان	۲/۲	۲/۶	
کهگیلویه و بویراحمد	۵/۲	۴/۲	
لرستان	۱/۳	۱/۲	
هرمزگان	۱/۹	۱/۸	
مجموع	۱۵/۸	۱۵/۶	

چنانچه در جداول بالا مشاهده می شود همه استانهای آذربایجان جنوبی بجز استان قزوین سهم خود از محصول ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۴ به نسبت سال ۱۳۷۹ را از دست داده اند.

استانهای فارس نشین اما به صورت نسبی در این سالها دراین شاخص جایگاه بهتری را کسب کرده اند.

محصول ناخالص داخلی در استان ایلام در سال ۱۳۷۹ ۰/۶ درصد بوده است که در سال ۱۳۸۴ به ۰/۱ درصد افزایش پیده کرده است. محصول ناخالص داخلی در استان بوشهر در دوره های مذکور از ۱ درصد به ۲/۲ درصد، در کرمان از ۲/۲ درصد به ۲/۶ درصد، در استان اصفهان از ۶/۲ به ۷/۱ درصد، در خراسان رضوی از ۶ به ۶/۳ درصد، در یزد از ۱/۱ به ۱/۸ درصد، در سمنان از ۰/۷ به ۰/۹ درصد و در تهران از ۲۴/۴ به ۲۷/۵ افزایش پیدا کرده است.

در استان قزوین این رقم از ۱/۱ به ۱/۲ درصد افزایش پیدا کرده است.

در همه استانهای آذربایجان جنوبی بجز استان قزوین این رقم به نسبت سال ۱۳۷۹ در سال ۱۳۸۴ کاهش پیدا کرده است.

مقایسه شاخص مرکب اقتصادی

به منظور مطالعه جامع تر روند تغییرات پراکندگی های استانی در کشور عموماً از روش تحلیل عوامل استفاده می شود. این روش ما را قادر می سازد تا شاخصهای مرکب (Composite Indices) ساخته و با استفاده از آنها بحثمان را پیگیری کنیم. دلیل ساختن شاخصهای مرکب این است که یک استان ممکن است از جهت یک شاخص رتبه بالایی داشته باشد ولی در شاخصهای دیگر وضعیت آن ثابت نباشد. در چنین مواردی انتخاب یک شاخص در یک روش علمی برای مقایسه نمی تواند ما را به نتیجه درستی هدایت کند. استفاده از شاخصهای مرکب برای رفع این مشکل مناسب است. برای ساختن شاخصهای مزبور تعداد ۲۱ شاخص از بخشهای مختلف انتخاب (هفت شاخص صنعتی، سه شاخص کشاورزی، سه شاخص خدمات و هشت شاخص امکانات زیربنایی و شهرنشینی) و روش فوق در مورد آنها اجرا شده و شاخصهای مرکب در هر بخش استخراج گردیده است. در این قسمت Z شاخص مرکب اقتصادی را نشان می دهد.

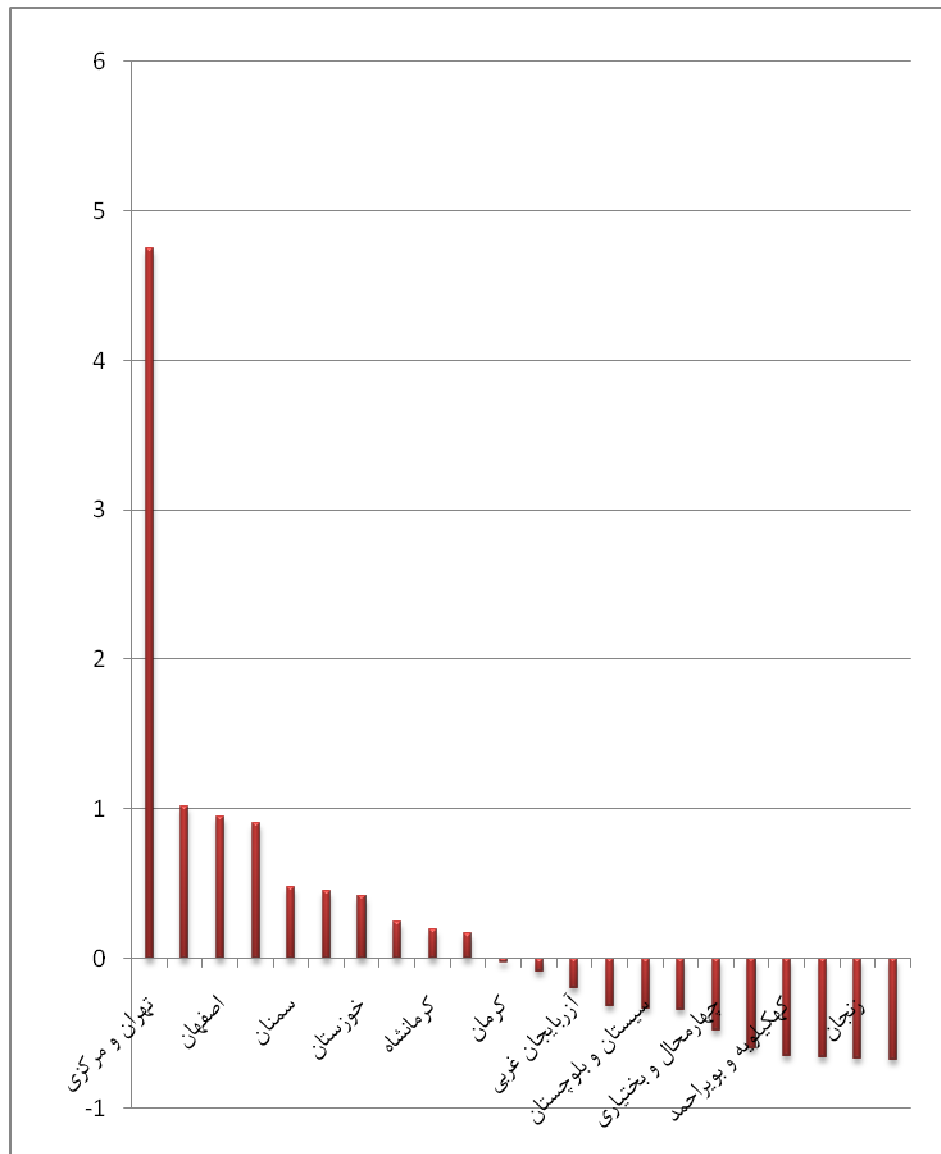
مقدار Z در سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۷۰^{۷۷} نشان دهنده رابطه بین ملیت و نابرابری اقتصادی در جغرافیای چند ملیتی تحت استعمار رژیم فارس است. چنانچه در این تقسیم بندی دیده می شود گروه توسعه یافته و گروه نسبتا توسعه یافته متشکل از استانهای فارس زبان می باشد. در حالی که گروه استانهای کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته عموما از استانهای غیرفارس زبان و آذربایجان جنوبی است. استانهای تهران، گیلان، اصفهان، سمنان، یزد، کرمان، مازندران و فارس جزو استانهای فارس زبانی هستند که در گروه توسعه یافته و نسبتا توسعه یافته قرار دارند. مقدار Z در تمام استانهای آذربایجان جنوبی در سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۷۰ منفی بوده است. این رقم در تمام استانهای فارس نشین در همین سالها مثبت بوده است. متوسط رتبه استانهای فارس نشین متد تحقیق ما در سال ۱۳۵۰، ۴/۵ بوده است. در حالی که متوسط این رتبه در استانهای آذربایجان جنوبی در سال ۱۳۵۰، ۱۵/۵ بوده است. این رتبه در دهه ۱۳۷۰ برای استانهای فارس نشین، ۴ و برای استانهای آذربایجان جنوبی، ۱۴/۵ بوده است. متوسط مقدار Z در چهار استان فارس نشین در سال ۱۳۵۰، ۶۱/۰+ بوده است. این مقدار در استانهای آذربایجان جنوبی ۳۱/۰- در همین سال است. این مقدار در سال ۱۳۷۰ برای استانهای فارس با افزایش ۰/۰۲ به ۶۳/۰+ رسیده است. این رقم برای استانهای آذربایجان جنوبی با کاهش ۰/۰۹ به ۴۰/۰- کاهش پیدا کرده است.

گروه توسعه یافته			گروه توسعه یافته		
نام استان	مقدار Z	رتبه -	نام استان	مقدار Z	رتبه -
		۱۳۵۰			۱۳۷۰

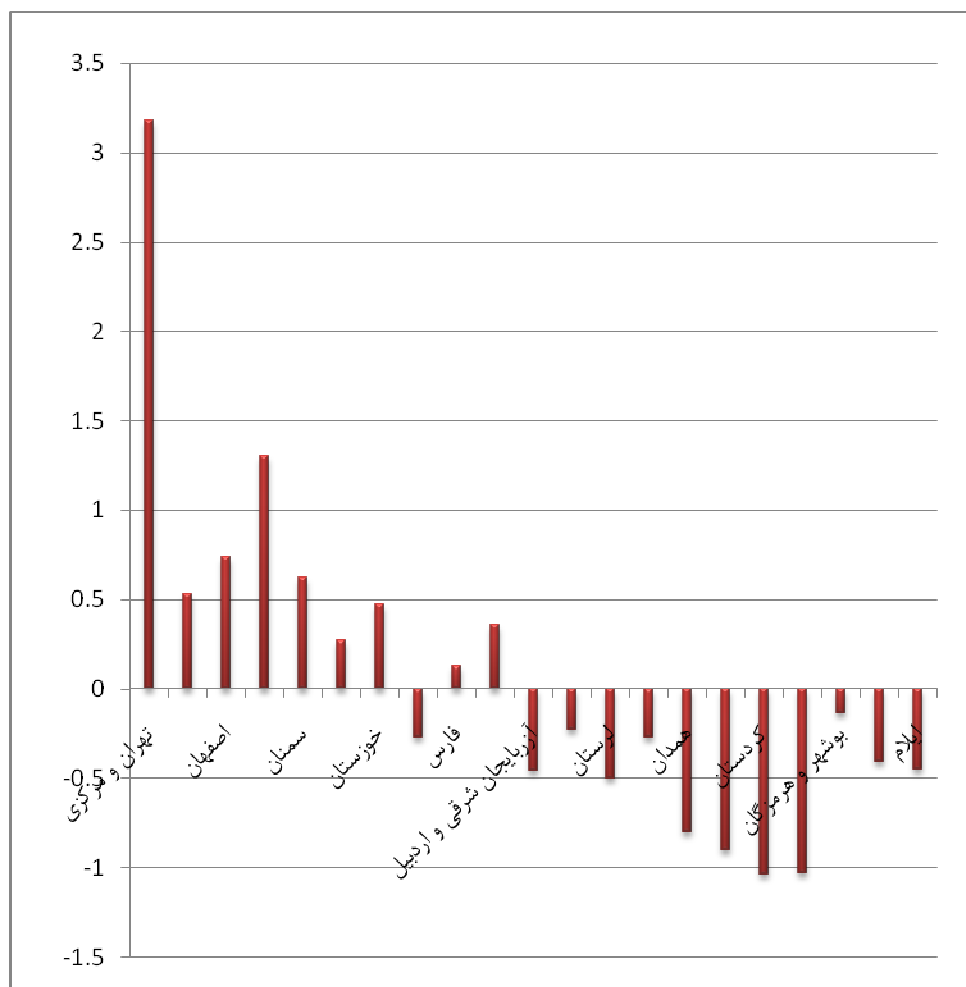
^{۷۷} اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۱۲، شماره اول و دوم ۱۲۱-۱۲۲، ص ۱۷۷

۱	۳/۱۸	تهران و مرکزی	۱	۴/۷۵	تهران و مرکزی
۲	۱/۳۰	گیلان	۲	۱/۰۲	یزد
گروه نسبتاً توسعه یافته			گروه نسبتاً توسعه یافته		
۳	۰/۷۴	اصفهان	۳	۰/۹۵	اصفهان
۴	۰/۶۲	سمنان	۴	۰/۹۱	گیلان
۵	۰/۵۳	یزد	۵	۰/۳۳	سمنان
۶	۰/۴۷	خوزستان	۶	۰/۳۱	مازندران
۷	۰/۳۶	کرمان	۷	۰/۳۰	خوزستان
۸	۰/۲۷	مازندران	۸	۰/۱۴	خراسان
۹	۰/۱۳	فارس	۹	۰/۱۲	کرمانشاه
-	-	-	۱۰	۰/۰۹	فارس
گروه کمتر توسعه یافته			گروه کمتر توسعه یافته		
۱۰	-۰/۱۴	بوشهر و هرمزگان	۱۱	-۰/۰۵	کرمان
۱۱	-۰/۱۶	آذربایجان غربی	۱۲	-۰/۰۸	آذربایجان شرقی و اردبیل
۱۲	-۰/۲۷	کرمانشاه	۱۳	-۰/۱۶	آذربایجان غربی
۱۳	-۰/۲۷	سیستان و بلوچستان	۱۴	-۰/۳۲	لرستان
۱۴	۰/۳۷	زنجان	۱۵	-۰/۳۳	سیستان و بلوچستان
۱۵	-۰/۴۵	آذربایجان شرقی و اردبیل	۱۶	-۰/۳۴	همدان
۱۶	-۰/۴۷	ایلام	۱۷	-۰/۴۸	چهارمحال و بختیاری

۱۷	-۰/۵۵	لرستان	۱۸	-۰/۶۰	کردستان
۱۸	-۰/۶۵	همدان	۱۹	-۰/۶۵	کهکیلویه و بویراحمد
-	-	-	۲۰	-۰/۶۶	بوشهر و هرمزگان
۲۰	-۰/۹۰	چهارمحال و بختیاری	۲۱	-۰/۶۷	زنجان
گروه توسعه نیافته			گروه توسعه نیافته		
۲۱	-۱/۰۳	کهکیلویه و بویراحمد	-	-	-
۲۲	-۱/۰۴	کردستان	-	-	-



نمودار مقایسه ای مقدار Z در سال ۱۳۵۰ به تفکیک استانها



نمودار مقایسه ای مقدار Z در سال ۱۳۷۰ به تفکیک استانها

نتیجه گیری

دیدگاه‌های نظری متنوعی برای تبیین رابطه مرکز و پیرامون در نظام های اقتدارگرا و توتالیترا ارائه شده است. نظریات "وایستگی" و "استعمار داخلی" و "هژمونی" که در مورد اخیر از طرف آنتونی گرامشی متفکر ایتالیایی ارائه شده از جمله این نظریه هاست.

گرامشی معتقد است که هژمونی ابتدا در عرصه های فرهنگ و اقتصاد شکل می گیرد و سپس به عرصه های سیاسی تسری می یابد. نظریه همبستگی معتقد است که رابطه اقتصادی بین مرکز و پیرامون رابطه ای است یک طرفه نه مبتنی بر تعامل. یعنی اقتصاد پیرامون یا حاشیه تبدیل به تابعی از نیازهای مرکز می شود. حاشیه مجبور است همان چیزی را تولید کند که مرکز نیاز دارد. قیمت های تولیدات حاشیه به دلخواه مرکز تعیین می شود. قیمت های مبادله تنوع و کیفیت و کمیت تولیدات حاشیه به دلخواه مرکز تعیین می شود و در این رابطه همیشه مرکز سود بیشتری می برد و مازاد را جذب می کند و حاشیه متضرر می شود و مازاد تولید را به مرکز منتقل می شود.

بر اساس نظریه استعمار داخلی، در یک کشور بخشی از کشور بخش دیگری را استعمار می کند. معمولاً در چنین کشوری به علت تنوع ملیت ها، در فضایی غیر دموکراتیک، اقتدارگرا و توتالیترا، یک گروه ملی بر بقیه گروه یا گروه های ملی دیگر

سلطه می یابد و منابع و امکانات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی گروه های ملی سرکوب شده به نفع گروه ملی حاکم که دارای مواضع فاشیستی و راسیستی نسبت به ملل تحت سلطه استثمار می شود. و ملل تحت سلطه فاقد هر نوع حقی برای بیان هویت ملی خود می باشند و تمام علائق و منافع فرهنگی و سیاسی واقتصادی آنان سرکوب می شود. خط مشی و استراتژی های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به نحوی طراحی و اجرا می شوند که ملت حاکم بیشترین منافع را از آن خود می نماید و ملل تحت سلطه آن فقط در راستای تأمین منافع ملت حاکم می توانند حرکت نمایند. در غیر این صورت با سرکوب نظام فاشیستی و راسیستی حاکم روبرو خواهند شد. در چنین نظامی نوعی ظالمانه از رابطه فراتری و فروتری بین ملت حاکم و ملل تحت سلطه برقرار می شود که کار ویژه فرهنگ و نماد های فرهنگی، مذهبی و علمی توجیه وضعیت فراتری و فروتری موجود است به نحوی که این وضعیت ظالمانه و غیر انسانی و استعماری کاملاً جلوه می نماید.

نظام سیاسی فقط به نیروهای اجتماعی و سیاسی حامی وضعیت موجود اجازه فعالیت می دهد که تثبیت کننده این رابطه ظالمانه فراتری و فروتری باشند. و به نیرو های مخالف این وضعیت هیچ گونه فضا و امکانی ایجاد نمی کند. دستگاه امنیتی و سرکوب نیز همه جا حضور دارد و کوچکترین فعالیت فکری، سیاسی و حتی اقتصادی بر علیه این نظام ظالمانه را سرکوب می نماید. بنابراین در این گونه نظام ها با فضایی توتالیتار روبرو هستیم که حتی تلاش می کند زندگی خصوصی و خانوادگی

افراد و اجتماعات را در راستای منافع فاشیسم حاکم کنترل کند و تام فعالیت ها، اعمال، رفتارها و افکار حتی آنهایی که اساسا به شکل مستقیم در عرصه فعالیتها و افکار سیاسی مخلف قرار نمی گیرند کنترل و در مسیر منافع نظام حاکم فراتری و فروتری سوق داده می شوند.

تمامی نهاد های دولتی، غیر دولتی و منابع اجبار آمیز قدرت مانند ارتش، نیروهای امنیتی، پلیس و منابع غیر اجبار آمیز نظیر آموزش و پرورش، نهادهای مذهبی، فرهنگی و علمی و همچنین نهاد های اقتصادی اعم از دولتی و خصوصی به صورتی هماهنگ در راستای منافع نظام فراتری و فروتری بسیج شده و عمل می کنند. و روز به روز فاصله مرکز و حاشیه در تمامی شاخص های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی افزایش می یابد. و منابع و منافع حاصل از این رابطه نابرابر در اختیار مرکز قرار می - گیرد و حاشیه رد مقایسه با مرکز روز به روز فقیرتر مشود و رابطه فراتری و فروتری عمق بیشتری می یابد.

این تحقیق با حداقل امکانات انجام شده است. در حالیکه مراکز تحقیقی و پژوهشی دولتی دهها و صد ها میلیارد تومان بودجه سالانه دارند که در راستای علائق و منافع نظام فاشیستی حاکم تحقیقات انجام داده و بهترین راهکار ها و استراتژیها را در چارچوب ایدئولوژی حاکم برای رسیدن به حداکثر منافع به آن ارائه می نمایند.

نظام فراتری و فروتری در عرصه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به عنوان اضلاع یک مثلث هماهنگ عمل می نماید. تحقیر در عرصه فرهنگی و به حاشیه راندن در نهایت حذف هویت های ملی تورک، عرب، کرد، تورکمن، بلوچ و... از یک سو در عرصه سیاسی نیز به حاشیه راندن و سرکوب هر نوع فعالیت سیاسی خارج از چارچوب منافع نظام فاشیستی فارسگرا و در عرصه اقتصادی نیز تمرکز منابع و سرمایه گذاریها در مناطق فارس زبان و افزایش سطح رفاه و توسعه اقتصادی در مناطق فارس زبان و استثمار منابع آذربایجان جنوبی، عربستان (خوزستان)، کردستان، تورکمن صحرا، بلوچستان و... به نفع مناطق فارس زبان باعث گسترش فقر و معضلات دیگر مانند اعتیاد، بزهکاری، جرم جنایت، رشوه خواری، منازعات خانوادگی و... در میان ملل محروم از حق تعیین سرنوشت می گردد. و هر سه عرصه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به شکل هماهنگ در راستای منافع نظام حاکم و به ضرر منافع ملل تحت سلطه مدیریت می گردد.

محدودیت دسترسی به اسناد، اطلاعات و تصمیم گیری های خرد و کلان محرمانه که معمولاً تاکتیک ها و استراتژیهای اجرایی فاشیسم فارس برای انتقال منابع اقتصادی آذربایجان جنوبی به تهران و مناطق فارس زبان می باشند که انتشار نمی یابد. موارد ذکر شده اطلاعاتی است که در رسانه های گروهی و در دسترس عموم از طریق منابع دولتی چاپ شده و فقط تاباندن نوری بر جنایات فرهنگی و سیاسی و

اقتصادی و... در آذربایجان جنوبی است. بنابراین تحقیقات گسترده و جدیدی در این راستا نیاز است.

مقایسه جمعیت آذربایجان جنوبی و استان تهران در آمارگیری سال ۱۳۳۵ با آمار گیری ۱۳۸۵:

جمعیت آذربایجان جنوبی بر اساس بر آورد حکومت مرحوم سید جعفر پیشه وری ۵ میلیون نفر بوده است. در آمار گیری سال ۱۳۳۵ جمعیت آذربایجان جنوبی به ۵/۵ میلیون نفر می رسد. جمعیت استان مرکزی آن زمان (شامل استانهای فعلی تهران، مرکزی، قم و قزوین می باشد) ۲/۷ میلیون نفر می باشد. در سال ۱۳۸۵ این ۲/۷ میلیون نفر به ۱۷ میلیون نفر رسیده است در حالیکه جمعیت آذربایجان جنوبی به ۱۰ میلیون نفر رسیده است.

کاهش سهم آذربایجان جنوبی از کل اقتصاد کشور که از طریق تمرکز سرمایه گذاری های کلان خصوصی و دولتی و کاهش در آمد و افزایش فقر در آذربایجان جنوبی حاصل می گردد.

حقوق دریافتی کارکنان دولت از وزارتخانه ها و سازمان های مشابه در تهران بیشتر از حقوق کارکنان دولت در آذربایجان جنوبی است.

ذکر مواردی از ممانعت سرمایه گذاری بخش خصوصی در آذربایجان جنوبی و راهنمایی مقامات ادارات صنایع در آذربایجان جنوبی برای رفتن این سرمایه گذاران به مراکز فارس نشین :

در حوزه سرمایه گذاری دولتی در امور مذهب مانند ساختن مراکز اقامه نماز، وضو خانه، اعزام حجاج به مکه و مدینه تبعیض های گسترده ای علیه آذربایجان جنوبی اعمال می شود و مناطق فارس زبان بیشترین بودجه و سرمایه گذاری را دریافت می کنند. برای نمونه وضوخانه ها و مساجد کنار جاده های بین شهری در آذربایجان جنوبی عمدتاً توسط خود مردم ساخته شده است و لی در مناطق فارس زبان دولت نیز در ساختن این گونه مراکز به شکلی گسترده اقدام کرده است.

از کارخانه های تولید تسلیحات و ادوات نظامی متعلق به وزارت دفاع، ارتش و سپاه حتی یکی از آنها مانند توپ، تانک، خمپاره، هلی کوپتر، نفر بر و... در آذربایجان جنوبی قرار ندارند.

ساخت پادگان و تاسیسات نظامی در آذربایجان جنوبی به جز تاسیسات و پادگاههایی که در دوره پهلوی و در طول جنگ ایران و عراق به دلیل ضرورت برای ارتش و سپاه و بسیج ایجاد شده بود، متوقف شده است. یعنی نه تنها هیچ کارخانه تولید تسلیحات و ادوات نظامی در آذربایجان جنوبی تاسیس نشده است بلکه در طول ۲۲

سال بعد از پایان جنگ ایران و عراق تقریباً هیچ گونه ابنیه و تاسیسات نظامی اعم از انبار، تسلیحات، احداث پادگان، آشیانه هواپیما و... نیز ساخته نشده است و همچنان همان تاسیسات ایجاد شده در چند دهه قبل که عموماً فرسوده شده استو نیاز به نوسازی دارند، مورد استفاده قرار میگیرند. چون ایجاد تاسیسات نضامی و پادگان و... نیازمند سرمایه گذاری و باعث عمران و ایجاد اشتغال، هر چند محدود می گردد که رژیم از آن ممانعت به عمل می آورد.

برای گسترش زبان فارسی در آذربایجان جنوبی و یا به عبارت دقیق تر «از بین بردن زبان تورکی آذربایجان جنوبی» رژیم با تبلیغات گسترش و ترویج آموزش زبان فارسی در مدارس، دانشگاهها، نهضت سواد آموزی، رادیو و تلویزیون و ایجاد «موسسه خیرین مدرسه ساز» تلاش می کند از احساسات خیرخواهانه و انسان دوستانه ی تورکهای آذربایجانی نهایت سوء استفاده را بنماید و بدون آنکه از بودجه عمومی آموزش و پرورش به آذربایجان جنوبی برای ساخت و ساز دانشگاهها و مدارس اختصاص دهد از جیب انسانهای خیر آذربایجان این بودجه را تأمین می کند.

البته کارها و اقدامات خیرین مدرسه ساز بسیار ستودنی و غیر قابل انتقاد است، اما در اینجا اشاره به اعمال و اهداف شوم رژیم برای پیگیری و اجرای سیاستهای فاشیستی فارس سازی بر علیه آذربایجان جنوبی است که حتی امور خیریه را نیز مورد سوء استفاده قرار می دهد.

هنگام حرکت در جاده های آذربایجان جنوبی اگر به کامیونها و تریلی های حمل کننده کالا ها دقت کنیم. آنچه مشاهده می شود این است که عموماً سنگهای ساختمانی، معدنی و مواد خام، میوه و محصولات کشاورزی را به سوی تهران حمل می کنند که ارزش افزوده ای برای آذربایجان جنوبی تولید نمی کنند و برعکس کامیون ها و تریلی هایی را مشاهده می کنید که لوازم خانگی، لوازم صنعتی، ماشین های سواری و... از تهران به سوی آذربایجان جنوبی می برند. یعنی کالاهایی که ارزش افزوده ای تولید می کنند اکثراً در تهران و مناطق فارس زبان تولید می شوند. به عبارت دیگر این رابطه مبادله آذربایجان جنوبی را به مستعمره ی تهران و مناطق فارس نشین تبدیل کرده است، مواد خام فاقد ارزش افزوده در مقابل کالاهای صنعتی دارای ارزش افزوده است.

با وجود این که معدن مس در قارا داغ آذربایجان جنوبی واقع است، با این حال فرآوری مس در رفسنجان و کرمان انجام می گیرد و تیم فوتبال مس نیز متعلق به رفسنجان و کرمان به لیگ برتر مسابقات آسیایی اعزام می گردد. معدن آلومینا به عنوان ماده اولیه تولید آلومینیم نیز در شهرهای سراب، اردبیل، کلبر، اهر و اوجان (بستان آوا) قرار دارد ولی کارخانه آلومینیم سازی المهدی در بندر عباس احداث می شود. معادن طلای آق دره و زره شوران در آذربایجان جنوبی به شکل خام استخراج و برای فرآوری به اصفهان ارسال می گردد. طلا، مس، آلومینیم و... از آذربایجان به شکل خام استخراج و در مناطق فارس زبان فرآوری می شود و پول آن نیز صرف آبادی و پیشرفت آنها می گردد و برای شهرها و روستاهای آذربایجان جنوبی نیز فقط آلودگی های زیست محیطی و غارت منابع آنها باقی می ماند. همین

گونه است که معدن خاک چینی در مرند ولی کارخانجات سرامیک سازی و کاشی سازی در اصفهان، یزد، سمنان، کاشان، تهران و... قرار دارد.

اهمیت اقتصاد در حیات ملتها و رقابت‌های اقتصادی در میان ملتها برای پیشرفت اقتصادی و تسلط بر منابع انرژی، منابع طبیعی، بازارهای جهانی، مالیه بین‌المللی، و رقابت‌های تکنولوژیک ملتها (Techno-nationalism) امروز بر کسی پوشیده نیست تا نیازی به تذکر آن باشد. افزایش فزاینده احتیاجات انسانی و تلاش ملتها برای برخورداری شدن از بیشترین امکانات زندگی امروزی، تأمین امنیت ملی از طریق افزایش بودجه ارتش‌ها و تجهیزات پیشرفته نظامی، توسعه فرهنگی و رقابت در عرصه رسانه‌های الکترونیکی، تکنولوژی اطلاعات، تولیدات علمی، ادبی و... همگی با توان اقتصادی ملتها ارتباط تنگاتنگی دارند، حتی تحقیقات علمی اعم از بنیادی و یا کاربردی بعنوان مبنایی برای توسعه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... نیازمند منابع عظیم مالی و اقتصادی است. بطور کلی هر نوع چشم اندازی از توسعه بدون وجود منابع اقتصادی در دسترس غیر قابل تصور است.

به همین جهت کشورهای که در آن تورکیب چند ملیتی وجود دارد و به صورتی غیر دموکراتیک اداره می‌شوند و یک ملت، ملل دیگر را تحت سلطه خود قرار داده است، ملت حاکم جهت دوام سلطه خود ضمن انکار هویت ملی ملل تحت سلطه، از نظر اقتصادی نیز امکان توسعه اقتصادی و اتکا به تواناییهای داخلی برای استقلال ملل تحت سلطه را غیر ممکن می‌سازد. زیرا توسعه اقتصادی و برخورداری از سطحی از

تواناییهای اقتصادی و رفاه ملل تحت سلطه، باعث احساس شخصیت در آنها و حرکتشان به سوی استقلال از ملت حاکم می گردد. ملت حاکم برای جلوگیری از توسعه اقتصادی ملل تحت سلطه خود ترتیبات دراز مدتی را اتخاذ می کند که بر اساس آن همیشه ملت حاکم از نظر سطح توسعه اقتصادی در سطحی بالاتر از ملل تحت سلطه اش قرار می گیرد و ملل تحت سلطه در سطوح پایین تر توسعه نسبت به ملت حاکم قرار می گیرند. اکثریت صنایع پیشرفته و زیرساختهای ارتباطی، علمی، تکنولوژیکی و صنعتی در مناطق سکونت ملت حاکم احداث می شود و در مناطق سکونت ملل تحت سلطه تا حد ممکن از احداث این نوع صنایع جلوگیری می شود و در صورت اقتضای منافع ملت حاکم، صنایع با تکنولوژی عقب مانده، صنایع تولید مواد خام معدنی، محصولات کشاورزی و... برای رفع نیازهای ملت حاکم ایجاد می شود، به نحوی که ملل تحت سلطه مجبورند کالاها و محصولات تولیدی خود را به قیمت های مورد نظر ملت حاکم به آن بفروشند و در صورت استقلال توان اداره امور اقتصادی خود را نداشته باشند و فروش محصولات خام، معدنی، کشاورزی و... خودشان را به دیگر نقاط جهان به سختی امکان پذیر خواهند دید.

جاده های اصلی ارتباطی نیز در مسیرهای سکونت ملت حاکم احداث می شود و جاده های فرعی که سمت و سو و جهت ارتباط آن به سوی مناطق سکونت ملت حاکم است احداث می شود به نحوی که در درون مناطق سکونت ملل تحت سلطه این راه ها اعم از جاده ای و ریلی دارای اهمیت اقتصادی کمتری است و اساساً برای

تسهیل سلطه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و انتقال منابع اقتصادی به سوی ملت حاکم احداث می‌شود. به طور کلی پروژه‌های اقتصادی در جهت تضعیف و وابسته کردن ملل تحت سلطه به ملت حاکم طراحی و اجرا می‌شود و هر چه زمان می‌گذرد ملت حاکم حداقل از نظر اقتصادی ثروتمندتر و توسعه یافته‌تر می‌شود و ملل تحت سلطه به طور نسبی و در مقایسه با ملت حاکم فقیرتر، توسعه نیافته‌تر و گرفتار رکود می‌شوند و این پروژه به خروج بیشتر سرمایه و نیروی کار متخصص و غیرمتخصص از مناطق سکونت ملل تحت سلطه و حرکت به سوی مناطق سکونت ملت حاکم منجر می‌شود و اندک سرمایه‌های بخش خصوصی ملل تحت سلطه را که می‌تواند باعث انباشت سرمایه و پایه ریزی برای ایجاد زیرساختهای توسعه اقتصادی شود را به سوی مناطق مورد نظر ملت حاکم منتقل می‌کند.

این مقدمه کوتاه ارائه شد تا به نمونه‌هایی از نحوه عملکرد دولت فاشیستی فارس در جهت استثمار منابع اقتصادی آذربایجان و انتقال آن به مناطق کویری فارس زبان اشاره شود. بعد از انقلاب مشروطه که مبانی نظری اش چند دهه پیش از پیروزی آن عمدتاً توسط روشنفکران کج اندیش آذربایجانی در راستای گذار کشور موسوم به ایران از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه و مبتنی بر اندیشه تجدد و ترقی و بنیان گذاری دولت-ملت شبه مدرن فارس و نابودی هویت‌های ملی غیرفارس در جغرافیای جعلی موسوم به ایران و با جانفشانیهای تورکهای آذربایجان جنوبی به پیروزی رسید. بنای دولت توتالیتار فاشیست فارس گذاشته شد و مصیبت‌های جدید برای آذربایجان

جنوبی آغاز شد. در این دولت تورکهای آذربایجان بایستی تحقیر و منابع اقتصادی شان به نفع فارسها استثمار شود. با به قدرت رسیدن رضاخان در کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ پروژه فارس سازی ملل غیر فارس به ویژه با همکاری روشنفکر نمایان احمق و خودفروخته تورک اعم از چپ و راست مانند کسروی، تقی ارانی، تقی زاده، کاظم زاده ایران شهر و... وارد فاز اجرایی دقیق تر و منسجم تری شد. آذربایجان و تبریز که تا زمان روی کار آمدن رضاخان ثروتمندترین و توسعه یافته ترین ایالت کشور جعلی موسوم به ایران محسوب می شد، در راستای تضعیف اقتصاد آن و انتقال دادن منابع اقتصادی آن به تهران و بقیه شهرهای کویری فارس زبان مورد هجوم سیاستهای تخریبی دولت فاشیست فارس قرار گرفت. مالیاتهای جمع آوری شده از آذربایجان به تهران منتقل شد و جلوی هر نوع سرمایه گذاری خصوصی و دولتی در آذربایجان سد گردید. گمرکات آذربایجان تعطیل گردید و مسیر تجارت آذربایجان-اروپا به سوی تهران، اصفهان و بنادر جنوب منتقل گردید. پروژه تضعیف و وابسته کردن اقتصاد آذربایجان جنوبی و انتقال منابع اقتصادی آن به مناطق کویری فارس زبان از حدود صد سال پیش تاکنون با برنامه ریزی دقیق در حال اجرا است و در این پروژه به طور منظم با گذشت هر سال سهم آذربایجان جنوبی از اقتصاد کشور موسوم به ایران به نفع مناطق کویری فارس زبان کم می شود و در همین راستا به دلیل ممانعت های اداری-سیاسی از سرمایه گذاری در آذربایجان جنوبی توسط دولت فاشیست فارس و گسترش بیکاری، جمعیت تورکهای آذربایجان جنوبی به سوی شهرهای کویری فارس زبان سرازیر می شود تا با سرعت بیشتری در میان جمعیت

فارس مستحیل گردند. شهرها و روستاهای حاصل خیز آذربایجان جنوبی حتی موغان مهاجر فرست می شوند و شهرهای کاملاً کویری مانند قم، سمنان، یزد و... مهاجر پذیر می شوند. عدم توسعه اقتصادی شهرها و روستاهای آذربایجان جنوبی و گسترش فقر در آذربایجان و متقابلاً توسعه و ثروتمند شدن شهرهای کویری فارس زبان تأثیر روانی قاطعی در جهت تحقیر هر فرد تورک آذربایجان جنوبی به جا می گذارد و او ناخودآگاه فارس را شایسته و ملت خودش را حقیر می شمارد.

در نیمه اول سال ۱۳۸۵ احمدی نژاد که با شعار بسیار فریبنده و پوپولیستی عدالت به پست ریاست جمهوری گمارده شده است و با توجه به رشد آگاهی ملی در میان ملل تحت سلطه فاشیسم فارس، با اعلام شعار فریبنده برقراری به اصطلاح عدالت در میان مناطق مختلف کشور (که خود دولت فاشیست فارس مسبب عقب ماندگی مناطق آن می باشد) به سفرهای پرسروصدا اما توخالی استانی دست زد. لازم به ذکر است در دولت‌های فاشیستی رفسنجانی و خاتمی نیز فیلمهای مشمئز کننده ای شبیه شعارهای فریبکارانه و ظاهراً عدالت طلبانه احمدی نژاد سر داده می شد که گویا دولت فاشیست فارس می خواهد به مناطقی که برخوردار نیستند (و خود عامل عقب ماندگی اقتصادی، فرهنگی و... آنهاست) رسیدگی کند و شاخصهای توسعه آنها را به سطح شاخصهای مناطق برخوردار برساند. در این راستا هاشمی رفسنجانی در اقدامی فریبکارانه «دفتر مناطق محروم ریاست جمهوری» را ایجاد کرده بود و سفرهای تبلیغاتی همراه با کلنگ زنی ها و افتتاح های نمایشی و غیرواقعی پروژه

هایی که یا در زمان قبل از انقلاب ۱۳۵۷ به بهره‌برداری رسیده بودند و یا وجود خارجی نداشتند انجام می‌داد. سید محمد خاتمی نیز برای فریب ملل تورک، عرب، کرد، بلوچ، تورکمن و... که دولت فاشیست فارس آنها را در صد سال اخیر به عقب ماندگی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی دچار کرده است «بودجه توازن منطقه‌ای» را مطرح کرده بود که گویا می‌خواست با بودجه توازن منطقه ای شاخصهای توسعه مناطق محروم را به سطح شاخصهای مناطق توسعه یافته (فارس زبان) برساند. دولتی که در انقلاب ۱۳۵۷ با شعار آزادی و عدالت و فریب ملل مختلف ساکن در کشور موسوم به ایران به قدرت رسید بعد از ۲۸ سال فاصله شاخصهای توسعه بین مناطق فارس زبان و مناطق غیر فارس زبان را نه تنها نسبت به زمان دولت فاشیست پهلوی کاهش نداده است بلکه فاصله‌ها را افزایش داده است و به گسترش بیشتر فقر، بیکاری، فحشا، فساد اداری، تحقیر ملل غیر فارس و... کمک کرده است.

دولت احمدی نژاد که در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ با قیامهای ملی و مدنی در عربستان (خوزستان)، کردستان، بلوچستان، آذربایجان در اعتراض به سلطه فاشیسم فارس روبرو شده است، در اقدامی فریبکارانه و مضحک سعی دارد با بهره برداری از چند پروژه که عمر بعضی از آنها مانند میانگذر دریاچه اورومیه به حدود ۳۰ سال نزدیک می‌شود یا بزرگراه تبریز-زنجان، و قول تأسیس چند سالن ورزشی و... ملل غیر فارس را فریب داده و برای تداوم سلطه فاشیسم فارس مشروعیتی کذایی ایجاد کند در حالیکه همچنان از ایجاد صنایع سنگین و صنایع دارای تکنولوژی پیشرفته و ارزش

افزوده بالاتر حتی توسط بخش خصوصی در آذربایجان جنوبی جلوگیری می کند، پروژه هایی که در استاندارد بین المللی بین ۶ ماه تا حداکثر ۳۶ ماه به بهره برداری می رسند، دولت فاشیست فارس برای به تأخیر انداختن توسعه اقتصادی آذربایجان جنوبی و وابسته نگه داشتن اقتصاد آن به اقتصاد مناطق فارس زبان، این پروژه ها را بیش از ۱۰ سال و بعضاً همانند میانگذر دریاچه اورومیه بیش از ۲۷ سال زمان بهره برداری از پروژه های اقتصادی را به تأخیر می اندازد و طول می دهد.

با توجه به محدودیت منابع آب و خاک در استانهای فارس زبان، دولت فاشیست فارس اقدامات محدودی را برای سد سازی در آذربایجان و سایر مناطق غیر فارس زبان شروع کرده است که هدف آن تأمین مواد غذایی و مواد خام کشاورزی مانند پنبه برای جمعیت و صنایع مستقر در مناطق فارس زبان است و هدف از آن ابداً توسعه اقتصادی آذربایجان و... نیست. البته همین پروژه های سد سازی نیز با تأخیر طولانی در احداث روبرو می شوند و اگر هم به مرحله آگیری برسند، پروژه های پایاب سد و کانال کشی برای استفاده از آب آن سدها در زمین های کشاورزی تحت پوشش سدها احداث نمی شود و عملاً حتی برای افزایش زمین های زیر کشت و افزایش تولیدات کشاورزی و دامی به کار نمی آید.

در خصوص معادن به ویژه اینکه آذربایجان از نظر تنوع مواد معدنی جزو مناطق ثروتمند جهان محسوب می شود و حتی معادن نفت نیز در دشت موغان به مقدار قابل توجه و دارای صرفه اقتصادی وجود دارد. اما مسئله این است که در صورت

استخراج این معادن همانند معادن بهره برداری شده در آذربایجان توسط دولت تاکنون، حتی ریالی از این درآمدهای معادن، در آذربایجان جنوبی سرمایه گذاری مجدد نمی شود و همگی صرف عمران و آبادی شهرها و روستاهای کویری فارس زبان می شود.

نمونه هایی از اقدامات دولت فاشیست فارس در بهره برداری از معادن آذربایجان جنوبی یا به عبارت دقیق تر تاراج ثروت های معدنی آذربایجان جنوبی که در رسانه های گروهی و مطبوعات دولتی و شبه دولتی فاشیست فارس انعکاس یافته است مورد اشاره قرار می گیرد.

- «شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران در نظر دارد حدود ۳۷۰۰ تن انواع محصول کارخانه فرآوری نفلین سینیت کلیبر به شرح ذیل را از طریق برگزاری مزایده عمومی به فروش برساند» (آگهی مزایده عمومی شماره ۲۴-۸۵/۴، ت، روزنامه دنیای اقتصاد، ۸۵/۴/۲۴، ص ۱۲).

- «سازمان صنایع و معادن استان آذربایجان غربی در نظر دارد در اجرای تبصره یک ماده ۱۰ قانون معادن، معادن مذکور در ردیف های یک الی ۲۲ را جهت بهره برداری و در اجرای ماده ۱۵ آیین نامه اجرایی قانون معادن، تکمیل عملیات اکتشافی و در نهایت بهره برداری از محدوده های اکتشافی مذکور در ردیف ۲۳ الی ۳۷ را از طریق

مزایده عمومی واگذار نماید» (آگهی مزایده عمومی معادن و محدوده های اکتشافی، روزنامه کیهان، ۱۳۵۶/۶/۸، ص ۹).

در هفته دولت یعنی نیمه اول شهریور ماه ۱۳۸۵ طبق اعلام رسانه های دولتی فاز اول بهره برداری از معادن مس سونگون افتتاح شد که با برداشت ۷ میلیون تن از خاک معدن مذکور ۱۵۰ هزار تن مس از آن معدن استخراج خواهد شد. با توجه به این که قیمت هر تن مس در بازار جهانی بین ۷۰۰۰ تا ۹۰۰۰ دلار است، ارزش تولیدی مرحله اول مس سونگون حداقل سالانه یک میلیارد و ۵۰ میلیون دلار خواهد بود، فاز دوم نیز برای ۶ سال آینده جهت تولید ۳۰۰ هزار تن مس برنامه ریزی شده است که ارزش تولیدات سالانه آن به بیش از ۳ میلیارد دلار خواهد رسید. البته این فقط خالص ارزش مس تولید این معدن خواهد بود و اگر صنایع وابسته به آن در منطقه محروم ورزقان ایجاد شود ارزش افزوده آن به میلیاردها دلار خواهد رسید که دولت فاشیست فارس به عنوان دولتی اشغالگر واستعمارگر این صنایع را در کرمان، اصفهان، تهران و... ایجاد خواهد کرد و حتی برای تورک آذربایجانی به عنوان کارگر نیز حاضر به ایجاد اشتغال نخواهد بود. همانند نفت برای اعراب عربستان (خوزستان) که از زیر پایشان استخراج شده و به فروش می رود و درآمدهای ناشی از آن صرف عمران و آبادی شهرهای اصفهان، تهران، یزد، کرمان، سمنان، و سایر شهرهای کویری فارس زبان می شود، درآمدهای بدست آمده از معدن مس سونگون و سایر معادن آذربایجان جنوبی نیز برای عمران و آبادی مناطق فارس زبان صرف خواهد شد

و ملتی(آذربایجان جنوبی) که مستعمره است و حق حاکمیت خود را در صد سال پیش با اشتباهی استراتژیک در انقلاب مشروطه به فارس ها واگذار کرده است امکان بهره مندی از منابع و ثروتهای طبیعی خود را برای توسعه و رفاه خویش نخواهد داشت.

معادن طلای زره شوران تیکان تپه (تکاب) و خاروانا نیز در حال بهره برداری است. معدن سرب و روی انگوران زنگان با تکنولوژی قدیمی در حال بهره برداری است، معدن کائولن یا خاک چینی مرند هر روز توسط قطار به تهران و اصفهان جهت استفاده در کارخانجات تولید سرامیک و کاشی حمل می شود و حتی یک ریال از این معادن نصیب آذربایجان جنوبی نمی شود.

معادن سنگ های تزئینی گران قیمت توفارقان (آذر شهر)، اورمو (ارومیه)، داش ماکی (ماکو) و سایر مصالح ساختمانی مانند گچ، آهک و سیمان، املاح و مواد شیمیایی اورمو گؤل (دریاچه ارومیه)، آلومینیای سراب، اردبیل و کلیبر، سنگ آهن بیجار و صدها معدن کوچک و بزرگ فعال در آذربایجان که استخراج می شوند همگی توسط دولت استخراج و درآمدهای آنها به مناطق فارس زبان منتقل می شود و اگر معادن کوچک توسط بخش خصوصی در آذربایجان استخراج می شود، دولت از طریق سیستم مالیات گیری، ارزش افزوده آنها را به تهران منتقل می کند. در سالهای اخیر دولت فاشیست فارس که با افت برداشت نفت در چاههای قدیمی و کاهش تولید نفت مواجه شده است علاوه بر جلب همکاری شرکت های نفت خارجی علی رغم

فشارهای آمریکا برای استخراج نفت در حوزه های نفتی خوزستان و خلیج عرب که هزینه کمتری برای تولید هر بشکه نفت نیاز است، جهت افزایش تولید حوزه های نفتی واقع در خشکی در مناطق دیگر کشور موسوم به ایران را به مناقصه گذاشته است. اولین بار در سال ۱۳۸۳ دولت ایران ۱۶ حوزه نفتی را به مناقصه گذاشت که چند حوزه نفتی از جمله حوزه نفتی موغان ۱، موغان ۲ و بیجار در مناطق تورک نشین آذربایجان قرار دارد. نشریه دانشجویی اقتصاد آذربایجان در مقاله ای با عنوان «ظرفیت ها و منابع اقتصادی آذربایجان و موانع توسعه آن» به نقل از مقامات شرکت ملی نفت ایران همان موقع به قصد رژیم برای تاراج منابع نفت آذربایجان اشاره کرده بود، هرچند ظاهراً به دلیل فشارهای آمریکا رژیم نتوانست به روش بای بک سرمایه گذار خارجی برای اکثر این حوزه ها پیدا کند (مقاله مذکور در نشریه دانشجویی اقتصاد آذربایجان، در مرداد ماه گذشته درپاره ای از سایت های اینترنتی آذربایجان جنوبی از جمله www.radist.org درج شده است). مجدداً در شهریور ماه جاری (۱۳۸۵)، نودری مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در مصاحبه ای با خبرنگاران با توجه به اینکه تا پایان برنامه چهارم توسعه یعنی ۳/۵ سال دیگر طبق برنامه تولید نفت بایستی به ۵ میلیون بشکه در روز برسد با توجه به روند فعلی سرمایه گذاری در حوزه های نفتی تحقق تولید ۵ میلیون بشکه نفت در روز را غیر ممکن خواند و به همین جهت خواستار افزایش سرمایه گذاری در بخش نفت شد. در همین راستا نودری اعلام کرد: ایران ۲۴ بلوک اکتشافی را به مناقصه می گذارد. (مدیر عامل

شرکت ملی نفت ایران: ایران ۲۴ بلوک اکتشافی را به مناقضه می گذارد، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۵/۶/۷، ص ۲۷).

مجددا فرماندار بيله سوار موضوع استخراج نفت موغان از سوی دولت ایران را مطرح کرده است که در رسانه های گروهی ایران مطرح شده است: «عبدالناصر فیاضی، فرماندار بيله سووار، به ایرنا گفت: در سفر رئیس جمهوری و هیئت دولت به استان اردبیل با عملیاتی شدن طرح اکتشاف و استخراج نفت در منطقه موغان موافقت شده است. وی گفت: بر این اساس قرار است کنسرسیومی متشکل از یک شرکت ایرانی و دو شرکت خارجی از کشورهای روسیه و کرواسی عملیات اکتشاف نفت در این منطقه را آغاز کنند. وی افزود: عملیاتی شدن این طرح و استخراج نفت موجب تحول در روند اقتصادی این منطقه مرزی خواهد شد» (عملیات اکتشاف نفت در بيله سوار موغان امسال آغاز می شود. روزنامه ابرار اقتصادی، ۸۵/۶/۲۲، ص ۴)

نیکزاد استاندار خود فروخته اردبیل نیز اخیرا از برنامه ریزی برای استخراج نفت موغان و نقش آن به اصطلاح در توسعه اقتصادی؟! استان سخن رانده بود که در سایتهای اینترنتی آذربایجان جنوبی نیز در اوایل شهریور ماه ۱۳۸۵ منعکس شده بود، البته ایشان توضیح نداده بود چگونه کشت و صنعت موغان و دشت موغان به عنوان یکی از غنی ترین و حاصلخیزترین مناطق جهان در اختیار مشتى دزد و دله فارس و تهرانی قرار گرفته و غارت می شود و در عوض جوانان موغانی و سایر مناطق

آذربایجان برای یافتن لقمه ای نان و گریز از بیکاری مجبور به مهاجرت به شهرهای کویری فارس زبان می شوند.

با توجه به همسایگی آذربایجان جنوبی با چند کشور اروپایی و آسیایی (از طریق مرزهای خشکی با آذربایجان شمالی، ارمنستان، تورکیه، عراق و از طریق سواحل تورک نشین دریای خزر با تورکمنستان، قزاقستان و روسیه) و موقعیت استراتژیک و ترانزیتی آن (کریدورهای شمال-جنوب و غرب-شرق) باعث ایجاد گمرکات متعدد در آستارا، بیله سووار، جیلغا، بزیرگان (بازرگان)، سروو، حاج ایمران (حاج عمران)، سهلان و... و عبور میلیون ها تن کالای ترانزیتی و مسافر و ترانزیت گاز و الکتریسیته به تورکیه، ارمنستان، آذربایجان شمالی، عراق و... و هواپیماهای عبوری در مسیر شرق و غرب از سرزمین آذربایجان جنوبی می گردد. درآمدهای عظیم ناشی از ترانزیت کالا، مسافر، گاز، الکتریسیته و هواپیماها و درآمدهای گمرکات آذربایجان به جیب دولت فاشیست فارس می رود درحالی که اگر ملت تورک آذربایجان جنوبی حاکمیت بر سرنوشت خودش را بدست آورد همه این منابع در خدمت توسعه و رفاه ملت تورک آذربایجان جنوبی قرار خواهد گرفت.

موقعیت ژئواکونومیک آذربایجان جنوبی با مطرح شدن پروژه خط لوله گاز «نوباکو» بار دیگر مورد تایید و تاکید قرار گرفته است. وزیری ماهانه وزیر نفت ایران در اواخر مردادماه سال ۱۳۸۵ از تورکیه دیدن کرد تا مناسبات انرژی دو کشور را مورد بحث و گفتگو قرار دهد. تورکیه اولین کشوری بود که بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال

۱۳۸۱ توانست صادرات گاز خود را به آن آغاز کند که البته این خط لوله از آذربایجان جنوبی به تورکیه می رود و ظرفیت نهایی آن که برای دهه سوم قرن بیست و یکم در نظر گرفته شده است سالانه ۲۰ میلیارد متر مکعب می باشد. البته قبل از انقلاب اسلامی رژیم پهلوی دوم در سالهای اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی در مقابل احداث کارخانه ذوب آهن در اصفهان از سوی روسها خط لوله گاز از آغاجاری در جنوب به سوی آستارا در آذربایجان جنوبی احداث کرد و از طریق آن گاز ایران را به روسیه صادر می کرد ولی روسها چون بیش از یک سوم ذخایر گاز دنیا را در اختیار دارند و یکی از بزرگترین صادرکنندگان گاز جهان می باشند از خرید گاز ایران با قیمت پایین استقبال کردند و این مسأله سبب شد صادرات گاز ایران به روسیه و از آن طریق به اروپا پس از مدت کوتاهی متوقف گردد. اکنون از طریق این خط لوله ایران گاز را از آذربایجان شمالی دریافت می کند و به نخجوان ترانزیت می کند و ۱۵ درصد طبق قرارداد دو کشور حق ترانزیت برمی دارد و قرار است در زمستان ۱۳۸۵، ایران از طریق همین خط لوله به گرجستان نیز گاز صادر کند که بعد از عبور از آذربایجان جنوبی از طریق آذربایجان شمالی به گرجستان ارسال خواهد شد.

خط لوله دیگری نیز از طریق آذربایجان جنوبی در حال احداث به ارمنستان است و طبق اعلام دو کشور ارمنستان و ایران اوایل سال ۲۰۰۷ این مسیر به بهره برداری خواهد رسید و ظرفیت آن سه میلیارد متر مکعب در سال در نظر گرفته شده است.

اما پروژه مهمترین اکنون مورد بحث اتحادیه اروپا، تورکیه و ایران قرار می‌گیرد. این پروژه که «نوباکو»^{۷۸} نامیده می‌شود قرار است گاز آسیای میانه، حوزه خزر، آذربایجان شمالی و ایران را از طریق تورکیه به کشورهای عضو اتحادیه اروپا ارسال کند. اتحادیه اروپا به دنبال اختلاف با روسیه و اوکراین که کاهش جریان گاز و حتی قطع آن را در بعضی از کشورهای عضو به همراه داشت تصمیم به تنوع بخشیدن به منابع انرژی خود گرفت. بنابر این درصدد برآمد گاز کشورهای حوزه دریای خزر از جمله ایران را از طریق خط لوله ای موسوم به نوباکو که از تورکیه می‌گذرد، به اروپا برساند. این خط لوله بین المللی از منطقه دریای خزر و خاورمیانه آغاز می‌شود و با عبور از تورکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش گاز انتقالی را به فرانسه، آلمان و دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌رساند.

به این ترتیب و از آنجا که وجود چنین خط لوله ای انحصار انتقال و فروش گاز به اروپا را از انحصار روسیه خارج می‌کند بعید به نظر می‌رسد که این کشور برای یکه تاز ماندن در این عرصه و برای به سرانجام نرسیدن این خط لوله از اقداماتی نظیر اعطای تخفیفات قابل توجه به تورکیه دریغ نکند. مصطفی شریف النبی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات بین المللی انرژی درباره خط لوله «نوباکو» و سرنوشت آن به خبرگزاری مهر گفت: «اتحادیه اروپا به دنبال اختلاف با روسیه و اوکراین تصمیم به ایجاد چنین خط لوله ای گرفت که تورکیه هم در مسیر این انتقال قرار دارد». شریف

^{۷۸} - در سال ۲۰۰۹ ایران از این قرار داد کنار گذاشته شد

النبی تصریح کرد: «تورکیه بهترین پل برای گذر خط لوله نوباکو است و راههای دیگر آلترناتیو مناسبی به شمار نمی روند». وی درباره توافقات ایران با اتریش برای صادرات گاز گفت: «شرکت QMW اتریشی رهبر پروژه «نوباکو» بوده و اتحادیه اروپا نیز در این پروژه حمایت های خود را از این شرکت بسیار افزایش داده است» («نوباکو»، فرصت چانه زنی تورکیه برای خرید گاز ایران، روزنامه جهان صنعت، ۸۵/۵/۲۴، ص ۱۵).

هویت و منافع ملی مستقل آذربایجان جنوبی به عنوان بنیان بهره مندی از منابع اقتصادی آذربایجان جنوبی

نیازهای جغرافیایی و ترانزیتی، تکنولوژیکی، تجاری و اقتصادی تورکهای آذربایجان جنوبی به ملتهای همسایه و سایر ملل برای مناسبات دو و چند جانبه همانند همه ملتهای جهان طبیعی است. علیرغم ممانعت فاشیسم فارس از توسعه اقتصادی آذربایجان جنوبی در صد سال اخیر، وجود منابع زیرزمینی غنی مانند نفت در موغان، مس سونگون در ورزقان، نفلین سینیت در سراب و کلیبر، طلا در تیکان تپه (تکاب) و خاروانا، سرب و روی در زنگان، کائولن در مرند، سنگ آهن در بیجار و ذخایر شیمیایی بی پایان اورمو گولو (دریاچه اورومیه) و هزاران معدن کوچک و بزرگ دیگر و منابع کافی آب و خاک و محصولات متنوع کشاورزی، شکل گیری اقتصاد هر چند

کوچک بخش خصوصی و کارآفرینان صنعتی و تجاری، موقعیت ترانزیتی و استراتژیک در مسیر کریدورهای شرق و غرب، جمعیت قابل توجه و یکدست و همگون و مزایای دیگر اقتصادی آذربایجان جنوبی در صورت تأمین حاکمیت ملی و تشکیل دولت ملی تورکهای آذربایجان جنوبی امکان توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آذربایجان جنوبی و هماهنگی آن با نرمهای اقتصادی، تکنولوژیکی و سیاسی دنیای پیشرفته را به آذربایجان جنوبی می دهد، لکن ابتدا باید بنیان نظری آن و خودباوری مبتنی برآن را در میان ملت تورک آذربایجان جنوبی پی ریزی کرد و نبایستی با تزریق ضعف و زبونی و بزرگنمایی مشکلات اقتصادی و سیاسی و امنیتی آینده به تضعیف روحیه ملت اقدام نمود. آذربایجان در صورت تسلط و حاکمیت بر سرزمین ملی خود نه تنها وضعیت اقتصادی آن از وضعیت فعلی بدتر نخواهد شد بلکه بهتر نیز خواهد شد. هر چند شاید در چند سال اول مشکلاتی بروز کند که طبیعی است اما فراموش نکنیم که به قدری ظرفیتهای خالی در اقتصاد آذربایجان وجود دارد که در صورت وجود مدیریت و بازاریابی به روز و پیشرفته و جلب سرمایه ها و تکنولوژیهای خارجی، -که نیرو های متخصص و تحصیل کرده آذربایجانی آن نیز وجود دارد - آذربایجان جنوبی به رفاه و ثروتی بیشتر از وضعیت فعلی که منابع و معادن آن به نفع تهران و سایر شهرهای فارس زبان استثمار می شود، دست خواهد یافت. اما پیش شرط همه اینها ضرورت انسجام و وحدت ملی در داخل و اولویت منافع ملی تورکهای آذربایجان جنوبی در سیاست خارجی است. ما سیاست خارجی و تحولات منطقه ای و بین المللی را فقط از منظر منافع ملی آذربایجان جنوبی نگاه

خواهیم کرد نه از منظر تهران، باکو، آنکارا و نه هر جای دیگری. در آن صورت بحران قره باغ و منازعات آذربایجان شمالی و ارمنستان، رویارویی کردها و تورکیه، و رویارویی غرب و دولت فاشیست فارس و.... هر کدام فرصتی برای تأمین منافع ملی تورکهای آذربایجان جنوبی است. طرح این مباحث و موضوعات نه به معنی دشمنی با تورکیه و آذربایجان شمالی است و نه به معنی دوستی با ارمنستان، کردها، عربها و.... بلکه هدف طرح این موضوع بدیهی و عینی است که در سیاست خارجی ملل همسایه حتی تورک، کسی در حمایت از ما چک سفید نداده است و ما هم نایستی به کسی چک سفید بدهیم بلکه با احتیاط و با سنجش منافع ملی مان دوستان و دشمنانمان را شناسایی کنیم. با یادآوری مجدد این نکته که سیاست خارجی عرصه ای بسیار سیال و متغیر است و نایستی همه چیز را در آن ثابت فرض کرد، دشمنی‌ها و دوستی‌ها بر اساس منافع از این قاعده مستثنی نیست.

در شرایطی که سرمایه گذاری خارجی در جهان به دنبال بهترین شرایط برای سرمایه گذاری است چرا آذربایجان نتواند با به دست آوردن حق تعیین سرنوشت خویش و با جلب سرمایه گذاری خارجی و تکنولوژی پیشرفته روز و در ارتباط با روندهای جاری اقتصادی و تکنولوژیکی در جهان امروز سرزمین ثروتمند خود را اداره کند. ممکن است عده‌ای از فعالین حرکت ملی آذربایجان در این فکر باشند که با روند جهانی شدن و نفوذپذیر شدن حاکمیت‌های ملی دیگر چرا بایستی به فکر تشکیل دولت ملی مستقل باشیم بلکه بایستی در درون این جغرافیای جعلی موسوم به ایران

به دنبال تامین حقوق خود باشیم، همانگونه که روند وحدت اروپا در حال تعمیق و گسترش است. این طیف از فعالین حرکت ملی با پیش کشیدن مشکلات سیاسی و اقتصادی پیش روی استقلال آذربایجان جنوبی، روند جاری در اتحادیه اروپا و پاره ای از نقاط جهان را برای اثبات استدلال خود و قانع شدن به سیستم فدرال پیش می کشند. اما استدلالهای این طیف فاقد منطق درونی و بیرونی (تجربی) است.

اولا حتی در خود اروپا هم مللی که حاکمیت ملی خود را هنوز به دست نیاورده اند برای احراز حاکمیت ملی شان مبارزه می کنند که نمونه بارز آن جدا شدن مونته نگرو با ۶۲۰،۰۰۰ جمعیت از صربستان ۸/۵ میلیون نفری در خرداد ماه ۱۳۸۵ و تلاش باسکها و کاتالان ها برای به دست آوردن حق تعیین سرنوشت بیشتر از دولت مرکزی اسپانیاست.

ثانیا شرایط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر منطقه از جهان با مناطق دیگر متفاوت است و ما نمی توانیم برای همه جهان در یک آن نسخه واحد بپیچیم. در اروپا رشد ناسیونالیسم و حاکمیت ملی به بلوغ رسیده است. و ملتهای اروپایی با اراده خود و در فضایی دموکراتیک به سوی وحدتی دموکراتیک حرکت می کنند. در حالیکه وحدتی که در کشور جعلی موسوم به ایران وجود دارد وحدتی فاشیستی و با سرکوب از بالا و نادیده گرفته شدن اراده ملی و حاکمیت ملی ملتهای غیر فارس حاصل شده است. ابتدا بایستی ملت تورک آذربایجان جنوبی حاکمیت ملی خودش را بدست آورد و سپس بر اساس منافع خود و در فضایی دموکراتیک به سوی اتحادها و

ائتلافهایی که دربردارنده منافع ملی آن است حرکت کند. حاکمیت فاشیسم فارس بر آذربایجان جنوبی در صد سال اخیر و تحریف تاریخ، فرهنگ و هویت ملی تورکهای آذربایجان جنوبی عده‌ای از روشنفکران و نویسندگان تورک را از خود بیگانه کرده و آنان به دشمنان آشکار هویت ملی تورکهای آذربایجان و دریوزگان فارس‌ها تبدیل شده اند و حتی هویتی دوگانه پیدا کرده اند و به زغم خود می خواهند هم هوای منافع ملی فارس‌ها را داشته باشند و هم هوای منافع ملی تورکهای آذربایجان جنوبی را داشته باشند در حالیکه فاشیسم فارس و توده مردم فارس بعنوان هیزم فاشیسم فارس هیچ حقی برای ملل غیر فارس در جغرافیای جعلی موسوم به ایران قائل نیست و با پند و اندرز نمی توان حق ملت تورک را از حلقوم فاشیسم فارس بیرون کشید، بلکه با بسیج قدرت ملی تورکهای آذربایجان جنوبی می‌توان حق تعیین سرنوشت و حاکمیت ملی را بدست آورد و لازمه آن شناساندن دشمنی فارسها با تورکهای آذربایجان است که عده‌ای روشنفکر نمای تورک در صدوپنجاه سال اخیر با خطایی استراتژیک آنان را به عنوان دوستان ملت تورک جا زده اند

همانگونه که نظام سلطه فاشیسم فارس برای سلطه خود بر ملل غیر فارس گفتمان خاص خود را در ۱۵۰ سال اخیر ایجاد کرده است، برای مقاومت در مقابل سلطه ورهایی از آن نیز نیاز به ایجاد گفتمان خاص در تمامی حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصاد، تاریخی و... بر مبنای منافع ملی تورکهای آذربایجان جنوبی داریم. در این متن کوتاه به صورت اجمالی به ظرفیت‌ها و منابع اقتصادی آذربایجان جنوبی و انتقال

این منابع به مناطق فارس زبان اشاره شد. آگاهی دادن به ملت تورک و ایجاد خود باوری در آنان و یادآوری عظمت‌های تاریخی آنان و تواناییها و ثروت‌های طبیعی آن و ستم‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی رفته بر آنان توسط فاشیسم فارس ضرورت اولیه برای ایجاد انسجام ملی و بسیج قدرت ملی در مقابل دشمن بدوی و فاقد هر نوع مدنیت و انسانیت یعنی فاشیسم فارس است.

کافی است وضعیت عربستان(خوزستان) را مورد توجه قرار دهیم. ملت عرب خوزستان علی‌رغم آنکه بر روی منابع عظیم نفت زندگی می کند و درآمدهای نفتی آن در صورت استقلال ملی می تواند اعراب آنجا را به ملتی ثروتمند و مرفه تبدیل کند، ولی فقدان آگاهی ملی و تکیه بر اوهامی مانند اشتراک در مذهب شیعه با فارسهای محترم؟! آنان را زیر سلطه فارسها نگه داشته است و آنان نه تنها از این ثروت نفتی بهره ای نمی برند بلکه فارسها از پول نفت اعراب شهرهای فارسی زبان را آباد کرده اند و اعراب را در گرسنگی و فقر و فلاکت و سرکوب نگه داشته اند.



منابع و مأخذ

۱. اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۹۷-۱۹۸ سال هجده - شماره ۵ و ۶
۲. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۱۲، شماره ۱ و ۲
۳. اطلس گیتا شناسی استانهای ایران، سال ۱۳۸۵، واحد پژوهش و تالیف گیتاشناسی، تهران، هامون، ۱۳۸۵.
۴. آمار آموزش عالی ایران سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، گروه پژوهش های آماری و انفورماتیک، مینو غیائی، تهران، قاصدک ۱۳۸۳،
۵. برنامه، هفته نامه خبری-تحلیلی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری شماره ۲۲۰
۶. برنامه، هفته نامه خبری-تحلیلی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری شماره ۲۳۳
۷. برنامه، هفته نامه خبری-تحلیلی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری شماره ۲۴۲
۸. برنامه، هفته نامه خبری-تحلیلی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری شماره ۲۴۴
۹. برنامه، هفته نامه خبری-تحلیلی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری شماره ۲۷۵

۱۰. برنامه، هفته نامه خبری-تحلیلی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری شماره ۲۷۱
۱۱. روش های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و نرگس طالقانی، تهران وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰، بست، جان
۱۲. بولتن خبر رسانی وزارت صنایع و معادن، شماره ۲۳، مهر ۱۳۸۷
۱۳. توسعه ایرانی، سازمان برنامه و بودجه، تهران، بی سال.
۱۴. دلاور، علی. روش های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، پیام نور، ۱۳۷۱.
۱۵. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۴۰۳، یکشنبه ۹ مرداد ۱۳۸۴.
۱۶. روزنامه دنیای اقتصاد، سال ۵، شماره ۱۳۴۹، یکشنبه ۸ مهر ۱۳۸۶.
۱۷. سالنامه آماری کارکنان دستگاه های اجرایی کشور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران، قاسملو ۱۳۸۴
۱۸. سامان، بولتن داخلی معاونت عمرانی وزارت ارشاد، تهران، شماره ۱۱، اردیبهشت ۱۳۸۱.
۱۹. طاهری، ابولقاسم، روش تحقیق در علوم سیاسی، تهران، قومس، ۱۳۸۴.
۲۰. عظیمی، حسین، پیشنهاد خطوط اساسی الگویی برنامه ریزی در ایران براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
۲۱. علوی تبار، علی رضا، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد ۲، تهران ۱۳۸۰

۲۲. فصلنامه بانک، وزارت امور اقتصادی و دارایی، عملکرد بانکهای دولتی و خصوصی در استانها، شماره ۱-۱۳، مردادماه ۱۳۸۷.

۲۳. فصلنامه بیمه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، عملکرد شرکت های بیمه دولتی، مرداد ماه ۱۳۸۷ شماره ۱

۲۴. قانون برنامه اول توسعه، ۷۲-۱۳۶۸

۲۵. گزارش اجمالی شناسایی مناطق محروم کشور مرحله ششم، تهران، وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۷.

۲۶. ماهنامه بیمه شدگان، سازمان تأمین اجتماعی معاونت اقتصادی و برنامه ریزی، تیر ۸۷

۲۷. مرکز آمار ایران (ر.پ)، وزارت مسکن و شهرسازی. سازمان ملی زمین و مسکن و دفتر پشتیبانی دفتر برنامه ریزی، بی سال.

۲۸. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵

۲۹. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵

۳۰. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵

۳۱. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵

۳۲. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۴۵/شاخص مزیت نسبی عملکرد شهری.

۳۳. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۶۵/شاخص مزیت نسبی عملکرد شهری.

۳۴. مرکز آمار ایران، نتایج تفضیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵/شاخص مزیت نسبی عملکرد شهری.
۳۵. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۸۴
۳۶. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۸۵
۳۷. نتایج آمارگیری از گاوداریهای صنعتی کشور ۱۳۸۶، مرکز آمار ایران، دفتر اطلاع رسانی و پایگاه اطلاعات آماری، تهران، ۱۳۸۷
۳۸. وضعیت اجرای تفاهم نامه ۱۳۸۶/۳/۹ موضوع تأمین مسکن کارگران تا فروردین ماه ۱۳۸۷، وزارت کار و امور اجتماعی، معاونت امور فرهنگی و اجتماعی، تهران، اردیبهشت ۸۷
۳۹. یاری، فصلنامه مرکز اطلاع رسانی کمیته امداد امام خمینی، سال ۵، شماره ۱۹.
۴۰. آبراهامیان، پرواند، مقالاتی در جامعه شناسی سیاسی ایران، تهران: شیرازه، ۱۳۷۶، ص ۱۸۹.
۴۱. آبراهامیان، پرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۹.
۴۲. همان، ص ۴۷۹.
۴۳. اقبال، حیدر خان، مجله یادگار، سال سوم، ۱۳۲۶-۱۳۲۵، دی ۱۳۴۶، ص ۶۸.
۴۴. آبراهیمیان، پرواند، همان، ص ۱۸۲.
۴۵. همان، ص ۱۸۳.
۴۶. وزارت کشور، آمار عمومی، تهران: ۱۳۳۵، جلد دوم.
۴۷. آبراهیمیان، پرواند، همان، ص ۱۸۴.
۴۸. Cottam, R, Nationalism in Iran, Pittsburgh, ۱۹۶۴, p. ۱۲۶.
۴۹. آبراهیمیان، پرواند، همان، ص ۵۰۴.
۵۰. آبراهیمیان، پرواند، همان، ص ۲۰۱.

۵۱. همان.
۵۲. آبراهیمیان، پرواند، همان، ص ۱۸۸.
۵۳. آبراهیمیان، پرواند، همان، ص ۲۰۱.
۵۴. _____، نگاهی به عواقب زیانبار مهاجرت های پیش بینی نشده، روزنامه اطلاعات، ۹ مرداد ۱۳۸۴، شماره ۲۳۴۰۳، ص ۵.
۵۵. همان.
۵۶. روزنامه سرمایه، ۱۷ بهمن ۱۳۸۶، شماره ۶۷۰، ص ۲.
۵۷. همان.
۵۸. همان.
۵۹. همان.
۶۰. روزنامه مهد آزادی، ۲۱ مرداد ماه ۱۳۸۶، شماره ۴۹۰۹، ص ۴.
۶۱. مجد، محمد قلی، قحطی بزرگ، ترجمه محمد کریمی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۷، ص ۹۴.
۶۲. آبراهامیان، پرواند، همان، ص ۱۷.
۶۳. مجد، محمد قلی، همان، ص ۹۴.
۶۴. همان، صص ۹۴، ۹۵.
۶۵. وب سایت مرکز آمار ایران به آدرس:
<http://amar.sci.org.ir/Detail.aspx?Ln=F&no=۲۵۸۲۶۳&S=GW>.
۶۶. روزنامه جهان صنعت، پنجشنبه ۸ اردیبهشت سال ۱۳۸۴، سال اول، شماره ۲۷۶.
۶۷. آذری، آراز، نگاهی کوتاه به توسعه اقتصادی آذربایجان، مجموعه مقالات اولین همایش دانشجویان آذربایجانی دانشگاه صنعتی شریف، بهار ۸۲.
۶۸. روزنامه بیان، ۹ مهرماه ۷۹، شماره ۲۳۵، سال دوم، ص ۵.
۶۹. آذری، آراز، همان.
۷۰. هفته نامه حیدر بابا، ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۴، سال سوم، شماره ۸۴، ص ۲.
۷۱. همان.
۷۲. همان، ص ۳.

۷۳. همان، ص ۶.
۷۴. هفته نامه حیدر بابا، ۲۷ آذرماه ۱۳۸۶، سال پنجم، شماره ۱۹۲، ص ۳.
۷۵. هفته نامه حیدر بابا، ۱۳ شهریور ماه ۱۳۸۶، سال پنجم، شماره ۱۷۷، ص ۲.
۷۶. هفته نامه حیدر بابا، ۱۷ مهر ماه ۱۳۸۶، سال پنجم، شماره ۱۸۲، ص ۱.
۷۷. همان، ص ۲.
۷۸. همان، ص ۲.
۷۹. همان، ص ۲.
۸۰. همان، ص ۲.
۸۱. همان، ص ۳.
۸۲. هفته نامه حیدر بابا، ۲۴ مهر ماه ۱۳۸۶، سال پنجم، شماره ۱۸۳، ص ۳.
۸۳. هفته نامه حیدر بابا، ۳ مهر ماه ۱۳۸۶، سال پنجم، شماره ۱۸۰، ص ۳.
۸۴. همان.
۸۵. هفته نامه حیدر بابا، ۱۱ تیر ماه ۱۳۸۷، سال ششم، شماره ۲۱۶، ص ۲.
۸۶. هفته نامه حیدر بابا، ۱۳ آذر ماه ۱۳۸۶، سال پنجم، شماره ۱۹۰، ص ۳.
۸۷. هفته نامه حیدر بابا، ۱ آبان ماه ۱۳۸۶، سال پنجم، شماره ۱۸۴، ص ۷.
۸۸. هفته نامه حیدر بابا، ۲ آبان ماه ۱۳۸۵، سال چهارم، شماره ۱۳۶، ص ۸.
۸۹. همان، ص ۳.
۹۰. هفته نامه حیدر بابا، ۵ آبان ماه ۱۳۸۵، سال چهارم، شماره ۱۴۵، ص ۱.
۹۱. هفته نامه آراز، ۵ شهریور ۱۳۸۴، سال چهارم، شماره ۱۱۳، ص ۸.
۹۲. هفته نامه نوید آذربایجان، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۴، سال هفتم، شماره ۴۲۰، ص ۲.
۹۳. هفته نامه نوید آذربایجان، ۱۶ تیر ۱۳۸۰، سال سوم، شماره ۱۶۰، ص ۲.
۹۴. روزنامه نوروز، ۲۶ خرداد ۱۳۸۰، سال اول، شماره ۵۷، ص ۴.
۹۵. روزنامه ایران، ۸ آذر ۱۳۸۰، سال هفتم، شماره ۱۹۸۰، ص ۲.
۹۶. روزنامه همشهری، ۸ دی ۱۳۸۰، سال دهم، شماره ۲۶۰۵، ص ۱۴.
۹۷. روزنامه ایران، شنبه ۱۴ آبان ۱۳۷۹، سال هفتم، شماره ۱۶۵۸، ص ۱۷.
۹۸. روزنامه مهد آزادی، چهارشنبه ۱۴ آذر ۱۳۷۵، سال چهل و هفتم، شماره ۱۸۴۸.

۹۹. روزنامه مهد آزادی، چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۸۶، سال پنجاه و هفتم، شماره ۴۹۰۷.
۱۰۰. هفته نامه سهیل، یکشنبه ۱۵ مهر ماه ۱۳۸۶، سال سوم، شماره ۸۹، ص ۲.
۱۰۱. همان.
۱۰۲. همان.
۱۰۳. هفته نامه بهارزنجان، پنجشنبه ۸ بهمن ۱۳۸۳، شماره ۱۳۱، صفحه ۷.
۱۰۴. هفته نامه البرز، چهارشنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۸۵، شماره ۲۴، صفحه ۲.
۱۰۵. روزنامه نوروز، ۲۶ خرداد ۱۳۸۰، سال اول، شماره ۵۷، ص ۴.
۱۰۶. وب سایت مجموعه اصفهان سیتی سنتر به آدرس:
<http://www.isfahancitycenter.com>
 وب سایت ویکی پدیا به آدرس: <http://www.wikipedia.com>
۱۰۸. ماهنامه آغاز، سال دوم، شماره ۱۰، اسفند ۱۳۸۷، ص ۱۳.
۱۰۹. همان، ص ۱۶.
۱۱۰. همان، ص ۱۷.
۱۱۱. سرداری نیا، صمد، تبریز، شهر اولین ها، (تبریز، ۱۳۸۱) & کانون فرهنگ و هنر آذربایجان
۱۱۲. همان، صص ۴۹۱-۵۰۴.
۱۱۳. آبراهامیان، پرواند، همان، ص ۱۸۲.
۱۱۴. وزارت کشور، آمار عمومی، تهران: ۱۳۳۵، جلد دوم.
۱۱۵. کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاندار، جلد ۷، چاپ سوم، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳، صص ۱۷۰-۱۷۱.
۱۱۶. شاردن، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، جلد سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶.
۱۱۷. همان، ص ۲۱.
۱۱۸. همان، جلد ۴، ص ۱۷۰.

۱۱۹. تاورنیه، بابتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابو تراب نوری (نظم الدوله)، با تجدید نظر کلی و تصحیح دکتر حمید شیرانی، چاپ دوم، اصفهان: ۱۳۳۶، ص ۴۲.
۱۲۰. همان، ص ۲.
۱۲۱. همان، صص ۶۱۷-۶۲۰.
۱۲۲. همان، صص ۶۲۸-۶۲۹.
۱۲۳. فلاندن، اوژن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران در سال ۱۸۴۰-۱۸۴۱، ترجمه حسن نور صادقی، چاپ دوم، اصفهان: چاپخانه روزنامه نقش جهان، اسفند ۱۳۲۴، ص ۱۴۶.
۱۲۴. سفر نامه فریزر، ترجمه منوچهر امیری، توس، ۱۳۶۱، صص ۲۱۸-۲۱۹.
۱۲۵. همان، ص ۹۹.
۱۲۶. کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غ. وحید مازندرانی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، صص ۳-۴.
۱۲۷. کازاما، آکیو، ژاپن، دیروز و امروز، ترجمه هاشم رجب زاده، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۴-۱۹۵.
۱۲۸. اوژن فلاندن، همان، ص ۹۵.
۱۲۹. فوریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص ۲۲۸.
۱۳۰. گروته، هوگو، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیوند، تهران: مرکز، ۱۳۶۹، ص ۲۰۸.
۱۳۱. تاورنیه، بابتیست، همان.
۱۳۲. شاردن، همان.
۱۳۳. همان.
۱۳۴. آبراهامیان، یرواند، مقالاتی در جامعه شناسی سیاسی ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: شیرازه، ۱۳۷۶، ص ۵.